

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در جهانی شدنِ اقدامات بشردوستانه

سید محمد رضا موسوی فرد

انتشارات زانا

سرشناسه: موسوی فرد، سیدمحمد رضا، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور: نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی‌شدن اقدامات
بشر دوستانه / سیدمحمد رضا موسوی فرد.
مشخصات نشر: ایلام: انتشارات زانا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۱۷۰ص.
شابک: 978-600-6406-25-1
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
موضوع: خدمات انسانی -- همکاری‌های بین‌المللی
موضوع: خدمات اجتماعی -- همکاری‌های بین‌المللی
سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی موضوع:
رده‌بندی کنگره: HV۴۱/۷م۸۳ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی: ۳۶۱/۲۶
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۰۰۳۳۳:



نقش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در جهانی‌شدن اقدامات بشر دوستانه

سید محمد رضا موسوی فرد
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۴۰۶-۲۵-۱
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۰۰
نشانی ناشر: ایلام، خیابان عاشورا، کوچه ی سوم. تلفن: ۰۹۱۸۳۴۱۲۴۵۴

تقدیم به:

- روح پدر عزیزم؛ که از فراز ابرها هنوز نگران من است
- و خانواده‌ی گرمی‌ام که پشت و پناه من هستند

مقدمه.....	۱۳
------------	----

فصل اول: کلیات

طرح مسأله.....	۱۵
تعریف مفاهیم	۱۷
مفهوم سازمان	۱۷
سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.....	۲۰
جهانی‌شدن	۲۱
اقدامات بشردوستانه.....	۲۳
برجسته‌ترین سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.....	۲۴

فصل دوم: سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی از دیدگاه نظری (کارکردگرایی و نوکارکردگرایی و نهادگرایی نئولیبرال)

مقدمه.....	۲۷
جهانی‌شدن	۲۸
هم‌گرایی	۲۹
نظریه‌ی کارکردگرایی	۳۰
نظریه‌ی نوکارکردگرایی.....	۳۱
نهادگرایی لیبرال.....	۳۳
سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.....	۳۷
جامعه‌ی مدنی بین‌المللی.....	۳۹

فصل سوم: جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در نظام بین‌المللی

نوع نگرش در مطالعه.....	۴۱
مباحث نظری.....	۴۳
سیر تاریخی ظهور و رشد سازمان‌های غیر دولتی.....	۴۹
عوامل مؤثر در گسترش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در سطح ملی و بین‌المللی و شخصیت حقوقی آن‌ها.....	۵۳
شخصیت حقوق سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.....	۵۷
منابع مالی.....	۵۸

فصل چهارم: تأثیر متقابل سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و جهانی‌شدن و جایگاه

این نوع سازمان‌ها در قبال سازمان ملل متحد در نظام بین‌الملل

تأثیر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی بر جهانی‌شدن.....	۶۲
تأثیر جهانی‌شدن بر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.....	۶۶
رابطه‌ی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی با سازمان ملل متحد در روند جهانی‌شدن.....	۷۰
رابطه‌ی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی با سازمان‌های بین‌المللی عمومی.....	۷۴
گروه یک.....	۷۵
گروه دو.....	۷۵
گروه راستر.....	۷۶
جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی خارج از نوع ارتباط با سازمان ملل.....	۸۰
نقش سازمان ملل در عمل انسان‌دوستانه.....	۸۳

فصل پنجم: آشنایی با نهضت و فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و نقش آن در

جهانی‌شدن و اقدامات بشردوستانه

آشنایی با نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال‌احمر.....	۸۵
اهداف و وظایف نهضت.....	۸۹
آشنایی با فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر.....	۹۱
اصول و وظایف و اهداف فدراسیون.....	۹۱
تشکیلات فدراسیون.....	۹۳
منابع مالی فدراسیون.....	۹۴
شرایط عضویت کشورهای ملی در فدراسیون.....	۹۴

فصل ششم: آشنایی با جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

مقدمه.....	۱۰۱
تاریخچه.....	۱۰۱
اهداف و وظایف.....	۱۰۳
ساختار و تشکیلات جمعیت از بدو تأسیس تاکنون.....	۱۰۵
وظایف و اختیارات رئیس.....	۱۰۷
وظایف و اختیارات هیأت اجرایی.....	۱۰۹
نگاهی به تحولات اساسنامه‌ای ارگان جمعیت از ۱۳۰۱ ه.ش تا ۱۳۸۱ ه.ش و عوامل تغییرات.....	۱۱۱
اساسنامه‌ی جمعیت از سال ۱۳۱۲.....	۱۱۲
اساسنامه‌ی جمعیت از سال ۱۳۲۲.....	۱۱۳
اساسنامه‌ی جمعیت از سال ۱۳۲۷.....	۱۱۵
اساسنامه‌ی ۱۳۵۹.....	۱۱۷
ماده واحده‌ی ۱۳۶۲.....	۱۱۸
اساسنامه‌ی ۱۳۶۷.....	۱۲۰
ساختار و تشکیلات اجرایی.....	۱۲۲
سازمان امداد و نجات.....	۱۲۳
سازمان داوطلبان.....	۱۲۵
سازمان جوانان.....	۱۲۹
سازمان تدارکات، تولید دارو تجهیزات پزشکی.....	۱۳۳
معاونت درمان و توان بخشی.....	۱۳۵
سابقه‌ی فعالیت این بخش.....	۱۳۵
مرکز آموزش و تحقیقات.....	۱۳۸
تشکیلات اداری.....	۱۳۹
منابع مالی.....	۱۴۰
نگاهی کوتاه به نحوه‌ی تأمین بودجه از بدو تأسیس.....	۱۴۳
فرصت‌ها و تهدیدها.....	۱۴۸
سابقه‌ی ۸۰ ساله‌ی فعالیت جمعیت.....	۱۴۹
غیر دولتی بودن جمعیت.....	۱۴۹

۱۵۰.....	تهدیدات اساس نامه
۱۵۲.....	تهدیدات بودجه‌ای
۱۵۳.....	تهدیدات ناشی از تشکیلات اداری

ضمائم و نتیجه‌گیری

۱۵۵.....	نتیجه‌گیری
۱۵۹.....	پیشنهادهای و راه‌کارها
۱۶۱.....	منابع و مأخذ

سپاس‌گزاری

پیش از هر گفتاری، بر خود واجب می‌دانم از عزیزان و سروران زیر به پاس همکاری و همدلی و همراهی‌شان صمیمانه عرض سپاس داشته باشم:

- جناب دکتر مجید عباسی اشلقی و جناب دکتر سلیمی، به پاس ارشادات و افاضاتشان؛
- مسئولان و کارکنان خدوم کتابخانه‌ی ملی ایران، کتابخانه‌های شماره‌ی ۱ و ۲ عمومی شهرستان ایلام، کتابخانه‌ی تخصصی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، و معاونت پژوهشی هلال احمر ایران؛
- و خانواده‌ی عزیزم که در طی نگارش این کتاب، سختی‌های فراوانی را متحمل شدند.

مقدمه

پروردگارا، ای صاحب روز جزا، ای کسی که همه به تو محتاج‌اند و تو محتاج کسی نیستی، ای کسی که، همه عیب دارند و تو عیب آن‌ها را می‌پوشانی، خودت نور مطلق و از هرگونه عیب مبرایی، ای کسی که هستی خلق شد و فلسفه‌اش چیزی جز عبودیت و بندگی تو نبود، ای کسی که از همه مهربان‌تری و نیاز به مهربانی کسی نداری، به توکل نام عظمت به این وادی پای می‌گذارم، امید است در هیچ مرحله‌ای مرا به خود وانگذاری.

قدم گذاشتن به حوزه‌ی تحقیق و پژوهش در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، یکی از سخت‌ترین وادی‌های پژوهش می‌باشد؛ چون در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، بازیگران و رفتار آن‌ها باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. برای دستیازی به چنین هدفی، لازم است محقق با درازدامنی دامنه‌ی تحقیق، و عمق موضوع دست و پنجه نرم کند؛ خاصه این‌که دریافت و شناخت و تحلیل بازیگران و شخصیت‌ها نوعی اجتهاد و استنباط را نیز طلب می‌کند. کسی که در این حوزه پژوهش می‌کند علاوه بر داشتن اطلاعات لازم، و توان تحلیل وقایع، می‌باید نسبت به آنچه می‌گذرد نگاهی واقعی و تا حد مقدور منطبق بر واقع داشته باشد.

انسان موجودی اجتماعی است و در اجتماعی که زندگی می‌کند باید تابع قوانین و مقررات حاکم باشد، این نظام از اجزاء و اجتماع‌های مختلفی تشکیل شده است. با توجه به این قوانین موضوعه روابط بین مردم تنظیم می‌شود. حال اگر همین اجتماع را در ابعاد بزرگ‌تر در نظر بگیریم، نظام بین‌المللی تشکیل می‌شود که در این نظام که اجزاء و جوامع (دولت‌ها) مختلف شکل گرفته است و هر یک از جوامع دارای منافع هستند که به خودی خود در عرصه‌ی بین‌المللی به دنبال به کرسی نشاندن حرف خود برای تأمین منافع مدنظر خود هستند. همین مسئله باعث نوعی هرج و مرج طلبی، جنگ‌ها، نقض مکرر حقوق بشر و مخاصمات بین‌المللی می‌شود که این امور همه به دول و حکومت‌ها برمی‌گردد. با توجه به این تفسیر در این بین افرادی هستند که با توجه به وجود هرج و مرج در نظم بین‌المللی سعی در پیشبرد صلح جهانی دارند. با این تفسیر افراد بشر برای این‌که زودتر به هدف خود یعنی پیشبرد صلح جهانی برسند و حرکت هدفمند داشته باشند، باید با یک سازماندهی منسجم حرکت کنند تا در قالب سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی این هدف و فعالیت‌ها را

به پیش ببرند که علی‌الخصوص پس از جنگ جهانی دوم و به نوعی پایان جنگ سرد، فعالیت این نوع سازمان‌های بین‌المللی به اوج خود رسید و فعالیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر از همه چشمگیر و فراگیرتر بوده است.

با توجه به فرهنگ جهانی به وجود آمده مبنی بر فعالیت و اقدامات بشردوستانه، این رویکرد در بین دیگر کشورها نهادینه و توسط گروه‌ها در دیگر کشورها نیز دنبال شد. در این پایان‌نامه این مسأله به طور موشکافانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل اول: کلیات

طرح مسأله

جهان امروز به شدت در حال تغییر و تحول است. دامنه‌ی این تغییرات بسیار گسترده می‌باشد و در همه‌ی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی می‌توان آن‌ها را مشاهده کرد. اهم این دگرگونی‌ها در فناوری ارتباطی و صنعتی است و دگرگونی در بخش‌های دیگر جامعه را تشدید کرده است. این دگرگونی و تغییرات، کم و بیش با شدت و ضعف در همه‌ی جوامع در جریان است. بدون شک، تکنولوژی و فناوری اطلاعاتی و ارتباطی به خودی خود نمی‌تواند منشأ تحول باشد، زیرا موارد ذکر شده ابزاری در دست افراد و گروه‌هایی هستند که از آن‌ها بهره می‌گیرند؛ بنابراین می‌توان گفت: دگرگونی اجتماعی، محصول کنش‌های متقابل گروه‌ها و پدیده‌ها و سازمان‌های داخلی از یک طرف، و ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی از سوی دیگر می‌باشد. اثرگذاری محیط‌های بیرونی و جوامع، همسایگی، منطقه‌ای، جهانی، سهم بسیار مهم و بیشتری در تغییرات اجتماعی ملت‌ها و دولت‌ها داشته است (گلشنی فومنی، ۱۳۸۰: ۹۸-۹۰)؛ و راهبردها و رهیافت‌ها سوار بر امواج خبری یکی پس از دیگری می‌رسد.

هر جامعه یا نظام اجتماعی، در واقع جزئی از نظامی بزرگ‌تر و فراگیرتر از نظام جهانی است؛ از همین‌رو تغییرات حاصل در جامعه‌ی جهانی به شکل فراگیر با شدت و ضعف در تمام ابعاد زندگی انسان در جریان است و از آن به جهانی‌شدن و جهان‌شمولی تعبیر می‌کنند. در این تغییرات، وجود گروه‌های انسانی به شکل تکامل

یافته‌ی آن، یعنی سازمان‌ها، ارتباط‌ها و تعامل فی‌مابین آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی از اهمیت خاصی برخوردار است. سازمان‌ها با استفاده از ابزارهایی که هر روز پیش‌رفته‌تر می‌گردند، باعث تحولات و دگرگونی‌های عظیمی در سطح ملی و بین‌المللی شده‌اند.

در این کتاب، جهت تعیین و تحدید حدود و ثغور موضوع، ناگزیریم، مفهوم سازمان و فلسفه‌ی سازمان غیر دولتی و جایگاه آن‌ها در جهانی‌شدن و امکانات آن‌ها را به‌اجمال بررسی کرده، و برای روشن‌شدن بیشتر موضوع، به‌تفصیل صلیب سرخ و هلال‌احمر را بررسی نماییم.

بر همین اساس، اگر جهانی‌شدن اقتصاد، سیاست، و اقدامات بشردوستانه در جهان نتیجه‌ی فعالیت سازمان‌های بین‌المللی دولتی و چندملیتی و گسترش لیبرالیسم باشد، نقش و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در این روند چیست؟ و محیط بیرونی چه تأثیری بر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی،^۱ و این سازمان‌ها چه تأثیری بر محیط بیرونی دارند؟

اگر سرمایه‌داری لیبرالیسم در روند تغییرات و تحولات جهانی‌شدن، مخصوصاً در امور اقتصادی، به‌واسطه‌ی پدیده‌ی شرکت‌های چندملیتی مطرح گردیده است، صلح‌طلبی، و فطرت پاک و اجتماعی انسان‌ها نیز در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای اصیل انسانی، باعث ایجاد سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و غیرانتفاعی شده است. این سازمان‌ها در سیر تکامل خویش، بدون توجه به مرزهای جغرافیایی، به واسطه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول، انسان‌ها را به هم پیوند داده‌اند؛ و در روند جهانی‌شدن، ضمن اثرپذیری از محیط بیرون، ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود را با هدف حفظ کرامت انسانی، بدون توجه به عقاید سیاسی، مذهبی، ملیت، رنگ، و ... در هیئت خدمات داوطلبانه جهانی می‌کنند.

به عقیده‌ی صاحب‌نظران، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، سبب اشاعه و گسترش اقدامات نوع‌دوستانه در جهت روند صلح جهانی، و تحقق جامعه‌ی مدنی بین‌المللی می‌باشند و هم‌چنین وسیله‌ای برای خودآگاهی انسان‌ها برای احترام به

^۱ . International Non- Governmental Organizations (INGO)

هم‌نوعان و درک متقابل به حساب می‌آیند. با گسترش روند جهانی‌شدن و کم‌رنگ‌شدن مرزهای سیاسی، و تحدید حاکمیت دولت‌ها، نه تنها زمینه‌ی فعالیت آن‌ها گسترده‌تر می‌شود، بلکه، بر تعداد آن‌ها نیز افزوده خواهد شد.

جهانی‌شدن در ابعاد گوناگون خویش، آثار متعددی را نیز بر جای خواهد گذاشت. در جهت تعدیل آثار منفی جهانی‌شدن و تسهیل هم‌زیستی، نیاز ویژه‌ای به سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در سطح بین‌المللی خواهد بود؛ لذا، می‌توان گفت، این نهادها خود از عوامل افزایش سرعت جهانی‌شدن، از جمله جهانی‌شدن اقدامات نوع‌دوستانه می‌باشند.

در این کتاب، تلاش خواهد شد تصویری روشن از جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، و تلاش‌های بشردوستانه‌شان ارائه گردد. برای روشن‌شدن نقش اطلاعات داوطلبانه‌ی بشردوستانه برای زندگی مسالمت‌آمیز جهانی در عرصه‌ی بین‌المللی، نیاز به شرح و تفسیر سازمان‌های غیر دولتی و ایفای نقش آن‌هاست. فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر، دو نمونه از مصادیق اصلی و عمده‌ی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و غیر حاکمیتی با محوریت فعالیت‌های بشردوستانه هستند که در این پژوهش با تأکید بر اصول هفتگانه‌ی خود، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

تعریف مفاهیم

مفهوم سازمان

بارها شنیده‌ایم که «اجتماع ما، اجتماع سازمانی است. تمدن امروزی تا حدی زیاد به سازمان متکی است و بدون سازمان، سطح گذران ما، سطح فرهنگ، و زندگی آزاد منشانه‌ی ما، محفوظ نخواهد ماند.» (آمیتا، اتزیونی، ۱۳۸۲: ۱-۲).

با توجه به شرح فوق، می‌توان سازمان را واحدی اجتماعی دانست که برای حیات اجتماعی انسان ضروری است و برای برآوردن نیازهای انسانی الزامی. تاکنون تعاریف زیادی از این نوع سازمان‌ها شده است. هربرت اسپنسر، فیلسوف اجتماعی نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، شاید اولین کسی بوده که مفهوم سازمان از دیدگاه جامعه‌شناسی را مطرح کرده است. به اعتقاد وی: «گرد هم آمدن ساده‌ی افراد نمی‌تواند جامعه را

به وجود آورد؛ پس به نظر می‌رسد برای افزایش هم‌کاری‌ها بین افراد به صورت هدفمند، وجود یک سازمان ضروری باشد.» (گلشنی: ۲۵۷-۲۵۸).

با توجه به مراتب فوق و تعاریف متعددی که از سازمان ارائه شده است، اکثر آن‌ها از روابط افراد در انجام وظایف و عقلانی نمودن امور زندگی جمعی جهت رسیدن به هدف مشترک سخن گفته‌اند. از میان تعاریف متعدد، به سه مورد اشاره می‌شود:

الف) «سازمان، واحدی است اجتماعی (گروه‌بندی متشکل از انسان‌ها) که به صورت عالمانه و آگاهانه ساخته و بازسازی شده است تا نیل به هدف‌های مشخص را ممکن سازد.» (آمیتا اتریونی، ۱۳۸۲: ۳).

ب) «سازمان، عبارت است از یک رشته روابط منظم و عقلانی بین افرادی که وظایف پیچیده و متعددی را انجام می‌دهند.» (گلشنی: ۲۵).

ج) «سازمان، یک مجموعه‌ی اجتماعی با اشتغال به گروه‌های انسانی است که در تعامل با ابزار و تجهیزات فنی بوده و با برنامه‌ریزی در جهت نیل به اهداف از قبل تعیین شده و در فعالیت هستند.» (تکابی، ۱۳۸۰: ۴۷).

سازمان‌های مورد بحث در این نوشتار، یعنی «سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی» ویژگی‌هایی دارند که به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

- تقسیم کار که به قصد و عمد طرح‌ریزی شده است تا تحقق هدف‌های مشخص ممکن شود؛

- وجود یک یا دو مرکز قدرت برای ضبط و ربط کوشش‌های هماهنگ و هدایت آن‌ها به سوی هدف‌های مطلوب؛

- دارا بودن شخصیت حقوقی؛

- هدفمند بودن، برنامه‌ریزی آگاهانه و داشتن آینده‌نگری (آمیتا، تریونی: ۴).

بنابراین تشکلهای فاقد این ویژگی‌ها را نمی‌توان «سازمان» قلمداد کرد. این ویژگی‌ها بدین معناست که سازمان‌ها هم‌چون یک «ارگانیسم» عمل می‌کنند و همیشه با محیط پیرامون خود در تعامل هستند و ضمن اثرپذیری اثرگذار نیز هستند. این اثرگذاری در بلندمدت صورت می‌پذیرد و باعث تغییرات جدی و ماندگار می‌شود.

سازمان، واحدی است اجتماعی که هدف‌های مشخص را دنبال می‌کند که با تلاش و فعالیت سازمان‌یافته در پی تحقق هدف‌های خود است. سازمان‌های متعددی را می‌توان در یک جامعه‌ی بشری یافت که اکثر آن‌ها در یک زمان به صورت مشروع و قانونی به دو یا چند هدف خدمت می‌کنند (آمیتا، تزیونی: ۲۰)؛ و خود را با شرایط جدید تطبیق می‌دهند. برخی از آنان هدف‌های تازه به هدف‌های سابق اضافه می‌کنند. بسیاری از سازمان‌ها در اصل برای آن تشکیل می‌شوند که در زمان واحد به بیش از یک هدف خدمت کنند. شاید نتوان آن‌ها را به صورت روشمند تقسیم‌بندی نمود ولی می‌توان با اندکی تسامح و تساهل از نظر محدوده‌ی فعالیت و وظایف و اعضای تشکیل‌دهنده، یک مرزبندی را به انجام رسانید؛ بر همین اساس از لحاظ محدوده‌ی فعالیت بر اساس مرزهای سیاسی، به سازمان‌های ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی؛ از نظر وظایف و موضوع فعالیت، به سازمان‌های، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی با اهداف انتفاعی و غیرانتفاعی؛ و همچنین از نظر اعضای تشکیل‌دهنده به دولتی و غیر دولتی تقسیم‌بندی می‌شوند.

سازمان‌های بین‌المللی دولتی مجدد، به تجمعی از دول اطلاق می‌شود که بر اساس یک سند تأسیس (معاهده) تشکیل می‌شود که اعضای آن، اهداف مشترکی را در چارچوب نهادها و کارگزاری‌های ویژه با فعالیت مستمر و مداوم دنبال می‌کنند (موسی‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۴).

مهم‌ترین شاخصه‌ی این سازمان‌ها عبارت است از:

- بر اساس اجتماعی از دولت‌ها شکل می‌گیرند؛
 - اهداف مشترک دارند؛
 - بر اساس یک سند تأسیس^۱ ایجاد می‌شوند؛
 - فعالیت‌شان در چارچوب کارگزاری‌ها به صورت مستمر و مداوم صورت پذیرد.
- این سازمان‌ها هستند «که برای پاسخ‌گویی به نیازهای گوناگون جوامع مختلف انسانی در خارج از چارچوب فعالیت دولت‌ها به وجود آمده‌اند. این نیاز به حدی است

^۱ - Constituent Treaty

که امروزه همه دولت‌ها، تمام گروه‌های فعال انسانی به نحوی در یک یا چند سازمان بین‌المللی عضویت و فعالیت دارند (منصفی: ۵).

سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی

امروزه، نقش مؤثر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در نظام جهانی پس از جنگ سرد، و فروپاشی بلوک‌بندی‌ها بسیار روشن است. این سازمان‌ها معمولاً وابستگی حاکمیتی ندارند و فرا حاکمیتی عمل می‌کنند. معمولاً در سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی افرادی با ملیت‌های مختلف و مشخصه‌های نژادی متعددی حضور دارند و هدفی جز خدمت به بشریت ندارند؛ و به نوعی می‌توان گفت، نهایت اهداف آن‌ها پیشبرد صلح جهانی (از طریق اقدامات بشردوستانه) است. خصلت و جوهره‌ی اصلی تشکیل این نوع سازمان‌ها، همان اخلاق‌مداری و توسعه‌ی ارزش‌های انسانی است؛ اما، در تعریف این نوع سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی باید گفت، سازمان‌ها از توافقات دولت‌ها به وجود نیامده‌اند؛ دارای جلسات زمان‌بندی شده بین اعضا، نمایندگان، تصمیم‌گیران مشخص و یک هیأت مدیره دائمی هستند؛ اعضای آن‌ها معمولاً افراد و مؤسسات خصوصی هستند؛ دارای ارتباطات گسترده‌ای با دیگر سازمان‌ها می‌باشند؛ و تنوع گسترده‌ای از لحاظ کارکرد دارند، همانند حل منازعات، کمک‌های بشردوستانه، فعالان اجتماعی، زیست محیطی حقوق بشر و... که شاهد آن هستیم (Jacobson, Harold, 1984: 23-25).

این سازمان‌ها، غیر دولتی محسوب می‌شوند و دارای ویژگی‌هایی هستند؛ از جمله دارا بودن استقلال و شخصیت حقوقی جدا از کشورها، دارا بودن سازمان و تشکیلات منظم بین‌المللی، غیرسیاسی بودن، داشتن ارتباطات گسترده و بسیاری ویژگی‌های دیگر را (بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۷۴-۲۷۵).

طبق قطع‌نامه‌ی‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، برای این‌که سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی بتوانند «بین‌المللی» محسوب شوند، باید در تعداد قابل توجهی از کشورهای واقع در مناطق مختلف جهان فعالیت داشته باشند؛ هر چند کنوانسیون استراسبورگ در ماده‌ی یک بند ۲ این تعداد را به دو کشور تقلیل داده است (بیگزاده، ۱۳۷۸: ۱۴).

دسته‌ای از سازمان‌ها هستند، که عملکردشان متوجه حمایت از افراد بشر در مقابل رنج‌ها و محرومیت‌ها ناشی از طبیعت و عوامل انسانی است که بسیاری از اندیشمندان همچون، مری‌اندلسون بر اهمیت این سازمان‌ها تأکید کرده‌اند (Anderson, Mary, 1999: 20-27).

دستیابی به صلح و آرامش، همواره جزء بالاترین آمال بشری بوده است. حتی در تشکیل جامعه‌ی بین‌المللی نوین مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد، حفظ صلح، نخستین هدف ملل متحد عنوان شده؛ و همین موضوع قرین یکی از مهم‌ترین خواسته‌های این نوع سازمان‌ها، یعنی صلح و احترام به حقوق بشر است (United Nations Charter, 1945).

جهانی‌شدن

در خصوص مفهوم «جهانی» تعاریف یک‌سان و اجماع نظری وجود ندارد؛ لذا، بعد از ذکر مختصری از ابعاد جهانی‌شدن و استفاده از نظرات و تعاریف اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی، تعریف مورد نظر این تحقیق به‌دست خواهد آمد.

اصطلاح «دهکده‌ی جهانی» را نخستین بار، مارشان مک‌لوهان، در کتاب «جنگ و صلح در دهکده‌ی جهانی» به کار برد و این تعریف حاکی از نقش فراگیر رسانه‌ها و ارتباطات پیش‌رفته و فن‌آورانه در شکل‌گیری دهکده‌ی جهانی بوده است.

زمینه‌های فکری پیدایش مفهوم جهانی‌شدن را می‌توان، در آثار برخی از جامعه‌شناسان و متفکران علوم سیاسی یافت. «آنتونی گیدنز» با اشاره به درک جدید انسان معاصر از زمان و مکان در ارتباط با فعالیت‌های اجتماعی، جهانی‌شدن را پدیده‌ای از طریق رهاسازی از قید عادت‌ها و عملکرد محلی، و امکانات گوناگون دگرگونی می‌داند؛ و در واقع سعی دارد قید زمان و مکان را کم‌رنگ و تا حدی بدون اثر جلوه دهد. در ادامه‌ی این تعریف، دکتر حسین سلیمی، معتقد است: «جهانی‌شدن در حقیقت یک فرآیند واقعی است؛ اگر بتوانیم اسم واقعیت را بر امور اجتماعی بگذاریم» (معنوی، ۱۳۸۰: ۱۲). مارتین آلبرو جهانی‌شدن را «فرآیندهایی که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه‌ی واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند»، تعریف می‌کند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۱۲). شاید با تعریف فوق بتوان

جهانی‌شدن را فرآیندی دانست که در راستای وحدت مردم جهان شکل گیرد، امانوئل والرشتاین «جهانی‌شدن را شکل‌گیری شبکه‌ای می‌داند که طی آن، اجتماعاتی که پیش از این در کره‌ی خاکی دور افتاده و منزوی بوده‌اند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند» (تورایی: ۱۹-۲۵)، ولی جهانی‌شدن را عامل مهمی در نزدیکی ملل مختلف به یکدیگر قلمداد می‌کند.

رابرت سون، تعریفی ارائه می‌دهد که عناصر متناقض جهانی‌شدن را در خود دارد. «در بهترین تعریف می‌توان حالت جهانی‌شدن معاصر را در کلی‌ترین معنای آن، همچون شکلی از نهادینه شدن، روند دوگانه‌ای دانست که متضمن جهان‌شمولی، ویژه‌گرایی و ویژه‌شدن جهان‌گرایی است» (محمودی: ۹۸). جهانی‌شدن در مفهوم عام آن، عبارت است از «درهم ادغام شدن» بازارهای جهانی در زمینه‌ی تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم، جابه‌جایی و انتقال سرمایه... نیروی کار در چارچوب سرمایه‌گذاری، آزادی بازار، و در نهایت، سرفروآوردن در برابر قدرت‌های جهانی بازار که منجر به شکافته‌شدن مرزهای ملی و کاسته‌شدن از حاکمیت دولت‌ها خواهد شد (عامل: ۱۵۱). مارتین آلبرو که مشتقات «گلوبالیزیشن» را با «نالیسیونالیزیشن» از قبیل ملی‌شدن، ملی‌گرایی، و ملی‌بودن مقایسه می‌کند، می‌گوید: «هر وقت از "شدن" هم‌چون پسوندی برای جهانی استفاده می‌کنیم، در واقع نوعی تحول از یک حالت به حالتی دیگر را پذیرا شده‌ایم. جهانی‌شدن هم در واقع ظهور و بروز فرآیندی است که طی آن، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و عاملان آن، جهانی می‌شوند» (فصل‌نامه‌ی اطلاعات راهبردی: ۲۸۶).

این تعریف، از نوعی تحول یاد می‌کند که در آن عرصه‌ی عمل از «این‌جا» به «همه‌جا»، از «کنون به همیشه» و از «روابط ملی» به «ارتباطات فراملی» تغییر می‌یابد. مرزها بدون تعهد یا پیمانی روشن، ولی به شکل محتوایی فرو می‌ریزند. افراد با توجه به تخصص و ابزار مورد نیاز شخصیتی، دارای قدرت تغییردهنده و اثرگذار در سطح ملی و بین‌المللی می‌شوند.

برخی اندیشمندان، به جهان‌شمولی می‌پردازند و توجه زیادی به وابستگی متقابل دارند. در تعریف آن‌ها جهانی‌شدن با جهان‌شمولی شروع می‌شود و در ادامه

جهان‌شمولی را به وضعیت و شرایط جهانی اطلاق می‌کنند که شبکه‌هایی از وابستگی متقابل در مسافت‌های چند قاره‌ای را در بر می‌گیرد. ارتباط این شبکه‌ها به واسطه‌ی جریان‌ها و تأثیر سرمایه، کالا، اطلاعات، عقاید مردم و نیروهای نظامی به علاوه بیولوژیکی صورت می‌پذیرد. در واقع به عقیده آن‌ها در جهانی‌شدن به افزایش جهان‌شمولی اشاره دارد (رابرت کوهن، جوزف نای: ۳۷۵).

وابستگی متقابل و جهان‌شمولی هر دو پدیده‌ای چند بعدی هستند، اما، اشکال مهم و مختلفی از جهان‌شمولی وجود دارد، از جمله: جهان‌شمولی اقتصادی، جهان‌شمولی محیطی، نظامی، فرهنگی، و غیره.. موضوع بحث، قدمت جهان‌شمولی نیست، بلکه بیشتر رقیق یا غلیظ بودن آن در هر زمان است. برای جهانی‌شدن رقیق جاده‌ی ابریشم را مثال می‌زنند و جهانی‌شدن غلیظ را مستلزم روابط بسیار عمیق و وسیع می‌داند که «جریان‌های از راه دور و گسترده و مداومی هستند و در زندگی مردم بسیار تأثیرگذارند و به عبارت بهتر، جهانی‌شدن روندی است که طی آن جهان‌شمولی به طور قابل افزایشی غلیظ می‌شود» (رابرت کوهن، جوزف نای: ۳۸۴). بنابراین، جهانی‌شدن، در کره‌ی خاکی محدود به موضوع خاصی نمی‌باشد. جهانی‌شدن؛ یعنی: «فرامرزی کردن وجوه زندگی انسان‌ها» که در این تحقیق، منظور از «فرامرزی کردن»، همه فهم کردن انسانیت انسان یا نوع دوستی انسان است.

اقدامات بشردوستانه

نظر به این‌که قواعد بشردوستانه؛ یا به عبارتی دیگر، اقدامات بشردوستانه، به آن دسته از قواعد حاکم بر «قراردادهای چهارگانه در سال ۱۹۴۹ و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ ژنو می‌پردازد و مبنای قراردادهای ژنو، احترام به شخصیت و حیثیت انسانی در زمان مخاصمات مسلحانه است» (صابری، ۱۳۸۷: ۱۶۱). و همچنین به مصداق اصول اساسی حاکم بر اقدامات و رفتار فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر که در مواد یک و دو اساس‌نامه‌ی فدراسیون آمده، می‌توان گفت، اقدامات نوع‌دوستانه، آن دسته از ارزش‌ها و سنت‌ها و حقوق انسانی است که معیارهای حاکم بر قواعد بشردوستانه را به شرح ذیل دارا باشد:

۱- انسانیت به مفهوم حمایت از حیات و سلامت و تضمین احترام برای نوع بشر باشد؛

۲- عدم تبعیض در حمایت تضمین احترام برای نوع بشر تا جایی که عواملی مثل، نژاد، ملیت، عقاید دینی، طبقه‌بندی اجتماعی متأثر نباشد، بلکه به کمک‌های انسانی خود بپردازد؛

۳- خدمت، داوطلبانه و به عبارت دیگر به صورت خیریه و بدون عوض باشد تا تمایلات سودجویانه را هنگام کمک در ذهن نداشته باشد و هدف از خدمت، تنها معطوب به تسکین آلام بشری و برقراری صلح و احترام به انسان‌ها باشد (ژنو، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر، ۱۳۷۸).

برجسته‌ترین سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی

سازمان بین‌المللی صلیب سرخ، در سال ۱۸۶۴ بر طبق موافقت‌نامه‌ی ژنو، در نتیجه‌ی تلاش‌های فراوان شخصی به نام «ژنهانری دونان» با هدف تخفیف آلام انسانی و حفظ پیشرفت و بهداشت عمومی تشکیل شد.

اهداف وی ۲۰ اصل بود که در سال ۱۸۶۲ در کتاب «خاطره‌ای از سولفرینو» آمده و در آن، خواستار تشکیل جبهه‌ی امدادی داوطلبانه برای تسکین آلام و کمک به آسیب‌دیدگان جنگ شده است.

وی پیشنهاد کرد، که خدمت به رنجوران و زخمی‌های نظامی، فعالیت بی‌طرف محسوب شود. «انجمن امور عام‌المنفعه‌ی ژنو» با علاقه‌ی فراوان از پیشنهاد او استقبال کرد؛ و در نتیجه، کنفرانسی بین‌المللی با شرکت نمایندگان ۱۶ کشور در ژنو تشکیل شد و موافقت‌نامه‌ای در سال ۱۸۶۴ برای بهبود وضع مجروحان نظامی میدان جنگ تدوین گردید و به امضای نمایندگان ۱۲ دولت از کشورهای شرکت‌کننده رسید. در این موافقت‌نامه، بر بی‌طرفی کسانی که به کمک مجروحان جنگ می‌شتابند، تأکید شده است و علامت بین‌المللی به منظور مشخص شدن اعضا و وسایلی که در این راه به کار می‌برند، پیش‌بینی گردید. این علامت به افتخار «ملیت دونان» صلیب سرخ بر زمینه‌ای سفید، به تقلید از پرچم سوئیس، به عنوان نماد و علامت آن انتخاب شد. در سال ۱۹۶۲، ۸۸ کشور جهان جمعیت‌های ملی

صلیب سرخ تشکیل دادند. همچنین در ژنو دو گروه بین‌المللی دیگر با نام‌های کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و اتحادیه‌ی جمعیت‌های صلیب سرخ تأسیس گردید. اعضای کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، در هنگام جنگ به عنوان میانبرهای بی‌طرف خدمت می‌کردند و اتحادیه‌ی جمعیت‌های صلیب سرخ، وظیفه‌ی کمک‌های متقابل هم‌کاری و توسعه‌ی فعالیت‌های مربوط به زمان صلح را بر عهده داشت (www. Aftab.ir//Link article 2009 pdf). هلال‌احمر در ایران، همین وظیفه را در بر عهده دارد که در ادامه به صورت تفصیلی به آن خواهیم پرداخت.

فصل دوم:

سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی از دیدگاه نظری

(کارکردگرایی و نوکارکردگرایی و نهادگرایی نولیبرال)

مقدمه

امروزه بدون تردید با وجود گسترش روزافزون تکنولوژی و نیازهای انسانی به هم‌دیگر، و روند فزاینده‌ی وابستگی‌ها و ارتباطات متقابل و تعامل این نوع اطلاعات و کاهش حد و مرزهای جغرافیایی به دلایل بالارفتن سطح فرهنگ مردم و ضرورت هم‌گرایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، اذهان بزرگان و صاحب‌نظران به سوی نوعی تقریب و تعدیل رفتارها و یا به اصطلاح نوعی یکی‌شدن با تعریف و ویژگی جدید کشانده می‌شود که این مقوله با ورود بازیگران جدید در تمامی عرصه‌ها از جمله: سیاست، اقتصاد، فرهنگ و غیره و... به پیچیدگی آن افزوده شده است. قبل از ورود چنین بازیگرانی که هنوز دولت‌ها بازیگران رسمی نظام بین‌الملل بودند، برای دستیابی به منافع خود و در راستای مقوله‌ی جهانی‌شدن، برای جلوگیری از هرج‌ومرج بیش از حد نظام بین‌الملل، بازیگران سنتی روابط بین‌الملل با هم توافق کردند که سازمان‌های بین‌المللی را تأسیس کنند تا به نوعی به سوی هم‌سویی و هماهنگی بیشتر از طریق مشارکت فعال برای شکل دادن به نظم نوین جهانی حرکت کنند تا جنگ و جدل و کشتار کمتر شود. به این منظور، لازم بود بازیگران سنتی بر نقاط مشترک تأکید، و از نقاط تضاد دوری کنند.

در فصل جاری، ضمن بررسی مختصری از روند جهانی‌شدن، به روند هم‌گرایی در قالب هم‌کاری‌های منطقه‌ای پرداخته‌ایم، و سپس دو دیدگاه منبعث از این مکتب، یعنی کارکردگرایی و نوکارکردگرایی را به تفصیل بحث می‌کنیم و سازمان‌های

بین‌المللی غیر دولتی را از طریق این دو دیدگاه توضیح می‌دهیم. پس از آن به بحث نهادگرایی لیبرال می‌رسیم و ضرورت توجیه‌گر تأسیس این نوع سازمان‌ها را در سطح نظام بین‌المللی از دید این مکتب نظری به تفصیل به بحث می‌نشینیم؛ چرا که به کمک همین مکتب نظری در این کتاب، بحث سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی را تجزیه و تحلیل کرده‌ایم.

پس از بررسی جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی از دیدگاه مکاتب نظری، کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، و نهادگرایی لیبرال، به بررسی اجمالی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی می‌پردازیم، و پس از بررسی ضرورت تشکیل این نوع سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در سطح زندگی بین‌المللی، به جامعه‌ی مدنی بین‌المللی به عنوان ماحصل بررسی نظری می‌رسیم.

۱- جهانی‌شدن

نظریه‌ی جهانی‌شدن، را اول بار امانوئل والرش‌تاین، جامعه‌شناس آمریکایی، مطرح ساخت و اکثر این نظریه‌پردازان در حوزه‌ی جهانی‌شدن کار خود را با نظر انتقادی نسبت به نظریه‌های توسعه و نوسازی^۱ آغاز کردند (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۷۵). جهانی‌شدن ابعاد مختلف و متنوعی هم‌چون: ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... دارد، اما غلبه‌ی نظریه‌پردازی در این حوزه در بعد اقتصادی است؛ چنان‌که در آن در همان اوایل رواج این نظریه نیز، والرش‌تاین، نظام جهانی سرمایه‌داری را به سه بخش تقسیم کرد؛ مرکز، پیرامون، و شبه‌پیرامون، و هم‌گام با فرانک معتقد است: دولت‌ها به عنوان بازیگران سنتی روابط بین‌الملل، محصول فرعی نظام بین‌الملل هستند و دولت‌ها بدون هیچ‌گونه تردیدی از این مدل ترسیمی تبعیت می‌کنند (ساعی، ۱۳۸۶: ۲۳۳-۲۳۵).

آندره‌گوندرفرانک، یکی دیگر از نظریه‌پردازان مکتب جهانی، کوشید وابستگی متقابل ایجاد شده در تمامی ابعاد را بر اساس «زنجیره‌ی روابط استثماراری مادرشهر-اقمار» در کل نظام جهانی توضیح دهد. این رابطه بین طبقات اجتماعی نیز وجود

^۱ . Modernization.

دارد؛ همانند رابطه‌ی سرمایه‌دار و کارگر در داخل کشورها که شکلی از رابطه‌ی مادرشهر – اقمار است (G, Frank, 1976).

جهانی‌شدن، یعنی یک رابطه‌ی ارتباطی دوسویه که نقطه‌ی «الف» و «ب» دارد. در این بین، نقطه‌ی الف تأثیرگذارتر و وزین‌تر است و طبق خواست نقطه‌ی الف، باید نقطه‌ی ب و دیگر نقاط عمل کنند و این راه اجتناب‌ناپذیر است؛ به عبارت دیگر، در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و ...، باید خط مشی ترسیمی توسط نقطه‌ی الف را دیگر نقاط بدون هیچ‌گونه حق انتخابی بپذیرند. حال اگر نقاط مشترکی بین این دو سوی طیف بود، به عنوان هم‌گرایی شکل می‌گیرد. در این‌جا بحث از دولت‌ها و دیگر بازیگران است؛ چون در نظام جهانی و مبحث جهانی‌شدن، عملاً بر جنبش‌های اجتماعی بین‌المللی غیر دولتی نیز تأکید شده است؛ پس نظام جهانی و جهانی‌شدن را می‌توان در به طور خلاصه چنین تعریف کرد که: حرکت به سوی دهکده‌ی جهانی، تحت تأثیر سلطه و غلبه‌ی جهان غرب شکل می‌گیرد و دیگران ناگزیرند از ارزش‌های غرب در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تبعیت کنند.

در این عرصه، بعضی از متفکران، همکاری‌های منطقه‌ای و اتحادیه‌ای را تحت عنوان «هم‌گرایی» در راستای جهانی‌شدن و در خدمت آن می‌پندارند، و بعضی دیگر از متفکران نیز آن را جبهه‌گیری در مقابل جهانی‌شدن و کم‌اثرکردن اثرات جهانی‌شدن و مبارزه‌ی با آن طبقه‌بندی می‌کنند، که در این بین، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی که عمدتاً زیر سلطه‌ی قدرت‌ها هستند، خواسته یا ناخواسته در راه در تسریع جهانی‌شدن قدم بر می‌دارند.

۲- هم‌گرایی

نظریه‌پردازان مختلف نظریه‌ی هم‌گرایی منطقه‌ای، هم‌گرایی را به عنوان یک وضعیت خاص سیاسی، یا فرآیندی جهت تعویض وفاداری‌ها به سطحی بالاتر از سطح ملی تعریف می‌کنند. افرادی همانند کانتوری واشپینگل بر اساس مطالعات منطقه‌ای، سعی دارند با توصیف جامعه‌ی سیاسی، یک جامعه‌ی جدید را در سطح منطقه‌ای و روابط بین‌الملل ترسیم کنند.

علاوه بر این دو متفکر، هم‌گرایی را تحت عنوان یک وضعیت قرار می‌دهند. هر دو دسته از نظریه‌پردازان کارکرد گرا و نو کارکردگرا، هم‌گرایی را فرآیند تشکلی‌های جدید می‌دانند. کارکردگرایان با یک‌سان کردن حوزه‌های انسانی و فنی و تکنیکی، متغیری مستقل در ایجاد هم‌گرایی معرفی می‌کنند (سیف‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۰۲). در تکمیل این دیدگاه، نوکارکردگرایان با قائل شدن به نقشی مهم برای عامل اراده‌ی انسانی، هم‌گرایی را نتیجه‌ی اراده‌ی سیاسی جهت فائق آمدن بر الزامات ناشی از نیازها و پیچیدگی‌های فنی می‌دانند. در دیدگاه این دسته از متفکران، عامل اراده و عزم سیاسی، یکی از متغیرهای مستقل مهم در پیدایش متغیر وابسته‌ی هم‌گرایی است (Cantori, Louis. J. and steren L Spiegel :607).

البته، از دیدگاه دو متفکر اصلی هم‌گرایی، یعنی کانتوری و اشپگل، هم‌گرایی معلول سه عامل است؛ عوامل اجتماعی، سازمانی، اقتصادی و سیاسی؛ و هم‌بستگی سیاسی را معلول نظام‌ها و رژیم‌های حکومتی اعضای جامعه‌ی منطقه‌ای می‌دانند. تشابه و تجانس بین نوع نظام و رژیم سیاسی در دید این نظریه‌پردازان می‌تواند مشوق تحکیم هم‌گرایی منطقه‌ای باشد. عامل اقتصاد و توزیع منابع در کنار عامل سازمانی، به هم‌بستگی یا به عملکرد جدایی‌ناپذیر دولتی یا غیر دولتی منطقه‌ای یاری خواهد داد (سیف‌زاده: ۳۴).

مبحث هم‌گرایی در درون خود، به دو رویکرد فرعی: کارکردگرایان و نوکارکردگرایان نیز تقسیم می‌شود؛ که در نظریه‌های متداول در روابط بین‌الملل از این دو مکتب مکمل فکری و نظریه به عنوان زیرمجموعه‌های تئوری کلی‌تر به نام هم‌گرایی یاد می‌شود.

۳- نظریه‌ی کارکردگرایی

بدون تردید، اصلی‌ترین نظریه‌پرداز کارکردگرایی و به نوعی پدر کارکردگرایی «دیوید میترا نی» است. این مکتب بر این مفروضه‌ی فلسفی استوار است که نیازهای فنی جوامع و امکاناتی که پاسخ‌گوی آن نیازها است، قدرت لازم را جهت ایجاد هم‌گرایی منطقه‌ای دارد. به مقتضای این مفروضه‌ی میترا نی، خود را به بررسی چگونگی امکان تحول پیوندهای فراملی به هم‌گرایی بین‌المللی متعهد

می‌کند (Mitrany, David, 350-365)؛ پس می‌توان چنین گفت که: این هم‌گرایی می‌تواند در سطح اول یا بازیگران غیر دولتی بین‌المللی باشد، چون برای رفع نیازها می‌باشد؛ حال این نیازها به هر کیفیتی که مطرح باشد. میترانی، در سطح دولت‌ها چنین استدلال می‌کند که: مساعی مشترک در یک حوزه‌ی فنی یا کارکردی، احتمالاً زمینه را برای مساعی مشترک در زمینه‌های دیگر فراهم خواهد کرد.

دیوید میترانی، در کل، علی‌رغم آرمان‌گرایی‌ای که دارد، بسیار محافظه‌کارانه نظر می‌دهد و هم‌گرایی را مقید به سه عامل می‌داند:

۱-۳- پیچیدگی و توسعه‌یافتگی جوامع؛ که به نظر می‌رسد هدف میترانی افزایش جمعیت و نیازهای روزافزون و مبحث جهانی‌شدن است که این اقتران نیازهای قدیم و جدید، باعث هم‌گرایی می‌شود.

۲-۳- پدیدآمدن نقش‌هایی جز آنچه کارکردگرایان بدان معتقدند، نیز باعث هم‌گرایی شده است؛ مثلاً نقش‌هایی که متأثر از پدیده‌ی جهانی‌شدن هستند، باعث گسترش شمول دایره‌ی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی گردیده‌اند.

۳-۳- هم‌کاری متخصصان و کارشناسان فنی فروملی، که به نهادهای فراملی غیرسیاسی بینجامد، و هم‌کاری فکری در روابط صلح‌آمیز سیاسی، یکی دیگر از عواملی است که باعث هم‌گرایی می‌شود (جیمز دوئرتی و ...، ۱۳۸۴: ۶۶۸-۶۶۹).

پس می‌بینیم که کارکردگرایان با این مبنا که: نیازهای فنی جوامع و پاسخ‌گویی به آن‌ها مبنای هم‌گرایی است، راه را برای توسعه‌ی همکاری‌ها می‌گشاید؛ به خصوص با مطرح کردن این‌که افراد فنی و متخصص در قالب نهادهای حرفه‌ای و غیرسیاسی برای رفع نیازها - که بر اساس مفروضه‌ی آن اساس تشکیل می‌دهد - به تسهیل این امر کمک می‌کنند. حال کیفیت تشکیل این سازمان‌ها، چه در قالب ملی و چه فراملی، باعث نوعی هم‌گرایی می‌شود.

۴- نظریه‌ی نوکارکردگرایی

نظریات نوکارکردگرایی را اندیشمندانی همانند: ارنست هاس و اشمیتیر، با الهام از روشنگری‌های دیوید میترانی، توسعه و گسترش دادند. آن‌ها برخلاف میترانی بین

حوزه‌های فنی یا سیاسی تفاوت قائل شدند و در یک مفروضه‌ی قبلی که ارائه می‌دهد، متغیر مستقل سیاسی را در قالب منافع شخصی رهبران نشان می‌دهد. چنان‌چه رهبران، روند هم‌گرایی را به نفع خود ببینند، به آن اهمیت می‌دهند؛ در غیر این‌صورت از وقوع آن جلوگیری خواهند نمود؛ به عبارت دیگر، این متفکرین وضعیت‌ها و پویش‌هایی را تدوین می‌کنند که زمینه‌ساز منافع شخصی گروه‌هاست. نوکارکردگرایان، وضعیت هم‌گرایی را معلول محقق‌شدن سه وضعیت احتمالی زیر می‌دانند:

۴-۱ - تسری؛

۴-۲ - برون‌گرایی؛

۴-۳ - سیاست‌گرایی (Haas, Ernest B. and Philip C: 101).

بدون شک یکی از بزرگان نوکارکردگرایی، جوزف نای است که به نقش تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تبدیل روند هم‌گرایی به عنوان یک گشتاور خودافزاینده‌ی مهم اعتقاد دارد.

نای معتقد است: به نقش دولت‌های غیر عضو، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیر دولتی، توجهی نشده است و این بازیگران غیر عضو، نقش شتاب‌دهندگی را در روند هم‌گرایی منطقه‌ای ایفا می‌کنند (سیف‌زاده: ۳۰۸)؛ پس نوکارکردگرایان، بیش از حد به نیات رهبران واحدها توجه می‌کنند که یکی از مؤلفه‌های اساسی در روند هم‌گرایی است؛ به عنوان مثال، اگر هم‌سو باشد، تسریع، و اگر غیر از این باشد از آن جلوگیری خواهد شد. نظریه‌پردازان اولیه‌ی مکتب نوکارکردگرایی، کمتر به بازیگران جدید روابط بین‌الملل اشاره کرده‌اند؛ یا به عبارت دیگر، در روند هم‌گرایی، کمتر برای آن‌ها نقش قائل شده‌اند، ولی از زمان جوزف‌نای، این امر نقش پررنگ‌تری به خود گرفت. جوزف‌نای، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی را در کنار دیگر مؤلفه‌ها به عنوان عناصر شتاب‌دهنده‌ی هم‌گرایی می‌پندارد؛ و ما در این‌جا هم‌گرایی را در راستای جهانی‌شدن، و در خدمت آن می‌پنداریم.

۵- نهادگرایی لیبرال

۱-۵ تبارشناسی نهادگرایی نولیبرال

پس از بررسی دو طیف اصلی جریان هم‌گرایی؛ یعنی، کارکردگرایی و نوکارکردگرایی، ضمن نقد نظریه‌ی نوکارکردگرایی، وارد بحث نهادگرایی لیبرال می‌شویم. در اواخر دهه‌ی ۶۰ و اوایل دهه‌ی ۷۰ میلادی، بر اثر ناکامی نظریات هم‌گرایی، علاقه‌ی نظریه‌پردازان به نظریه‌ی نوکارکردگرایی رو به کاهش نهاد و بدین ترتیب ارنست هاس^۱، بنیان‌گذار نوکارکردگرایی، فسخ آن را اعلام نمود (Ernse B, Hass: 1975). نوکارکردگرایان، از پیش‌فرض‌های اولیه‌ی خود دست کشیدند و به پردازش نظریه‌ای که مجدداً وضعیت وابستگی متقابل را به عنوان آغاز هم‌گرایی مورد تأکید قرار می‌داد، اکتفا کردند (Friedrich Kratochwil And Edward D.Mansfeld: 1994).

ناامیدی و یأس از کارایی و مطلوبیت نوکارکردگرایی باعث پردازش نظریه‌های وابستگی متقابل شد (Brigid Laffan, Integration And Cooperation In Europe London, 1992. P12). و آرای نظریه‌پردازان وابستگی متقابل، مکمل آرای نوکارکردگرایانی چون هاس است (Robert O :1977. Pp 13.17). (Keohane And Joseph S.Nye).

آن‌ها خاطر نشان می‌کردند که هم‌گرایی، پاسخی به وابستگی متقابل، و همچنین واکنشی در مقابل آن است. به اعتقاد آنان هم‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی، در قالب بازیگران غیر دولتی، واکنشی نسبت به وابستگی متقابل می‌باشد. و طبق نظریه‌ی کیوه‌ن‌ونای، دو تن از نظریه‌پردازان، وابستگی متقابل رژیم‌ها در سطح نظام بین‌المللی تحت تأثیر مراودات پیچیده‌ی نهادهای بین‌المللی اعم از بین‌الدولی و غیر دولتی، جهت هدایت روابط بین کشورها است و به تبع آن شکل می‌گیرد (Peter Cocks, 1980, P. 3).؛ که نظریه‌ی رژیم‌ها در حقیقت، معلول دو عامل خاص است؛ اولاً: دانشمندان سازمان‌های بین‌المللی دریافتند

^۱ . Ernst Hass

که نظریات قبلی، همانند نوکارکردگرایی به نوعی ناقص‌اند، و ثانیاً: توجه به نقش و کارکرد رژیم‌ها و پاسخ و واکنشی مستقیمی به نو واقع‌گرایی نبوده است. نظریه‌ی رژیم‌ها، خودبه‌خود، منجر به ارائه‌ی نظریه‌ی نهادگرایی لیبرال شد. سلف بلافصل نهادگرایی لیبرال، بدون شک نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی است که خود ریشه در نظریه‌ی وابستگی متقابل دارد؛ پس قبل از ورود به بحث نهادگرایی لیبرال لازم بود سلف‌شناسی این تئوری را انجام دهیم و سپس مؤلفه‌های این نظریه را با هم بررسی کنیم.

۲-۵ مفروضات نهادگرایی لیبرال

اندیشمندان نهادگرایی لیبرال، معتقد به اخلاق جمعی و همکاری‌های فراملی مبتنی بر منافع مثبت در غالب نهادهای بین‌المللی هستند. این مثبت‌گرایی در نهادهای فراملی و تأکید بر اخلاق، مبنای اصلی تشکیل سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی است که بر اصولی هم‌چون پرهیز از جنگ، تأکید بر صلح، اقدامات، بشردوستانه و در یک کلام، اخلاق مداری تأکید می‌کنند

نهاد گسترده‌ی لیبرال کمیتِ هنجارگرا بود. در اوایل دهه‌ی ۱۹۴۰، برخی از لیبرال‌ها، بر نقش نهادهای بین‌المللی تکیه کردند و تأکید داشتند که بسیاری از اموری که دولت‌ها توان انجام آن‌ها را ندارند، باید به این‌گونه نهادها در سطح نظام بین‌المللی واگذار نمود. نهادگرایان لیبرال، با اهمیت وافر که برای کنشگران غیر دولتی، از جمله فعالان در عرصه‌های مختلف، قائل شدند. کنشگری انحصاری گروه‌های انقلابی، یکی از مفروضه‌های اساسی بین‌المللی؛ یعنی دولت‌ها و کنترل آن‌ها در سیاست جهانی را کاملاً به چالش کشید (خبرگزاری مهر ایران، دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰).

اما در خصوص پیامدهای این‌که از دیدگاه نهادگرایی لیبرال، سازمان‌های فراملی، چگونه سیاست‌های بین‌الدولی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به آرای دو متفکر اصلی این تفکر، یعنی کوهن و نای، می‌پردازیم.

۳-۵- تغییرات نگرشی

تعاملات میان اشخاص از کشورهای مختلف، می‌تواند باعث تغییر در افکار و برداشت‌های نخبگان و غیرنخبگان شود و سازمان‌های فراملی چه در سطح

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۳۵

بین‌الدولی و چه غیر دولتی با شکل‌دادن به اسطوره‌ها و نمادها و هنجارهای جدید ممکن است، باعث ترویج نگرش‌های جدید شود.

۴-۵- پیش‌برد کثرت‌گرایی بین‌المللی

در این‌جا پیوندهای میان گروه‌های ذی‌نفع ملی در قالب ساختارهای فراملی به‌خصوص جنبه‌ی غیر دولتی به نوعی باعث ایجاد هماهنگی و در نتیجه کثرت‌گرایی است.

۵-۵- ایجاد ابزارهای جدید تأثیرگذاری

با توجه به روابط فراملی، دولت‌ها می‌توانند از سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی به عنوان ابزارهایی جهت نیل به اهداف سیاسی خود استفاده کنند.

۶-۵- ظهور کنشگران جدید و خودمختار

ظهور کنشگران جدید و خودمختار یا شبه خودمختار در سیاست جهانی که سازمان‌های فراملی بین‌الدولی و غیر دولتی می‌توانند به عنوان کنشگران جدید در کنار دولت‌ها عمل کنند (پیشین فراملی‌گرایی خبرگزاری مهر).

نهادگرایان لیبرال با اقامه‌ی چند دلیل ادعا می‌کنند که نهادهای بین‌المللی به فضای صلح و همکاری‌جویانه در نظام بین‌المللی کمک می‌کنند؛ بدین‌گونه که: «اولاً نهادهای بین‌المللی بین‌الدولی بر منابع قدرت کشورهای عضو تأثیر می‌گذارند و به صورت یک منبع نفوذ و قدرت عمل می‌کنند؛ چرا که باعث یک‌سانی سازوکارها، سیاست‌ها و کاهش تضادها و نزدیکی این نهادها می‌شوند؛ و لذا این کنش و واکنش، گامی در جهت صلح جهانی قلمداد می‌گردد.

سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، در عرصه‌ی جهانی از طریق تأثیرگذاری بر انگیزه‌های گوناگون، رفتار کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهند و همچنین برای کشورها فرصت‌هایی را ایجاد می‌کنند تا دست به اقداماتی بزنند که در غیاب آن‌ها قادر به انجام آن‌ها نیستند. پس در این مرحله، نهادهای بین‌المللی به عنوان «مقوم» عمل می‌کنند. اما فراتر از این دلایل، بعضی از تئولیب‌رالی‌ها معتقدند که، تحت شرایطی معینی، نهادها قادر به ایفای نقش رهبری از طریق ارائه‌ی راه‌حل‌های

هم‌کاری‌جویانه برای مسایل و مشکلات مشترک و بسیج ائتلاف‌ها در حمایت از آن‌ها می‌باشند (Wayn sandholtz, 1993. p 70).

در یک جمع‌بندی کلی، نهادگرایی لیبرال، نظریه‌ای در مورد نهادهای بین‌المللی است که درصدد تلفیق عناصر و مؤلفه‌هایی از نئورئالیسم و نوکارکردگرایی است. اولاً، این نظریه نقش مهمی را که کشورها در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند، به رسمیت می‌شناسد، و به طبع آن، منافع و قدرت آن‌ها را مورد توجه جدی قرار می‌دهد که در قالب نهادهای بین‌المللی (دولتی و غیر دولتی) متبلور می‌شود. ثانیاً، انگیزه‌های قوی و قاطعی را که بر اثر وابستگی متقابل بین‌المللی در سطح بین‌المللی ایجاد می‌شود، مدنظر قرار می‌دهد. ثالثاً، بر روش‌هایی تأکید می‌کند که نهادهای بین‌المللی برای ادراک منافع ملی و ترجیحات کشورها، از طریق تأثیرگذاری بر محاسبات سود و زیان اقدامات مختلف تأثیر می‌گذارند. (Keohane and Murphy, op. Cit, p 882).

این نوع سازمان‌های غیر دولتی در سطح بین‌المللی، به مثابه‌ی نهادهای عمومی مهم و مبنای جامعه‌ی مدنی بین‌المللی هستند و به همین خاطر مورد توجه می‌باشند (Tandon, Rajesh, 1993. P.3).

این نهادها به هیچ وجه از بودجه‌ی دولتی استفاده نمی‌کنند و اعضای آن‌ها در مقابل فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند، مسئولیت واگذارشده‌ی دولتی ندارد و گاهی تحت عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد از آن‌ها یاد می‌شود (اعرابی، ۱۳۷۸: ۶۳).

مفهوم سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در امضای جدید، نخستین بار در سال ۱۹۴۹ به کار رفت و به نوعی به رسمیت شناخته شد (زاهدی، ۱۳۸۸: ۶۵).

این سازمان‌ها می‌توانند فعالیت‌های خود را در چارچوب داخلی تنظیم کنند یا به دنبال نفوذ در آئین‌ها و روش‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی باشند. این سازمان‌ها در واقع، مؤسسات و نهادهای رسمی و عمومی را وادار به فعالیت در قلمرو خاص مدنظر خود می‌کنند (تاموشات، کریستیان، ۱۳۸۶: ۴۱۴-۴۱۷). اما بعضی از اندیشمندان در نقطه مقابل این نوع سازمان‌ها قرار دارند و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل را توسط این نوع سازمان‌ها مورد انتقاد قرار می‌دهند (Lewis, Paul, 1992, P 4). هرچند

که سازمان ملل متحد در گزارش خود اعلام کرد، از لحاظ پرداخت وام، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، دومین یاری‌کننده‌ی در مسیر توسعه به شمار می‌روند (Report Of Secretary General 19998).

این سازمان‌ها، شخصیت‌هایی غیرانتفاعی هستند که اعضایش شهروند یا مجموعه‌ای از شهروندان یک یا چند کشور است که نوع فعالیت آن‌ها توسط خواست جمعی از اعضای آن در پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌کند، اتخاذ می‌گردد (بیگزاده، سازمان‌های غیردولتی، ۱۳۸۰: ۳۵). و بسیاری از این سازمان‌ها ترجیح می‌دهند، از «سازمان غیر دولتی» برای نام‌گذاری آن‌ها استفاده نشود و بیشتر بر آن‌ها عنوان «سازمان داوطلبانه‌ی خصوصی» اطلاق گردد.

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: این سازمان‌ها، غیر دولتی، انعطاف‌پذیر و غیررسمی، دارای تشکیلات منظم و با برنامه‌ریزی دقیق هستند و مبنای اصلی آن‌ها برنامه‌ریزی برای جهت‌دهی افکار عمومی است. نوعی اخلاق‌مداری مبتنی بر خدمت به جامعه‌ی بشریت، و جلوگیری از جنگ، در دستور کار این نوع سازمان‌ها قرار دارد و معمولاً در برنامه‌های توسعه‌ی سازمان ملل نقش مهمی دارند و دارای بودجه‌ی مستقل دولتی نیستند و معمولاً به صورت غیرانتفاعی اداره می‌شوند و در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، زیستی و... فعالیت می‌کنند و اعضای آن‌ها معمولاً به صورت خودجوش و داوطلبانه با این مراکز فعالیت می‌نمایند و غیر حاکمیتی هستند.

۶- سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی

امروزه، نقش مؤثر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، در نظام جهانی پس از جنگ سرد و فروپاشی بلوک‌بندی‌ها بسیار روشن و مبرهن است. این سازمان‌ها معمولاً وابستگی حاکمیتی ندارند و فراحاکمیتی عمل می‌کنند. معمولاً در سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، افرادی با ملیت‌های مختلف و نژادی متعدد حضور دارند و هدفی جز خدمت به بشریت ندارند؛ و به نوعی می‌توان گفت، نهایت اهداف آن‌ها پیشبرد صلح جهانی است؛ و آرمان نهایی‌شان آن‌که جهانی وجود داشته باشد که در

آن ارزش‌های انسانی و بشری بر همه چیز ارجحیت داشته باشد. به نوعی می‌توان گفت: جوهری اصلی تشکیل این نوع سازمان‌ها، همان اخلاق‌مداری است.

این نوع سازمان‌ها حاصل توافقات دولت‌ها نیستند؛ جلسات زمان‌بندی‌شده و ساختار و سلسله‌مراتب افقی و عمودی دارند؛ اعضای آن‌ها معمولاً افراد و مؤسسات خصوصی هستند؛ ارتباطات گسترده‌ای با دیگر سازمان‌ها دارند؛ و دارای تنوع گسترده‌ای از حیث کارکرد هستند، چنان‌که حل منازعات، کمک‌های بشردوستانه، فعالیت اجتماعی، تلاش‌های زیست‌محیطی و ... در گستره‌ی کارهایشان می‌گنجد. (Jacobson, Harold. 1984, Pp23-25).

این سازمان‌ها، غیر دولتی محسوب می‌شوند و دارای ویژگی‌هایی هستند؛ از جمله: دارا بودن استقلال و شخصیت حقوقی جدا از کشورها، دارا بودن سازمان و تشکیلات منظم بین‌المللی، غیرسیاسی بودن، و داشتن ارتباطات گسترده (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۷۴-۲۴۵).

طبق قطع‌نامه‌ی‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، برای این‌که سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی بتوانند بین‌المللی محسوب شوند، باید در تعداد قابل توجهی از کشورهای واقع در مناطق مختلف جهان، فعالیت داشته باشند؛ هر چند در کنوانسیون استراسبورگ در ماده‌ی یک از بند ۲ این تعداد را به دو کشور تقلیل داده است (بیگزاده، ۱۳۷۸: ۱۴-۱۷).

سازمان‌هایی که تلاش خود را معطوف به رفع آلام نوع بشر چون، محرومیت، بهره‌کشی، اختناق، آزار و ... کردند، انگیزه‌ی نظریه‌پردازی اندیشمندانی هم‌چون مری اندرسون شد که بر اهمیت دوجانبه‌ی فعالیت این نوع سازمان‌ها و کمک‌های بشردوستانه در حل منازعات و مهم‌تر از آن بر بی‌ضرر بودنشان تأکید کرده است (Anderson, Mary, 1999, Pp. 20 – 27).

به نوعی می‌توان چنین گفت: دستیابی به صلح و آرامش، همواره جزء بالاترین آمال بشری بوده؛ و حتی در تشکیل جامعه‌ی بین‌المللی نوین مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد، حفظ صلح، نخستین هدف ملل متحد عنوان شده؛ و همین موضوع، قرین یکی از مهم‌ترین خواسته‌های این نوع سازمان‌ها، یعنی صلح و احترام به حقوق بشر و ترویج فرهنگ اقدامات بشردوستانه است.

۷- جامعه‌ی مدنی بین‌المللی

مفهوم جامعه‌ی بین‌المللی مدنی، حکایت از افول یا فرسایش مدل «وستفالیایی» دولت، و جانشین‌شدن نظامی مرکب از اجتماعات، صلاحیت‌ها و وفاداری‌های هم‌پوش دارد که بر اساس وابستگی متقابل جهانی بنا شده‌اند؛ پس می‌بینیم که بر اساس مکتب کارکردگرایی، رفع نیازهای متقابل و نیازهای جدید، باعث به وجود آمدن سازمان‌های جدید می‌شود.

نظم نوین جهانی و جامعه‌ی جهانی با تأکید بر بازیگران جدید و فرآیندهای فراملی، فرار حکومتی تحت شعاع قرار خواهد گرفت. جامعه‌ی مدنی در روابط بین‌الملل، بسیاری از مختصات جامعه‌ی مدنی داخلی از لحاظ وجود شبکه‌ی پیچیده‌ای که از سازمان‌ها و نهادهای مستقلی که فراسوی دولت‌ها و انحصار حاکمیت ارضی تشکیل شده، قرار داد، اصولاً موضوع جامعه‌ی بین‌المللی به سه شیوه مطرح می‌شود؛ یک: وابستگی متقابل جهانی و نقش جدید بازیگران فراملی، در سیاست؛ دو: طرح در چارچوب پست‌مدرنیسم؛ و سه: نظرگاه تئوگراشین‌ها که درصدد وارد کردن مفهوم جامعه‌ی مدنی گرامشی به روابط بین‌الملل است (Gramsci, A, 1972.p276).

با همه‌ی این اوصاف، جامعه‌ی مدنی بین‌المللی هدف مطالعه‌ی جامعه‌شناسی و تاریخی بازیگران غیر دولتی در روابط بین‌الملل است؛ همانند نیروهای اجتماعی در جامعه‌ی بین‌المللی عمل می‌کنند.

نقطه‌ی آغاز برای تجزیه و تحلیل حالات نوین کارگزاری سیاسی در این راستا جامعه‌ی مدنی بین‌المللی از تجارب تاریخی جنبش‌ها که به صورت سیاسی و اجتماعی ورای مرزهای قومی، مذهبی عمل کرده کرده‌اند بهره گرفته شده.

تحت شرایط موجود، باید تعاملات میان کارگزاران جامعه‌ی مدنی و نهادهای دولت را در عرصه‌ی روابط بین‌الملل مورد توجه قرار دارد. جامعه‌ی مدنی بین‌المللی به معنای آن نیست که وجود یک اجتماع جهانی از بازیگران غیر دولتی، باعث تضعیف نظام بین‌المللی دولت‌ها شود، بلکه کارگزاران متشکل جامعه‌ی مدنی بین‌المللی غالباً تهدیدی نسبت به حاکمیت دولت‌ها هستند؛ زیرا بر حس تعریف و

مرزهای موجود ملی و قومی و مذهبی عمل می‌کنند. در حقیقت، تجربه‌ی بازیگران غیر دولتی در ارتباط با حکومت‌مداری جهانی، نشان‌دهنده‌ی آن است و بلکه چگونه جنبش‌های اجتماعی بین‌المللی باید درگیر شوند و در نتیجه به ساختارهای موجود حاکمیت دولت مشروعیت بخشید؛ در حالی که در کلیه‌ی موارد منابع گوناگون فراملی خود را برای تضعیف چنین اشکالی از حاکمیت ملی تجهیز می‌کنند (قوام، ۱۳۸۶: ۱۸۵-۱۸۷).

در مورد هم‌زیستی جامعه‌ی مدنی بین‌المللی با حاکمیت دولت‌ها باید بر میزان کمک جنبش‌های اجتماعی مدرن نسبت به نظام بین‌المللی ارتباط مستقیم و متقابل وجود دارد که باعث تشکیل شکل جدید دولت‌های فرااستفالیا شده است. وجود این نهادهای بین‌المللی غیر دولتی، باعث توسعه‌ی نمایندگی بین مردمان جهان، و رقابت دموکراتیک در سطح زندگی بین‌المللی می‌شود و نتیجه‌ی مستقیم رشد و گسترش و نفوذ این نوع سازمان‌ها در سطح بین‌المللی نیز بدون شک جامعه‌ی بین‌المللی است.

فصل سوم:

جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در نظام بین‌المللی

در این بخش، دو موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، که اولی، حالت اعلامی دارد و دیدگاه محقق را در خصوص نوع نگرشی که به موضوع تحقیق دارد، روشن می‌کند تا هماهنگی بین خواننده و نویسنده‌ی تحقیق ایجاد کند و تا حد امکان از فاصله‌ی بین نویسنده و خواننده بکاهد. بر همین اساس، نوع نگرش در مطالعه و تحقیق و نگارش را بیان می‌دارد و از این طریق سعی دارد خواننده را با خود همراه سازد و فهم مطالب عنوان شده را تسهیل کند.

موضوع دیگری که در این بخش مورد تأکید قرار می‌گیرد، مباحث نظری است که دیدگاه‌های مختلف اندیشمندان علوم انسانی را در خصوص موضوعاتی مثل: چگونگی دستیابی به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، و انتظاراتی که از سازمان‌های بین‌المللی و فرهنگ دارند، بیان می‌دارد؛ و همچنین مباحثی را که به روشن شدن ارتباط بین جهانی‌شدن با فرهنگ و سازمان‌های بین‌المللی می‌پردازند، مطمح نظر دار. در واقع مبانی نظری‌ای را که در خصوص سازمان‌ها و سازمان‌ها بین‌المللی و جهانی‌شدن مطرح شده است، بیان می‌دارد تا در نتیجه‌گیری نهایی و تحکیم فرضیه‌ی اصلی، مورد توجه قرار گیرد و درک فرضیه را آسان سازد.

۱- نوع نگرش در مطالعه

قبل از ورود به مباحث اصلی لازم است، نوع نگاه و روش مطالعه و تحقیق بیان شود، تا دیدی کلی در خصوص مباحث این تحقیق به دست آید و با آگاهی بیشتر، حدود انتظارات از تحقیق معین شود.

در مطالعه‌ی سازمان‌های بین‌المللی، دو دیدگاه کلی وجود دارد؛ یک: دیدگاه و روش حقوقی است که پژوهشگران، بیشتر بر قوانین حاکم بر این سازمان‌ها و اهدافی بنیادین آن‌ها تأکید می‌کنند. این روش مطالعه، ضعف‌هایی نیز دارد؛ از جمله آن‌که به مسائل سیاسی، خاصه آن‌چه که به منافع ملی و میهنی کشورها بستگی دارد و ریشه‌ی غالب دشواری‌های بین‌المللی است، کمتر می‌پردازد. در واقع، منافع و علایق سیاسی دولت‌ها چون خارج از قلمرو و مقررات حقوقی و مخصوصاً مقررات حقوق بین‌المللی است، نادیده گرفته می‌شود.

در روش مطالعه‌ی سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی، قواعد و مقررات حقوقی بین‌المللی تنها قسمتی از مواردی است که پژوهشگران علم سیاست مورد بررسی قرار می‌دهند.

در این نوع مطالعه، بررسی وسیع‌تر «روابط بین‌الملل» سازمان‌های بین‌المللی را چون واحدهایی از اجتماع بین‌المللی در نظر می‌گیرد که بین خودشان و با سایر واحدهای این اجتماع در رابطه هستند.

تعداد واحدهای بین‌المللی، برخلاف شیوه‌ای که حقوق‌دانان دنبال می‌کنند، منحصر به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نمی‌شود، بلکه همه‌ی گروه‌هایی که از نظر زندگی بین‌المللی دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای هستند، طرف توجه قرار می‌گیرند. در حقیقت، در هر کشور، غیر از دولت که نماینده‌ی همه‌ی جامعه است، گروه‌های اجتماعی فعال دیگری هم وجود دارند که در سیاست‌های ملی و گاهی بین‌المللی تأثیر می‌گذارند. اهمیت این نوع گروه‌ها زمانی روشن‌تر خواهد شد که با مؤسسات هم‌سان خویش در دیگر کشورها رابطه برقرار کنند و احیاناً نهادها و سازمان‌هایی هم بین خود تأسیس نمایند.

در مطالعه‌ی سیاسی، هر نوع رابطه‌ای، خواه حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، علمی و فرهنگی و ورزشی و... و حتی روابط غیررسمی و نیمه‌رسمی که دارای معنا و ارزش بین‌المللی باشد، از نظر دور نمی‌ماند، و در واقع فقط به روابط میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی محدود نمی‌شود و روابط با سایر گروه‌های مؤثر در زندگی بین‌المللی نیز، مثل روابط بین خود این گروه‌ها و نیز روابط آن‌ها با

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، در پهنه‌ی مطالعه‌ی پژوهشگر علم سیاست قرار می‌گیرد.

هر چند، نوع مطالعه در نزد محققان یکسان نیست، ولی عمومی و کلی بودن مطالعه‌ی سیاسی در این تحقیق، به ما کمک خواهد کرد که نوع روابط سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی را با جهانی‌شدن، و جهانی‌شدنِ فرهنگِ نوع‌دوستانه را بیان کنیم.

۲- مباحث نظری

با توجه به تعریف مفاهیم کلیدی، که در فصل گذشته‌ی این تحقیق بیان شد و نوع مطالعه‌ی مورد نظر که قبل از ورود به بحث اصلی عنوان گردید، لازم است در باب پیشینه‌ی فکری و نظریاتی که در خصوص فعالیت و رشد سازمان‌های بین‌المللی، نقش فرهنگ در روابط بین‌المللی، و جهانی‌شدنِ تأثیر متقابل این سه پدیده؛ یعنی، سازمان‌های بین‌المللی به صورت عام، و نهادها به صورت خاص، و جهانی‌شدن فرهنگ، وجود دارد، توضیح داده شود.

به نظر می‌رسد اکثر سازمان‌هایی که امروز به نحوی با مسائل انسانی درگیرند و بر اساس مأموریت‌هایی که دارند، انجام وظیفه می‌کنند، به نحوی از دل جنگ و خشونت‌های حاکم بر روابط انسانی زاده شده‌اند، و یا منشعب از سازمان‌هایی هستند که زاییده‌ی مخاصمات داخلی و خارجی و جنگ بوده‌اند. علت این امر را شاید بتوان از روح صلح‌طلب حاکم بر غالب انسان‌ها و فعالیت‌های صلح‌خواهان و اندیشمندان علوم اجتماعی و یا افراد خیر و نوع‌دوستی دانست که به انحای مختلف درصدد کاستن از بار خشونت‌آمیز زندگی جمعی و تعارضات ناشی از آن بوده‌اند.

گذشته از اندیشه و تحرکاتی که تا قرن نوزدهم صورت گرفته است، وجود و تولد سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم به صورت روزافزون دید؛ چه سازمان‌هایی که جنبه‌ی دولتی داشته‌اند، چه سازمان‌هایی که به صورت خصوصی تشکیل شده‌اند. در خصوص اندیشه‌هایی که توجیه‌گر این سازمان‌ها می‌باشند، می‌توان از آرمان‌گرایی نام برد که روح آن حاکم بر میثاق جامعه‌ی ملل بوده است.

این اندیشه بر امکان تغییر نظام سیاسی دولت‌ها به مدد حقوق و سازمان‌های بین‌المللی، در چارچوب آرمان‌گرایی تأکید دارد؛ زیرا رفتار بشر، قابل اصلاح و کمال‌خواه تلقی می‌شود. این اندیشه بر پایه‌ی امکان سازگار ساختن سیاست با معیارهای اخلاقی استوار است؛ و معتقد است، می‌توان زمینه‌ی پذیرش هنجارهای رفتاری هم‌چون هنجارهای مشخص شده در حقوق و سازمان‌های بین‌المللی را در مردم فراهم آورد، و دیر یا زود آن هنجارها را مبنای رفتار بین‌المللی قرار داد.

در سراسر قرن نوزدهم، نفوذ جنبش صلح‌طلبی، کم‌کم در انگلستان و ایالات متحده گسترش یافت و در اروپای غربی این اعتقاد قوت گرفت که علم، صنعت، تکنولوژی ارتباطی، رشد نهادهای پارلمانی لیبرالیستی، و آموزش و تجارت بین‌المللی، روی هم‌رفته موجب منسوخ شدن و زوال جنگ می‌گردد.

جاناتان^۱ دایموند، یک کویکر^۲ انگلیسی، چنین استدلال می‌کرد که: «اگر مردم از تن‌دادن به جنگ خودداری کرده، و ضرورت آن را به زیر سؤال ببرند، جنگ نیز همچون تجارت برده از میان خواهد رفت. به نظر وی، کتب مقدس مسیحی، افراد را در تمام شرایط از اعمال خشونت بر حذر می‌دارند. او هیچ تمایزی میان جنگ عادلانه، ظالمانه، تدافعی و تهاجمی قائل نیست.» (دوئرتی، جیمز، ۱۳۷۶: ۱۴۴). دایموند یکی از طرفداران اولیه‌ی جنبش سازش‌ناپذیر جدید است؛ جنبشی که نه تنها در پی موعظه‌ی مذهبی برای وجدان افراد است، بلکه می‌کوشد تا بر سیاست کشورها، مخصوصاً کشورهای دارای منش لیبرالیستی و صلح‌خواه، اعمال نفوذ کند.

«ناسازگاری روشن‌فکران صلح‌طلب جدید با جنگ را نمی‌توان صرفاً با توجه به عوامل مذهبی و انسانی توجیه کرد. از قرن نوزدهم به این طرف، ملاحظات اقتصادی چه، در شکل اساساً لیبرالیستی یا سوسیالیستی آن، به تفکر اغلب صلح‌طلبان در زمینه‌ی جنگ و صلح راه یافته است. از دوره‌ی ریچارد کابدن در اواسط قرن نوزدهم تا همین اواخر، بسیاری از صلح‌طلبان لیبرالیستی متقاعد شده‌اند که رابطه‌ی ذاتی و متقابلاً علی میان تجارت آزاد و صلح وجود داشته، و لغو موانع تجاری تنها راه ایجاد

^۱ - Jonatahan dymond.

^۲ - Quaker.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۴۵

صلحی پایدار است.» (دوئرتی: ۳۴۹). تا حدودی می‌توان گفت که وارثان این سنت فکری را در دوران معاصر، نظریه‌پردازان طرفدار نظریه‌ی «وابستگی متقابل» تشکیل می‌دهند.

رابرت کوهن و جوزف نای، تعریف جهانی‌شدن را با جهان‌شمولی شروع می‌کنند و جهان‌شمولی را به وضعیت و شرایطی جهانی اطلاق می‌کنند که شبکه‌هایی از وابستگی متقابل در گستره‌ی چند قاره‌ای ایجاد شده و ادامه یافته است. این وابستگی متقابل تحت تأثیر جریان‌اتی چون: تأثیر سرمایه و کالا، اطلاعات و عقاید مردم و نیروهای نظامی، به علاوه مواد بیولوژیکی صورت می‌پذیرد؛ لذا جهانی‌شدن به افزایش جهان‌شمولی می‌انجامد.

شاید بتوان گفت: که امروز نیاز به صلح، و وابستگی متقابل را از طریق جهانی‌شدن، که اقتصاد را یکی از محورهای اصلی آن می‌داند، توضیح می‌دهند. سرنورمن انجل، مفسر برجسته‌ی سیاسی انگلیسی در دهه‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۰، از کسانی است که آثارش بخشی از مرحله‌ی آرمان‌گرایی یا پندارگرایی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. او معتقد است که اندیشه‌ی لیبرالیستی، جنگ را بزرگ‌ترین تهدید برای سلامت اقتصادی تمدن صنعتی جدید می‌داند؛ چرا که پدیده‌ای «بی‌محل» و «ناهمگام» است.

«وی اعتقاد داشت با رشد عقلانیت انسان، و عقلانی‌شدن فزاینده‌ی مسائل بین‌الملل می‌توان جنگ را از میان برداشت.» (دوئرتی: ۳۱۲). ظهور سازمان‌های بین‌المللی به‌خصوص در قالب خصوصی آن، نشان از رشد عقلانیت انسان و عقلانی‌شدن مسائل زندگی دارد؛ هرچند که سازمان‌های غیردولتی، فعلاً قدرت و ضمانت اجرایی لازم را ندارند و عملاً قدرت مشروع در دست حکومت‌هاست.

«به نظر وی، تحقق صلح و خلع سلاح، زمانی ممکن می‌گردد که مردم دریابند، جنگ دیگر مفهومی جز خودکشی جمعی ندارد، و معتقد بود که صلح قبل از هر چیز، مستلزم آموزش عموم مردم جوامع دموکراتیک است.» (دوئرتی: ۳۱۴).

با این توصیف، در واقع قدرت اجرایی سازمان‌های غیردولتی از افکار عمومی ناشی می‌شود؛ بنابراین، سازمان‌هایی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، باید در

رسیدن به اهداف کلان خود، جهت همراه ساختن مردم و نزدیکی به آن‌ها در برنامه‌های بلندمدت، برنامه‌ریزی درست و دقیقی را پی‌ریزی کنند؛ و تلاش کنند از علم و فناوری روز در سطح وسیعی برای ایجاد ارتباط بین ملت‌ها و اشاعه‌ی ارزش‌ها و عقاید خود استفاده نمایند.

«آنارشیست‌های فردگرای آمریکا، مانند دیوید تارو^۱ ۱۸۶۲-۱۸۱۷ و بنجامین^۲ ۱۸۵۴-۱۹۳۹ خشونت را پدیده‌ای مذموم دانسته، و از آن دوری گزیده‌اند.»
 «آن‌ها مخالفت‌های مدنی مسالمت‌آمیز را ترجیح می‌دادند و لئون تولستوی (۱۸۲۸-۱۹۱۰) و مهاتما گاندی (۱۸۶۹-۱۹۴۸)، منتقدترین آنارشیست‌های صلح‌طلب عصر جدید، اساساً اخلاق پاک مذهبی را مخالف تمایل افراد به تسلیم شدن در مقابل دولت می‌دانستند. این دو، دولت‌ها را به خاطر بی‌رحم ساختن توده‌ها و تبدیل قهرمانان نظامی به یک ارزش شدیداً نکوهش می‌کردند.» (دوئرتی: ۳۲۰-۳۲۱).

با توجه به عقاید این اندیشمندان و یا بعضاً سیاست‌مداران با تحدیدشدن حاکمیت دولت‌ها در روند جهانی‌شدن، و گسترش ارتباطات و به تبع آن، افزایش کمی و کیفی سازمان‌ها و غیردولتی‌ها، امید است نظام‌گیری امری منفی تلقی شود و قهرمانان نظامی جای خود را به کوشندگان فعالیت‌های نوع‌دوستانه بدهند؛ ولی واقعیت فعلی حکایت از این دارد که فعلاً دولت‌ها دارای قدرت لازم و اثرگذار هستند؛ بنابراین راه زیادی در پیش هست که سازمان‌های غیردولتی باید آن را طی کنند. «با ضروری دانستن جانشینی قانون عشق‌ورزی به جای قانون کاربرد زور، و در عین حال، غیر ممکن دانستن این امر در چارچوب نظام کنونی متشکل از دولت‌های ملی، این دو تأیید می‌کردند که نظام کنونی باید جای خود را به یک جامعه‌ی جهانی بدهد.» (پیشین: ۳۱۴). جامعه‌ی جهانی، زمانی شکل می‌گیرد که انسان‌ها یکدیگر را بشناسند و به نیازهای یکدیگر احترام بگذارند؛ و این، در سایه‌ی گسترش ارتباطات و سازمان‌های غیردولتی امکان‌پذیر است.

^۱ - Henry david thoreau .

^۲ - Benjamin r.tacker.

دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی جهانی‌شدن به این موضوع که در عصر جدید مرزهای جغرافیایی کم‌رنگ شده و حاکمیت سیاسی به واسطه‌ی افزایش بازیگران غیر دولتی تحدید می‌شود، می‌پردازد؛ و معتقد است، صلح حاصل گسترش جامعه‌ی جهانی است و عقیده به گسترش اخلاق جهانی دارند.

گسترش سازمان‌های غیر دولتی به عنوان موتور محرک جامعه‌ی مدنی جهانی و گسترش اخلاق جهانی، به صورت جدی مورد توجه می‌باشد. این گسترش می‌تواند در راستای ایجاد جامعه‌ی جهانی قرار گیرد و انرژی انسانی که صرف جنگ و درگیری‌های ناخوشایند خشونت‌بار می‌شود، صرف سازندگی و نجات انسان از ناهنجاری‌های اجتماعی و شرایط تحمیلی طبیعت بر او شود.

از نظر ویلیام جیمز ۱۹۱۳، که یکی از طرفداران جنگ می‌باشد، و انسان را جنگ‌طلب می‌نامد، معتقد است: فعالیت‌های صلح‌آمیزی که مستلزم تلاش و فداکاری‌اند، می‌تواند مانند جنگ «انرژی اجتماعی» ایجاد کند. این فیلسوف و روان‌شناس، بر آن است که جنگ و زندگی نظامی، برخی از نیازهای عمیق جوامع را برآورده کرده، و موجب تجلّی احساسات قهرمانانه‌ی انسان‌ها گشته است. به نظر وی، از جنگ ذاتی انسان نمی‌توان کاست، مگر آن‌که بتوان به انرژی وی جهت دیگر بخشید؛ مثلاً، با آموزش جوانان برای جنگیدن نه با سایر انسان‌ها، بلکه با عوامل طبیعی، مانند: بیماری، سیل، فقر و جهل، و گسترش سازمان‌های نوع‌دوستانه‌ی غیر دولتی، سفرهای اکتشافی و ... می‌توان به غریزه‌ی خشن و نفرت‌آور جنگ‌طلبی سمت و سویی نیکو و مثبت بخشید. او همچنین معتقد است: برای آن‌که جامعه نازپرورده نگردد، باید جوانان را به کارهای سخت واداشت تا کودکی آن‌ها از بین برود (دوئرتی: ۳۱۶-۳۱۷).

بسیاری از نظریه‌های روابط بین‌المللی، اگر نه صریحاً دست کم تلویحاً، متضمن این فرضند که ارتقای سطح زندگی و رشد اقتصاد ملّی به تحقق صلح میان ملّت‌ها کمک می‌کند. در اندیشه‌های نوین لیبرالیستی نویسندگانی چون اسمیت، استوارت‌میل، و ریچارد کابدن، تجارت آزاد، ضامن صلح قلمداد شده است؛ چرا که تجارت آزاد، تقسیم کاری به وجود می‌آورد که بر پایه‌ی تخصص در اقتصاد بین‌الملل

استوار است، و ملت‌ها را چنان به یکدیگر وابسته می‌سازد که توسل به جنگ، عملاً غیرممکن می‌گردد.

با توجه به آنچه گفته شد و آنچه که از اهداف یونسکو تحت این مضمون که: «جنگ در اذهان شکل می‌گیرد؛ باید ریشه‌ی جنگ را در اذهان خشکاند»، می‌توان گفت: نه تنها در نظام بین‌المللی حاضر، وجود سازمان‌های بین‌المللی امری اجتناب‌ناپذیر است، بلکه با افزایش و پیشرفت تکنولوژی، وابستگی متقابل در تمام ابعاد زندگی انسان، جهان‌شمول شده و یا با استفاده از فن‌آوری‌های جدید، جهان‌شمول خواهد شد؛ و از آن‌جاکه با گسترش سازمان‌های بین‌المللی و غلظت جهان‌شمولی، حاکمیت‌های سیاسی تحدید خواهند شد، ناگزیر بخش‌هایی از وظایف دولت‌های ملی به سازمان‌های بین‌المللی، اعم از عمومی یا خصوصی، واگذار خواهد گردید. در این میان، سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. در زمینه‌ی مبارزه با قهر طبیعت، حفظ طبیعت، هدایت و جهت‌دادن به مشارکت‌های ملی و بین‌المللی به عنوان «لیدر» عمل خواهند کرد و با توجه به برجسته‌ترین ویژگی‌های آن‌ها؛ یعنی، «غیرسیاسی، غیرانتفاعی و داوطلبانه بودن»، حوزه‌ی عمل وسیعی را به خود اختصاص خواهند داد.

در این بخش، به سیر تاریخی ظهور و رشد سازمان‌های دولتی خواهیم پرداخت. رشد این سازمان‌ها دلایلی دارد؛ که از جمله‌ی این دلایل، گسترش ارتباطات نظام سیاسی، بین‌المللی و کشورها است؛ چرا که هر چه نظام سیاسی بین‌المللی بازتر عمل کند، بر تعداد و نفوذ این سازمان‌ها افزوده خواهد شد. یکی دیگر از دلایل موفقیت یا عدم موفقیت این سازمان‌ها مشکلات حقوقی و مالی است؛ زیرا نظام سیاسی کشورها تأثیر مستقیمی بر رشد سازمان‌های غیردولتی دارد. به نظر بعضی از اندیشمندان، باز بودن نظام سیاسی، کمک به رشد سازمان‌های غیردولتی می‌کند، ولی در همان جوامع دمکراتیک نیز سعی دارند این‌گونه سازمان‌ها را تحدید کنند؛ چرا که آن‌ها به خاطر پیچیدگی‌ای که دارند، می‌توانند مثل شمشیر دو لبه هم به نفع جامعه باشند و هم به زیان آن؛ لذا از طریق مواد قانونی، مقرراتی را وضع می‌کنند که در صورت ضرورت بتوان آن‌ها را تحت نظارت درآورد؛ هر چند که فشار

این سازمان‌ها در مجامع بین‌المللی، باعث شده شخصیت حقوقی و بین‌المللی این سازمان‌ها هم‌چنان برجسته بماند. با این‌همه، با گذشت چهل سال، هنوز کاری اساسی در جهت تثبیت حق و حقوق آن‌ها در نظام بین‌المللی صورت نگرفته است.

۳- سیر تاریخی ظهور و رشد سازمان‌های غیر دولتی

تمدن‌های نخستین، در انزوا از یکدیگر و با وجود فواصل بسیاری که میان‌شان بود، رشد کردند و از برقراری ارتباط با بیگانگان، یعنی کسانی که اغلب به چشم «وحشی» به آن‌ها نگاه می‌کردند، اکراه داشتند؛ بنابراین وجود سازمان‌های بین‌المللی نه لازم بود و نه امکان‌پذیر؛ گرچه بعدها در یونان باستان، شکل‌های معدودی از سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان دید؛ مثل آمفیکینون‌ها در اروپای قرون وسطی. در جامعه‌ی مسیحی نیز ائتلاف‌هایی خارج از دولت‌های بزرگ پادشاهی در آلمان و ایتالیای چندپارچه شکل گرفت؛ چنان‌که در فاصله‌ی قرون چهاردهم و شانزدهم، حدود پنجاه شهر تجارتي در اروپای شمالی، متعلق به اتحادیه هانس‌هایی^۱ با حمایت از تجارت به وجود آمد.

از قرن هفدهم به این سو، اصل توازن به صورت اصل بنیادین حقوق عمومی اروپا درآمد؛ هر چند این تعادل پایدار نبود و متفکران از طرح‌های صلح برای برقراری توافق در میان شاهزادگان دفاع می‌کردند. از قرن هفدهم به این سو، اندیشه‌ی اجتماع ملل گسترش یافت.

اندیشه‌ی جامعه‌ی جهانی بشری با آغاز رنسانس، شکل تازه‌ای گرفت تا جامعه‌ای که مبتنی بر قانون طبیعی و حاکمیت عقلانیت انسان‌ها باشد، برای همه معتبر و قابل احترام باشد. با این وجود، قرن هجدهم هم بر اساس حاکمیت شاهزادگان و حفظ توازن قوا، میان پنج کشور مسلط: بریتانیای کبیر، فرانسه، اتریش، پروس و روسیه سپری شد.

در قرن نوزدهم بود که نخستین خطوط چهره‌ی سازمان‌های بین‌المللی به صورتی که امروزه می‌شناسیم نمایان شد.

^۱ - Hansa.

انقلاب علمی و صنعتی؛ توسعه‌ی خارق‌العاده‌ی و سایل ترابری و تسریع در نقل و انتقال انسان و کالا؛ و پیدایش وسایل ابلاغ اندیشه و ابزار ارتباط جمعی؛ منجر به افزایش تجارت، تأسیس یک منطقه‌ی واحد اقتصادی، تقسیم کار بین‌المللی و مفهوم جامعه‌ی جهانی شد.

پیشرفت اندیشه‌های دموکراتیک، و عقیده به این‌که: «تمام موجودات انسانی دارای ارزش برابرند»، رشد اندیشه‌ی مشارکت توأم با مساوات را از سوی همه‌ی کشورها در سازمان‌های بین‌المللی باعث شد و این سازمان‌ها مسئول تأمین صلح، پیشرفت و ترویج منش‌های دموکراتیک قلمداد گردیدند. در خلال بخش اعظم قرن نوزدهم، روابط بین‌الملل منحصر به اروپا می‌شد که مرکز قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی جهان بود، اما در عین حال محیط مناسبی برای اختلاف و نزاع هم بود. با پیدایش قدرت‌های تازه در پایان قرن نوزدهم که خارج از قاره‌ی اروپا شکل می‌گرفت، اندیشه‌ی اقدام برای سازمان‌های بین‌المللی نیز تدریجاً به بیرون از مرزهای اروپا گسترش یافت.

جنبش ناسیونالیستی که در سراسر قرن نوزدهم در اروپا شکل گرفت و به اوج خود رسید، در پیمان ورسای تجسم یافت؛ می‌توانست برای استقرار صلح میان مردم سودمند واقع شود، اما بیشتر اوقات نه تنها احساس ملی حتی ناسیونالیسم افراطی حکم‌فرما می‌شد.

نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، بستر ظهور کنوانسیون‌ها و سازمان‌های غیر دولتی بود، ولی این اتحادیه‌ها یا سازمان‌ها در بستر جنگ‌هایی شکل گرفت که حاصل ناسیونالیسم بود. جنگ‌هایی که منجر به ایجاد ایتالیای متحد، و آلمان متحد شد، تمام مردم را بر ضد یکدیگر برانگیخت و خاطرات تلخ و ماندگاری از خود بر جای گذاشت.

شاید بتوان گفت خاطرات سلفورینو از هانری دونان، مؤسس نهضت جهانی صلیب سرخ، یکی از آن خاطراتی باشد که منجر به ایجاد اتحادیه‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر گردید.

«تا دوران قبل از ۱۹۱۴، توسعه و تکامل اتحادیه‌های اداری در سطح میان دولتی صرفاً تجلی روندی به سوی انترنالیسم به شمار می‌آمد که فعالیت بخش‌های خصوصی نیز بسیار مشهود بود دستگاه‌های بسیار متنوع اجتماعی در کشورهای مختلف روابط فی ما بین را گسترش می‌دادند.

انجمن‌های خصوصی بین‌المللی در پیوند با هر نوع فعالیت بشردوستانه مذهبی، عقیدتی، علمی و تکنولوژی به وجود آمده بودند (ژرژ ابوصعب، ۱۳۷۳: ۳۷-۴۰).

سازمان‌های غیر دولتی نیز با توجه به تغییرات نظام بین‌المللی یا پیش از وجود سازمان‌های دولتی یا دوشادوش آن‌ها در این تغییرات به رشد و بالندگی نزدیک شدند. این سازمان‌ها که سابقه‌شان به پیش از پیدایش سازمان‌های بین‌المللی دولتی می‌رسید، هم‌کاری اجتماعات گوناگون انسانی را میسر ساخته‌اند، بسیاری از وظایف و اقداماتی که هدف فعالیت امروزه‌ی دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی است، قبلاً سازمان‌های غیر دولتی در آن حوزه‌ها فعالیت داشته‌اند و یا توجه دولت‌ها را به آن معطوف کرده‌اند. شاید بتوان گفت: «اولین حرکتی که توسط غیر دولتی‌ها در سطح جهان شکل گرفت، کنوانسیون جهانی ضد بردگی ۱۸۴۰ بود که در خصوص حمایت از انسان‌ها تشکیل دادند.» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۵). عنوان این سازمان‌ها حاوی تنوع بسیار وسیع و گسترده‌ای است، و فعالیت آن‌ها کلیه‌ی ابعاد زندگی اعم از مادی و معنوی را پوشش می‌دهد.

«در اوایل قرن بیستم، یعنی سال ۱۹۰۹ تعداد این سازمان‌ها حدود ۲۰۳ سازمان بوده است، در حالی‌که در اواخر دهه‌ی ۹۰ تعداد آن‌ها به بیش از شانزده هزار افزایش یافته، و هم‌چنان در حال افزایش است.» (بیگ‌زاده: ۱۰).

چنان‌که پیشتر گفته شد، خاستگاه اصلی سازمان‌های غیر دولتی، اروپاست و از لحاظ تاریخی، انقلاب صنعتی و رستاخیز علمی - که سطح ارتباطات را گسترش داد و باعث آگاهی بشر نسبت به نوع رابطه‌اش با خود و محیط بیرون شد، و امروزه آن را به لیبرالیسم تعبیر می‌کنند - سرمنشأ و انگیزه‌ی اصلی آن به حساب می‌آید.

به نظر می‌رسد علاوه بر رشد عقلانیت بشری، آموزه‌های مسیحی نیز در به وجود آمدن این وضعیت دخیل بوده؛ چرا که در مسیحیت، هم‌چون مذاهب دیگر، کمک

به نیازمندان و دستگیری از مسکینان ترویج و تشویق شده است. به همین دلیل، کلیساها و نهادهای مذهبی، در حد توان کوشیدند خدمات لازم را به نیازمندان و درماندگان برسانند. ایجاد مدارس، بیمارستان‌ها و پرورشگاه‌ها و امثال این‌ها از جمله فعالیت این نهادهای مذهبی بوده، که بعضاً در راستای اهداف سیاسی کشورهای ارائه دهنده در کشور میزبان بوده‌اند؛ چنان‌که می‌توان به فعالیت میسیونرهای مذهبی در ممالک دیگر و از جملات مستعمرات دول بزرگ اشاره کرد.

ایجاد سازمان‌های غیر دولتی، مستلزم مجموعه‌ای از پیش فرض‌ها است که به طور خلاصه آن‌ها را می‌توان حول سه محور زیر شرح داد:

۱-۳- احترام به استقلال این سازمان‌ها در مقابل قدرت عمومی؛

۲-۳- احترام دولت به حقوق بنیادین افراد، از جمله آزادی تجمعات، اندیشه و بیان و مذهب؛

۳-۳- پذیرش حق مردم در اتخاذ مواضع غیر از مواضع دولت یا متفاوت یا مواضع دولت و حتی مخالف با مواضع دولت (بیگزاده: ۱۷).

و البته پیداست که تشکیل نهادهای غیر دولتی، تنها در جوامع مردم‌سالار و دموکراتیک شکل می‌گیرند و نظام‌های استبدادی اجازه‌ی شکل‌گیری این نهادها را نمی‌دهند و در صورت شکل‌گیری با محدودیت‌های فراوانی مواجه خواهند بود؛ لذا نباید انتظار داشت در جوامع بسته یا دیکتاتوری سازمان‌های غیر دولتی شکل بگیرند، مگر این‌که این نوع نظام‌های سیاسی تحت فشار بین‌المللی یا افکار عمومی بخواهند، خود را یک نظام سیاسی باز نشان دهند؛ در این صورت، می‌کوشند نهادهای غیر دولتی شکلی صوری داشته باشند؛ هر چند که امید می‌رود این نهادهای صوری، زمینه‌ساز ظهور سازمان‌های غیر دولتی مستقل در آینده باشند.

این پیش فرض در کشورهای غربی و اروپایی از قرن هجدهم و مخصوصاً از قرن نوزدهم در غالب لیبرالیسم سیاسی تجلی کرده است. شاید بتوان نقطه‌ی آغازین این پدیده‌ی سیاسی را در اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندان (۲۶ اوت ۱۷۸۹) فرانسه به حساب آورد. از آن زمان به بعد هر چه نظام سیاسی کشورها دموکراتیک‌تر یا بازتر

شده بر این سازمان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی افزوده شده، و حوزه‌ی فعالیت آن‌ها گسترده‌تر شده است.

در بسیاری از جوامع مسلمان و کشورهای جهان سوم و نیز در کشورهای سوسیالیستی، با توجه به عدم یا ضعف مبانی فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دموکراتیک، کمتر شاهد شکل‌گیری سازمان‌های غیر دولتی مستقل بوده‌ایم؛ هر چند که با شدت گرفتن وابستگی و نیاز به سرمایه‌های خارجی، این کشورها نیز کوشیده‌اند در رفتارهای خود، ولو به‌ظاهر، تغییراتی ایجاد کنند و زمینه‌ی ظهور این سازمان‌ها را در سطح ملی فراهم نمایند و یا به سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی بپیوندند.

فروپاشی دیوار برلین و پایان جنگ سرد و آزادسازی فضای سیاسی - اقتصادی سبب شده است که کشورهای اروپای شرقی نیز به تدریج رفتار و رویکرد دموکراتیک داشته باشند که طبعاً نمود این تغییر رفتار در شکل‌گیری نهادهای غیر دولتی در آن کشورها نمود یافته است.

در دنیایی که به سوی جهانی‌شدن پیش می‌رود و به مدد دستیابی و دست‌یازی انسان‌ها به ابزارهای ارتباطی نوین و کارا، اندیشه‌های آزادی‌خواهانه در آن رو به رشد و شکوفایی است، سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی دولت‌ها روز به روز کاهش می‌یابد و نهادهای غیر دولتی، عهده‌دار بسیاری از وظایفی خواهند بود که پیش از آن، بر عهده‌ی دولت‌ها بوده است.

۴- عوامل مؤثر در گسترش سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در سطح ملی و بین‌المللی و شخصیت حقوقی آن‌ها

«اتحادیه‌ی انجمن‌های بین‌المللی در سال ۱۹۸۳ اعلام کرد: سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی می‌بایست حداقل در سه کشور فعالیت نمایند و اعضای آن نیز حداقل از اتباع سه کشور باشند تا بتوان عنوان بین‌المللی را به آن‌ها اطلاق نمود. ولی، بر اساس ماده‌ی ۱ کنوانسیون ۱۹۸۶ استراسبورگ، این تعداد به دو کشور تقلیل یافت و بیان شد که سازمان‌های بین‌المللی واجد نام بین‌المللی می‌بایست حداقل در دو کشور به فعالیت بپردازند.» (بیگزاده: ۲۲).

برای این‌که نهادها، بین‌المللی تلقی شوند، باید در چند کشور به فعالیت بپردازند، هرچند که اعضای آن از اتباع چند کشور باشند. برای تحقق این امر، ابتدا باید شرایط لازم توسط دولت‌ها فراهم آمده باشد؛ و از جمله‌ی این شرایط می‌توان به اصلاح قوانین داخلی و رفتار دموکراتیک حکومت اشاره کرد.

این سازمان‌ها با توجه به حقوق داخلی کشورها تعریف می‌شوند. بر همین اساس، درک مشترکی از این سازمان‌ها به خاطر تفاوت‌های حقوقی وجود ندارد. وقتی که درک مشترکی وجود نداشته باشد، شرایط پذیرش آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. برای روشن‌شدن این مطلب، در این‌جا یک تعریف از کشورهای تابع نظام حقوقی «رومی ژرمنی» و یک تعریف از کشورهای «کامن‌لا» ارائه می‌گردد.

در کشورهای رومی ژرمنی مثل فرانسه، سازمان‌های غیر دولتی چنین تعریف شده‌اند: «سازمان‌های غیر دولتی، تشکیلاتی قراردادی هستند که طبق آن دو یا چند شخص، دانسته‌ها و فعالیت‌های خود را به طور دائم با هدفی غیر از کسب منفعت با دیگران در میان می‌گذارند.»

در کنار قانون فرانسه، قانون سوئیس را داریم که ماده‌ی ۶۰۱ قانون مدنی سوئیس اعلام می‌کند: «انجمن‌های سیاسی، مذهبی، علمی، هنری، نوع‌دوستی، تفریحی و کلیه‌ی انجمن‌هایی که مقاصد اقتصادی ندارند، به محض این‌که اشخاص، اراده‌ی خودشان را در قالب اساس‌نامه‌هایی دایر بر تشکیل این انجمن‌ها انشاء کنند، دارای شخصیت حقوقی خواهند شد.»

همان‌طور که در دو تعریف فوق آمده است، در قانون فرانسه، سازمان غیر دولتی به محض تشکیل، دارای شخصیت حقوقی نمی‌شود و باید مراحل دیگری را مانند ثبت طی کند؛ اما، در قانون سوئیس چنین نیست؛ یعنی، به محض این‌که اراده‌ی مؤسسان مبنی بر تشکیل چنین سازمانی، و تنظیم اساس‌نامه‌ی آن اعلام شود، این سازمان شخصیت حقوقی پیدا می‌کند و از حقوق پیش‌بینی شده برخوردار می‌شود. در کشورهایی که وضعیت سهل‌تری برای این سازمان‌ها آماده‌ی است، نهادهای غیر دولتی از کمیت و حوزه‌ی نفوذ قابل توجهی برخوردار می‌باشند.

به همین ترتیب، در انگلستان که نظام حقوقی «کامن‌لا» حکومت می‌کند، با توجه به عرفی که در این کشور جاری است، سازمانی غیر دولتی محسوب می‌شود که هدفش سودبری نباشد؛ و این امر، مستلزم آن است که سازمان از لحاظ مالی خودکفا باشد و عمده‌ی منابع مالی هم از کمک‌های داوطلبانه‌ی افراد تأمین شود.

در ایران این مسأله در قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱ پیش‌بینی شده است. ماده‌ی ۵۸۴ قانون تجارت ایران در این خصوص اعلام می‌کند که: «مؤسسات و تشکیلاتی که برای مقاصد غیرتجاری تأسیس می‌شوند و یا بشوند، از تاریخ ثبت در دفتر مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند.» ماده‌ی ۵۸۵ همین قانون، تعیین تشکیلات را منوط به آیین‌نامه‌ای که وزارت دادگستری تصویب خواهد کرد، نموده است. وزارت دادگستری ایران در سال ۱۳۳۷ آیین‌نامه‌ای را تحت عنوان «آیین‌نامه‌ی اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجاری» تصویب کرده است که بر اساس ماده‌ی ۱ این آیین‌نامه، مقصود از تشکیلات و مؤسسات مندرج غیر تجاری، مؤسساتی هستند که به امور علمی، ادبی، خیرخواهانه یا امثال آن می‌پردازند؛ اعم از این که مؤسسين و تشکیل‌دهندگان آن‌ها قصد انتفاع داشته، یا نداشته باشند. ماده‌ی دوم همین آیین‌نامه مؤسسات را به دو دسته تقسیم می‌کند: مؤسساتی که مقصود از تشکیل، جلب منافع و تقسیم آن میان اعضا باشد؛ و دوم، مؤسساتی که مقصود از تشکیل آن‌ها جلب منابع و تقسیم آن میان اعضا نباشد. در قانون ایران مؤسساتی هم که در واقع جلب منفعت می‌کنند، به نحوی وارد این مقوله شده‌اند.

با توجه به این که سازمان‌های غیر دولتی بر اساس قوانین داخلی کشورها به وجود می‌آیند و با پذیرش دولت‌ها به شکل بین‌المللی فعالیت می‌کنند، وضعیت آن‌ها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. برخی از کشورها برای اعطای شخصیت حقوقی به این سازمان‌ها علاوه بر تأسیس، تشریفاتی را نیز درخواست می‌کنند و برخی، فقط ایجاد سازمان‌ها را از طرف مؤسس کافی می‌دانند. «در مورد اول، بارزترین نمونه، قانون ۱۹۰۱ فرانسه و قانون ایران به خصوص آیین‌نامه‌ی ۱۳۳۷ است که عیناً کپی‌شده‌ی قانون ۱۹۰۱ فرانسه می‌باشد. در هر دو مورد، علاوه بر این که سازمان

تأسیس می‌شود، ارائه‌ی اظهارنامه‌ای که حاوی نام موضع مرکز، شعب و فعالیت‌های انجمن، نام و شهرت و نشانی اداره‌کنندگان و... است، در فرانسه به فرمانداری، و در ایران به اداره‌ی ثبت شرکت‌ها ضروری است.» (بیگزاده: ۲۹-۳۱).

در قانون ایران، یک نکته‌ی دیگر به آن اضافه شده، و آن کسب مجوز از شهرداری است؛ یعنی، علاوه بر ارائه‌ی اظهارنامه، کسب مجوز از شهرداری بر اساس آیین‌نامه‌ی ۱۳۳۷- که در حال حاضر نیروی انتظامی می‌باشد-، ضروری است. با این اوصاف نباید تعجب کرد که چرا در ایران فعالیت این سازمان‌ها گسترش نیافته است، و یا این‌که جنبه‌ی بین‌المللی پیدا نکرده‌اند.

از دلایلی که باعث شده این سازمان‌ها رشد چندانی نداشته باشند و اگر هم تعدادی فعالیت می‌کنند، اکثر در قالب هیأت‌های مذهبی شکل گرفته‌اند، می‌تواند نشأت گرفته از وضعیت سیاسی، اقتصادی، و تا حدودی فرهنگی سیاسی و نگرشی ما به محیط پیرامون خود باشد. در ایران کمک به هم‌نوع معمولاً به صورت انفرادی و در سطح بسیار وسیعی انجام می‌گیرد؛ این در حالی است که کمتر به شکل سازمان‌یافته‌ی خودجوش شکل گرفته است.

در خصوص ثبت سازمان‌های غیر دولتی خارجی که لازمه‌ی بین‌المللی شدن سازمان‌های غیر دولتی است، قانون ۱۹۳۹ فرانسه موافقت قبلی وزیر کشور را ضروری اعلام کرده بود، ولی این امر در مصوبه‌ی سال ۱۹۸۱ لغو شده است. در ایران این مسأله، یعنی ثبت سازمان‌های غیر دولتی خارجی، از طریق وزارت امور خارجه انجام می‌شود؛ بدین معنا که اگر سازمانی غیر دولتی بخواهد در ایران ثبت شود، قبل از ثبت، باید به اطلاع وزارت امور خارجه برسد و وزارت خارجه طی تشریفات، نظر خود را مبنی بر ایجاد و یا عدم ایجاد چنین سازمانی اعلام می‌کند و پس از موافقت وزارت امور خارجه، اداره‌ی ثبت شرکت‌ها، مبادرت به ثبت این سازمان در ایران می‌کند. این امر به نحوه‌ی تعامل کشور ما با کشورهای دیگر، و هم‌چنین تجربه‌ی تاریخی ایران با دنیای خارج برمی‌گردد.

این مسأله، یعنی ثبت سازمان در دو مرحله؛ یکی در کشورهای میزبان و دیگری در کشورهای مبدأ برای بین‌المللی‌شدن مشکل مضاعفی است؛ در حالی که قانون

ساده‌تر در رابطه با این مسأله، قانون سوئیس می‌باشد. در ماده‌ی ۶۰ قانون مدنی این کشور اعلام شده است که به محض این‌که اشخاص، اراده‌ی خودشان را در قالب اساس‌نامه‌ی نهایی مبنی بر تشکیل چنین سازمانی اعلام کنند، دارای شخصیت حقوقی می‌شوند و می‌توانند از حقوق مدنی برخوردار شوند.

۵- شخصیت حقوق سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی

این سازمان‌ها تابع حقوق داخلی کشور خودشان می‌باشند و حقوق بین‌المللی عمومی شامل آن‌ها نمی‌باشد.

تعدادی از ارکان بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه‌ی اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی به سازمان‌های غیر دولتی علاقه‌مند بوده‌اند و از اوایل دهه‌ی دوم قرن بیستم در این خصوص فعالیت‌هایی کرده‌اند که تا اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ این فعالیت‌ها ادامه داشته، ولی هیچ نتیجه‌ای به‌دست نیامده است.

اخیراً در بعضی قطع‌نامه‌ی‌های شورای امنیت که بر اساس فصل هفتم منشور صادر شده، به سازمان‌های غیر دولتی اشاره شده است و آن‌ها را طرف حق و تکلیف قرار داده، و برخی به استناد همین اسناد، قائل به نوعی شخصیت حقوقی برای نهادها شده‌اند. به‌جز این موارد ذکر شده، سند استراسبورگ، مصوب ۱۹۸۶ شورای اروپا، تنها سندی است که در کشورهای اروپایی تحت عنوان کنوانسیون اروپایی در مورد شناخت شخصیت حقوقی سازمان‌های غیر دولتی تصویب شده است و بر اساس ماده‌ی یک این سند؛ «اهلیت حقوقی و شخصیت حقوقی این سازمان‌ها به شکلی که در دولت متبوع ثبت می‌شود، متعاهد به این کنوانسیون شناخته شده است و از سوی متعاهد دیگر پذیرفته می‌شود.» این سند، در ماده‌ی چهارم کنوانسیون، حدود اختیارات تشکلهای اروپایی را چنین محدود می‌کند: «فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در مواردی که مغایر امنیت ملی، نظم عمومی، جلوگیری از جنایات، حفظ و حمایت از سلامت همگانی، اخلاق حسنه، حقوق و آزادهای فردی باشد و یا به روابط دولت‌ها و صلح و امنیت جهان لطمه وارد کند، اجرا نخواهد شد.» شاید بتوان گفت محدودکردن فعالیت این تشکلهای که با کلماتی کلی نظیر: اخلاق حسنه، سلامت همگانی و... از طرف این شورا با نظرانی که در خصوص

بازیگران غیر دولتی مبنی بر تحدیدکنندگان حاکمیت سیاسی بعضاً نیز تهدید کنند تلقی می‌کنند توجیه کرد.

وجود شخصیت حقوقی نهادها، در صحنه‌ی بین‌المللی از اهمیت خاصی در زمینه‌ی گسترش حوزه‌ی فعالیت و تعداد آن‌ها برخوردار است، و این همان است که دولت‌های ملی با دیده‌ی شک و تردید به آن نگاه می‌کنند؛ و در این دید، کشورهای دموکراتیک، صراحت و جدیت پیدا می‌کنند؛ چرا که معتقدند قبل از هر چیز سیستم سیاسی آن‌ها را دگرگون خواهد کرد. اگر شخصیت حقوقی بین‌المللی برای این سازمان‌ها، قائل شوند، بدون شک حوزه عمل و قدرت اجرایی آن‌ها گسترش خواهد یافت و این کمک بزرگی به تشدید روند جهانی‌شدن و نزدیکی ملت‌ها به یکدیگر خواهد شد.

این امر در سال‌های اخیر که حرکت‌هایی علیه جهانی‌سازی صورت می‌گیرد، نمایان‌تر می‌شود. با اعطای شخصیت حقوق بین‌المللی به سازمان‌های غیر دولتی، این سازمان‌ها از مزیت‌هایی برخوردار می‌شوند که عمده‌ترین آن‌ها عبارتند از: جابه‌جایی اقامتگاه این سازمان‌ها در کشورهای مختلف، و امکان فعالیت بدون وقفه در کشورهای مورد نظر بدون نیاز به ثبت مجدد و طی کردن تشریفات مجدد، مانند وضعیتی که هم اکنون در کشورهای اروپایی است؛ چرا که در کشورهایی که کنوانسیون استراسبورگ را تصویب کرده‌اند، مشکل ارتباطات، مسائل مالی، جابه‌جایی اموال، منابع مالی، تشریفات گمرکی، استخدام افراد خارجی و... به راحتی قابل حل می‌باشد.

۶- منابع مالی

منابع مالی این سازمان‌ها از راه‌های مختلف تأمین می‌شود؛ از جمله:

- ۱-۶- کمک بخش خصوصی یا افراد حقیقی یا حقوقی و بخش عمومی که شامل کمک دولت‌ها و سازمان‌های بین دولتی است؛
- ۲-۶- اعانات مردمی که با استفاده از بسیج افکار عمومی کسب می‌کنند؛
- ۳-۶- احیاناً، سود سرمایه‌گذاری، اگر داشته باشند.

این کمک‌ها به شکل‌های مختلفی صورت می‌پذیرد؛ از جمله پیش‌بینی ردیف بودجه در بودجه‌ی سالیانه دولت‌ها یا واگذاری اجرای طرح‌های دولتی یا بین‌المللی به این سازمان‌ها جهت ایجاد منبع درآمد برای آن‌ها، تدابیری تسهیلاتی مالی مثل: معافیت‌های مالیاتی و گمرکی برای سازمان‌ها و مانند آن. و این روند در کشورهای غربی بسیار متداول است.

اخذ کمک از بخش‌های عمومی، مثل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی عیب بزرگی دارد؛ و آن، ایجاد وابستگی این سازمان‌ها به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. با توجه به منابع درآمدی آن‌ها می‌توان پاره‌ای مشکلات آن‌ها را پیش‌بینی کرد که از جمله‌ی آن‌ها این است که نمی‌توانند برنامه‌ریزی دقیق میان‌مدت و بلندمدت مالی داشته باشند؛ چرا که منابع مالی آن‌ها ثابت نیست و وابستگی به اراده‌ی افراد و کمک‌های بخش عمومی دارد.

مشکل دیگری که این نهادها با آن روبه‌رو هستند، ارائه‌ی بیلان مالی به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی می‌باشد؛ و علت این است که این سازمان‌ها مجبورند در مقابل کمک‌کننده و کمک‌شوندگان شفاف عمل کنند؛ زیرا که تحت کنترل و نظارت قرار دارند؛ مثلاً، در «فرانسه بر اساس قانونی که در سال ۱۹۹۱ به تصویب رسیده است، دیوان محاسبات حق دارد به امور سازمان‌های غیر دولتی که متقاضی دریافت کمک‌های عمومی هستند، رسیدگی کنند.» (بیگزاده: ۳۵). و یا سازمان‌هایی که به نحوی طرف مشورت سازمان‌های زیر مجموعه‌ی شورای اقتصادی سازمان ملل متحد هستند، حتماً باید شفاف عمل کنند و کمک‌کنندگان و مقدار آن را به سازمان‌های ذی‌ربط اعلام نمایند.

فصل چهارم:

تأثیر متقابل سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و جهانی شدن و جایگاه

این نوع سازمان‌ها در قبال سازمان ملل متحد در نظام بین‌الملل

زندگی اجتماعی از پدیده‌های مختلفی تشکیل می‌شود که این پدیده‌ها روی هم تأثیرات متفاوتی، گاه در موازات هم، و گاه در تضاد با هم دارند. وجود این تشابهات و تضادها باعث تکمیل شدن روند زندگی اجتماعی می‌شود. ما در این قسمت به بررسی تأثیرات متقابل جهانی شدن و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی می‌پردازیم.

در دو قسمت، کوشش می‌شود که چگونگی این تأثیر بیان شود. بر همین اساس در قسمت الف، تحت عنوان «تأثیر سازمان‌ها بر جهانی شدن» بدان پرداخته شده است. سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی به جهت این که سازمان هستند، برنامه‌دار و دارای تعامل و خروجی می‌باشند؛ هرچند که جهانی شدن یک روند باشد. عقیده این است دارد این سازمان‌ها با توجه به تعداد و کثرت آن‌ها که خود حاصل عوامل مختلف می‌باشند و ابزارهای نوینی که در اختیار دارند و با نظر به شرایط خاص جوامع انسانی و ناهنجارهای اجتماعی که هر روز بروز و ظهور می‌کند بر شدت و سرعت این روند تأثیرگذار می‌باشد و یا در تعدیل پدیده‌های منفی این روند اثر مثبت ایجاد می‌کنند.

در قسمت دوم به تأثیر جهانی شدن بر این نوع سازمان‌ها پرداخته می‌شود که با توجه به تعاریف جهانی شدن، باور بر این است که جهانی شدن روندی است که بر اثر تعامل و رابطه‌ی بیان کشورها و ظهور سازمان‌ها و وابستگی متقابل آن‌ها ایجاد شده است. از مشخصه‌های آن، بازتر عمل کردن دولت‌ها و روابط بین‌الملل است. هر چه این فضا بازتر شود، بر تعداد و نفوذ سازمان‌های غیر دولتی نیز اضافه خواهد شد. در

نهایت، این دو پدیده بر یکدیگر اثرات مستقیم دارند؛ اولی، دومی، را باعث می‌شود؛ و دومی، باعث تحکیم پایه‌های اولی می‌گردد. محکم‌شدن پایه‌ی سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی، باعث غلظت جهانی‌شدن و ادامه‌ی این روند می‌شود.

۱- تأثیر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی بر جهانی‌شدن

بدون توجه به ابعاد مختلف جهانی‌شدن می‌توان گفت: سازمان‌های غیر دولتی و جهانی‌شدن به دو صورت بر یکدیگر تأثیر متقابل و مستقیم دارند:

۱-۱- هر چه ابعاد جهانی‌شدن و سرعت آن بیشتر شود، به تعداد و حوزه‌ی نفوذ سازمان‌های غیر دولتی نیز افزوده می‌شود؛

۱-۲- هرچند تعداد و حوزه‌ی نفوذ سازمان‌های غیر دولتی بیشتر شود، به سرعت و غلظت جهانی‌شدن و تحکیم پایه‌های آن نیز افزوده خواهد شد.

بنابراین، جهانی‌شدن، به واسطه‌ی ابزار و تکنولوژی ارتباطی و اطلاعاتی، باعث تحدید حاکمیت‌های سیاسی، و کم‌رنگ و بی‌تأثیرشدن مرزهای جغرافیایی می‌شود و دولت‌ها و ملت‌ها به دو صورت واکنش نشان می‌دهند؛ یا مجبورند به صورت باز و دمکراتیک‌تر عمل کنند که در این صورت فضای لازم برای فعالیت سازمان‌های غیر دولتی مهیا خواهد شد؛ و یا این‌که به ناسیونالیسم افراطی منجر می‌شود که در این صورت، سازمان‌های غیر دولتی، وظایف جدیدی را در سطح بین‌المللی، تحت عنوان مبارزه با نژادپرستی، تبعیض نژادی و دفاع از مهاجران و... بر عهده خواهند گرفت؛ و این، باز خود کمک به جهانی‌شدن خواهد کرد. از آن‌جا که غلظت و شدت روند جهانی‌شدن در بُعد اقتصاد بیشتر نمایان است، لاجرم کشورهای جنوب، برای جذب سرمایه مجبورند، مرزهای جغرافیایی و شرایط داخلی را به گونه‌ای مهیا کنند تا سرمایه‌های خارجی جذب گردد، و این یعنی آماده شدن فضا برای فعالیت و گسترش سازمان‌های غیر دولتی.

در کشورهای دمکراتیک شمال، نیز با توجه به سیستم حکومتی، امکان کمتری برای محدودکردن فعالیت سازمان‌های غیر دولتی وجود دارد؛ چرا که اگر بخواهند حیات سازمان‌های غیر دولتی را به خطر بیندازند، به معنای اقدام علیه خود است.

سازمان‌های غیر دولتی، بر جهانی‌شدن در ابعاد گوناگون از جمله بُعد اجتماعی، فرهنگی، و اطلاع‌رسانی تأثیر مستقیم دارند. امروزه روابط اجتماعی از یک محیط خاص به محیط دیگر منتقل می‌شود و این انتقال، لزوماً یک‌طرفه نیست و دنیا در اثر این فشردگی زمان و مکان و از جاکندگی روابط اجتماعی و تأثیری که انسان‌ها بر این فرایند می‌گذارند، وارد دوران جدیدی شده است.

دانشمندان علوم سیاسی، معمولاً بین دو دسته از سازمان‌های بین‌المللی تمایز قائل هستند؛ سازمان‌های بین دولتی و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی.

چنین سازمان‌هایی فی‌نفسه و لزوماً از لحاظ قلمرو، جهانی نیستند و در واقع ممکن است حتی تعداد کمتری، مثلاً دو جامعه‌ی ملی را در بر بگیرند اما روی هم رفته این سازمان‌ها یک شبکه‌ی تار عنکبوتی جهانی تشکیل می‌دهند که از طریق آن، تعیین هدف و تصمیمات مربوط به نحوه‌ی تخصیص منابع جریان می‌یابد.

سازمان‌های بین دولتی، نه تنها شامل سازمان‌های متعلق به کلیه‌ی دول، هم‌چون سازمان ملل متحد یا اتحادیه‌ی بین‌المللی مخابرات است، بلکه بخش‌های مختلف نظام‌های حکومتی، همانند پارلمان‌ها، بانک‌های مرکزی یا سازمان‌های مسئول محیط زیست را به یکدیگر مرتبط می‌سازد. چنین ارتباطاتی در حوزه‌هایی که به آن‌ها مسائل مشترک جهانی گفته می‌شود، بیشتر است.

«سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی ممکن است از لحاظ جهانی‌شدن مهم‌تر از سازمان‌های دولتی تلقی شوند، زیرا دولت-ملت‌ها را دور می‌زنند و مرزها را مورد تهدید قرار می‌دهند. این سازمان‌ها سرکش هستند؛ زیرا به دلیل پیچیدگی دستورهای صادره را نقض می‌کنند و چنان ظرفیت و توانی برای ایجاد ارتباط بین افراد مختلف در ارتباط با منافع و انگیزه‌های مشترک دارند که اهمیت دولت را زیر سؤال می‌برند.» (مالکوم واترز، ۱۳۷۹: ۶۵).

رشد سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، در مقایسه با سازمان‌های بین دولتی نیز قابل تأمل است؛ به صورتی که تعداد سازمان‌های بین دولتی در خلال سال‌های (۱۹۹۲-۱۹۴۵) بیش از سه هزار سازمان بوده است، و در همین حد فاصل، رشد غیر دولت‌های بین‌المللی حدود پانزده هزار بوده است.

این سازمان‌ها در شکل‌دهی و تحقق دموکراسی مشارکتی، نیز نقش حیاتی بر عهده دارند. «آنها اعتبار خود را به طور عمده از نقش مسئولانه و سازنده‌ی خود در جامعه کسب می‌کنند و به دلیل پراکندگی و گوناگونی فعالیت‌ها و مهارت‌ها به‌ویژه در عرصه‌ی نظارت بر امور اجتماعی، زیست‌محیطی، فرهنگی، توسعه‌ی پایدار، و نظایر آنها از جایگاه بسیار بااهمیتی برخوردارند. این سازمان‌ها به جهت آزاد بودن از قید و بند فعالیت‌های رسمی، زمینه‌های بسیار مساعدی برای مشارکت دارند.» (نصیری، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

از سوی دیگر، از آن‌جا که جهانی‌شدن یا جهان‌گرایی امروز بیش از هر چیز به عمل ابتکاری مردم و گروه‌های انسانی وابسته است، سازمان‌های غیر دولتی در این خصوص نیز در مرتبه‌ی بهتری قرار دارد و مثلاً می‌توان از اقدامات این سازمان‌ها در تبیین افکار عمومی جهان، و موقعیت این سازمان‌ها در ارگان‌های تابع سازمان ملل متحد به عنوان دارندگان نقش مشورتی نام برد. این امر به حدی بارز است که در گردهمایی سالانه‌ی اقتصادی داووس که ۲۵ تا ۳۰ ژانویه ۲۰۰۱ جریان داشت، این سازمان‌ها خود را عاملان اصلی جهانی‌شدن جهان‌سازی مطرح ساختند.

«در فضای جدید بازار جهانی بدون مرز، دیگر این دولت‌ها نیستند که مخاطب و طرف مذاکره‌ی شرکت‌های بزرگ قرار می‌گیرند، بلکه این سازمان‌های غیر دولتی، نظیر عفو بین‌المللی، صلح سبز، سازمان نجات کودکان و... هستند که طرف مذاکره‌ی این شرکت‌های بزرگ قرار می‌گیرند.» (چندملیتی‌ها و ...، ترجمه‌ی کاظم‌پور، سال سوم، شماره‌ی ۳۹).

سازمان‌های غیر دولتی، نقش مهمی در تحولات فرهنگی در سطح بین‌المللی دارند و این امر نیز در جهانی‌شدن مؤثر است.

«این سازمان‌ها به عنوان مکانیسم‌های تحول، برای هر چه شبیه‌تر کردن کشورها به یکدیگر عمل می‌کنند؛ درست مانند این که یک کشور می‌کوشد جایگاه مناسب خویش را در یک سازمان غیر سرزمینی پیدا کند. همین طور که یک سازمان غیر سرزمینی وسیله‌ای است که جست‌وجوی گروه مخالف را در هر کشور آسان می‌سازد» (ژرژ ابوصعب: ۹۷). هر بازیگر غیر سرزمینی، اعم از این که اعضای آن،

دولت‌ها، انجمن‌های غیر دولتی، سازمان‌ها یا افراد باشند، در پی عناصر هم‌فکر یا هم‌موضع در تمام کشورهای دنیا خواهد گشت؛ چرا که سازمان دادن عناصر هم‌نوع و هم‌گن در هر جا که یافت شوند، وظیفه‌ی آن‌هاست و اگر چنان هم‌نوعانی وجود نداشته باشند، می‌توانند آن‌ها را پدید بیاورند؛ مثلاً، از طریق دعوت ناظرانی به کنفرانس‌های بین‌المللی، تا با پیام‌هایی که در ضمیرشان نقش می‌بندد، به کشورهایشان برگردند؛ «چرا که بازیگران غیر سرزمینی تبدیل به مکانیسم‌های تحول‌آسایی می‌شوند.» (ژرژ ابوصعب: ۹۸).

تجمع اعتراض‌آمیزی که سازمان‌های غیر دولتی در اجلاس‌های بین‌المللی برگزار می‌کنند، می‌تواند معیار خوبی برای نشان دادن قدرت این سازمان‌ها در ساختن و هم‌فکر کردن افراد با اندیشه‌های خود باشد؛ برای نمونه می‌توان از اجلاس سیاتل، داووس، دوربان و... نام برد که حرکتی در راستای جهانی‌شدن اندیشه‌های حاکم بر این سازمان‌ها می‌تواند تلقی گردد.

دکتر باوند، جهانی‌شدن را در دو بُعد می‌بیند: یک، بُعد از بالا، و یک بعد از پایین؛ و در ادامه، جهانی‌شدن از بالا را از دید جایگاه و نقش سازمان‌های بین‌المللی دولتی و نقش شرکت‌های فراملّی در نظر می‌گیرد، و بُعد پایین را جریانی مردم‌گرا می‌داند و معتقد است، مؤلفه‌های اساسی آن، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، حفظ محیط زیست و توسعه‌ی پایدار است.

وی ادامه می‌دهد: «در این باره بسیاری از گروه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، نقش اساسی دارند و تنها دولت‌ها نیستند، بلکه گروه‌ها و دسته‌هایی وجود دارند که بر اساس ارزش‌های مردمی و انسانی صرف، در قبال جهانی‌شدن از بالا موضع‌گیری می‌کنند.» (باوند: ۴۱۲-۴۱۵)؛ بنابراین اگر گفته شود، سازمان‌های غیر دولتی در جهانی‌شدن، نقشی فعال و مردمی را بازی می‌کنند، بیراه نیست؛ و جهانی‌شدن با نظر به فزونی احتیاجات نوع بشر و نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر، امری اجتناب‌ناپذیر تلقی خواهند شد؛ امری که در آن، حرکت‌های مردمی سعی دارند عوارض منفی این روند را خنثی و یا حداقل تعدیل نمایند. این سازمان‌ها ایجاد می‌شوند تا حرکت‌های مردمی را سازمان‌دهی، جهت‌دار و کارا سازند.

۲- تأثیر جهانی شدن بر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی

با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که در خصوص جهانی شدن مطرح است، می‌توان تفسیرهای گوناگونی نیز از تأثیر جهانی شدن بر سازمان‌های غیر دولتی به عمل آورد. اگر «پدیده‌ی جهانی شدن را رویدادی ناگهانی ندانیم، بلکه معتقد به روندی باشیم که از گذشته‌ی دور بوده، و اکنون سرعت و شتاب گرفته است»^{۱۰} جهانی شدن رویارویی یا همزیستی، شماره‌ی ۱۵۶-۱۵۷: ۱۴۱-۱۴۲)، باید دانست که وضع به گونه‌ی دیگری رقم خواهد خورد؛ به صورتی که اگر به تاریخ گذشته و تحولات نظام بین‌المللی توجه کنیم و رشد سازمان‌های غیر دولتی را در طول تاریخ در دو قرن اخیر، یعنی قرن نوزدهم و بیستم، مدنظر داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که هر چه به پایان قرن بیستم می‌رسیم، بر تعداد و حوزه‌ی نفوذ سازمان‌های غیر دولتی افزوده شده است. این امر مؤید دو مطلب بسیار مهم می‌باشد؛ ابتدا، رشد و آگاهی نوع انسان نسبت به گذشته که به واسطه‌ی افزایش سرعت و کیفیت ارتباطات و اطلاعات پدید آمده؛ و دیگر، کاهش حوزه‌ی نفوذ و قدرت دولت‌ها به صورتی که مجبورند، بازتر عمل کنند.

این تحولات، اگرچه سازمان‌های بین‌المللی عمومی (دولتی) را به صحنه‌ی بین‌المللی کشانیده تا راه‌کارهای جدید و کارساز را برای حفظ صلح تدارک ببینند، سازمان‌های بین‌المللی نیز سازمان‌های غیر دولتی را به عنوان لایه‌هایی اجتماعی که با مردم کشورهای مختلف ارتباط مستقیم دارند، به صورت‌های مختلف به کمک طلبیده‌اند.

در واقع به دو شکل، جهانی شدن باعث گسترش سازمان‌های غیر دولتی می‌شود؛ از یک طرف فضا را برای حیات آن‌ها از طریق رشد دموکراسی و اندیشه‌ی لیبرالیستی و آگاهانیدن مردم زمین آماده می‌کند، و از طرف دیگر، پیامدهای منفی متعددی به بار می‌آورد که دولت‌های ملی و حتی سازمان‌های بین‌المللی عمومی قادر به حل مشکلات نیستند؛ و این درست، همان جایی است که از دل مردم جهان سازمان‌های جدید با وظایف جدید در راستای تعدیل کردن مسائل و مشکلات جدید سر برمی‌آورند. در واقع آثار منفی، نیاز جدیدی را برای حل آن‌ها مطرح می‌کند که

جنبه‌ی جهانی دارند و این‌جاست که سازمان‌های غیردولتی سر بر می‌آورند؛ برای مثال، آن‌چه که از تأثیر جهانی‌شدن به نظام آموزشی مربوط می‌شود، آموزش نسل جوان است. این نسل را از طبیعت و وابستگی آن به زمین به طوری که هر چیز در سوپرمارکت در قوطی ارائه می‌شود، بدون این‌که نسل جوان از چرخه‌ی تولید آن اطلاع کافی داشته باشد، تا لزوم حفظ لمس کنند و مسائل دیگری چون کیفیت آموزش، بین‌المللی شدن جرم و جنایت، قاچاق انسان و سوء استفاده‌ی مالی، نمونه‌های از رشد جرایم جهانی می‌باشد که حل آن‌ها تنها دولت‌ها میسر نیست. سرشت در حال دگرگونی مفاهیم سنتی سیاسی، بین‌المللی و قدرت که دگرگون شده است و آمریت دولت‌ها به سستی آورده است، چه کسی امروز مسئولیت نظم را بر عهده خواهد گرفت و نسل انسان را برای جامعه‌پذیری خواهد پذیرفت. جهان، اکنون با مشکلات و معضلاتی درگیر است و در آینده به صورت فزاینده‌ای درگیر خواهد بود که ضرورتِ مساعدت و ایجاد سازمان‌های غیردولتی را ایجاب خواهد کرد.

طبقه‌ی متوسط جوامع انسانی به سرعت در حال کوچک شدن است و روزه‌به‌روز فاصله‌ی بین غنی و فقیر بیشتر می‌شود که این امر نشان از بروز ناهنجاری در روابط اقتصادی و اجتماعی جوامع دارد و می‌تواند تبعات و عواقب نگران‌کننده‌ای در پی داشته باشد. پدیده‌ی تروریسم سازمان‌یافته و افزایش جرم و جنایت، نیز آرامش بشر را به مخاطره انداخته است. محیط زیست نیز به واسطه‌ی عوامل متعدد در حال تهدید است؛ و افزایش جمعیت جهان به صورت نامتعادل و نامتوازن همراه با مشکلاتی چون افزایش جمعیت سالمندان، رشد تصاعدی جمعیت جوان جوامع فقیر، و کاهش جمعیت مناطق توسعه‌یافته و صنعتی، از جمله مواردی هستند که هر یک مشکلات و تهدیدهای خود را در پی دارند؛ و پیداست غلبه بر همه‌ی این مشکلات، از عهده و توان دولت‌ها و حکومت‌ها خارج است؛ و لذا لازم است نهادهای غیردولتی نیز در رفع این مشکلات بکوشند؛ و این امر، یعنی نیاز به یاری این نهادها، باعث تقویت و پیدایش روزافزون سازمان غیردولتی در جهان خواهد شد.

از طرفی «جهانی‌شدن اقتصاد، یقیناً اثر منفی روی حاکمیت مستقل کشورها بر جای می‌گذارد. چنین تحولی، نوعی پیشرفت مثبت قلمداد می‌شود؛ چرا که تضعیف حاکمیت ملی و گسترش دموکراسی در سطح جهان را امکان‌پذیر می‌سازد.» (جی‌مدیسون، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

از طرف دیگر، دولت‌ها، از جمله دولت‌های جنوب، وابستگی مالی شدیدی به یکدیگر دارند؛ بنابراین به خاطر وابستگی مالی و نیاز به جذب سرمایه‌ی خارجی، میزان قدرت آن‌ها به تحلیل خواهد رفت؛ و این امر با گسترش شهرنشینی و آگاهی عمومی، و طبعاً افزایش توقعات مردمی همراه خواهد شد. عدم توازن بین قدرت عمومی دولت و خواست‌های عمومی، و عدم توان دولت‌ها در پاسخ‌گویی به نیازهای جوامع، خود لزوم تشکیلات مردمی را ضروری خواهد ساخت؛ بنابراین سازمان‌های غیردولتی از دل جوامع خواهد جوشید تا پاسخ‌گوی نیازهایی باشد که دولت‌ها توان پاسخ‌گویی به آن‌ها را ندارند.

«از دیگر نتایج جهانی‌شدن، نهادینه‌شدن جامعه‌ی مدنی در سطح ملی و بین‌المللی است. این امر، سطح انتظارات مردم را در بسیاری از کشورها بالا برده و در نتیجه، چشم‌اندازهای تحقق دموکراسی را به طرز چشم‌گیری وسعت بخشیده است.» (جی‌مدیسون، ۱۳۸۰: ۱۸۳).

تحقق دموکراسی، مشارکت مردمی و به دست گرفتن مسئولیت‌های جدید را به‌وسیله‌ی مردم جوامع در پی خواهد داشت، و از آن‌جا که مردم به صورت انفرادی اقدام نخواهند کرد، سازمان‌های جدیدی با اهداف وظایف جدید متولد خواهد شد تا مشارکت مردمی را رهبری، هدایت و سامان‌دهی کند. در واقع، رابطه‌ی مستقیمی بین دموکراسی و ظهور سازمان‌های غیردولتی وجود دارد؛ حتی اگر دولت‌ها با وضع پاره‌ای قوانین بخواهند آن‌ها را کنترل کنند.

سازمان‌های غیردولتی دارای سازوکار و روابط پیچیده‌ای هستند و با هم‌فکران خود در خارج از مرزهای سیاسی و جغرافیایی ارتباط دارند و با استفاده از فناوری ارتباطی پیش‌رفته، این هم‌فکری‌ها و روابط نزدیک‌تر خواهد شد، و از این جهت نیز کنترل آن‌ها سخت‌تر می‌شود. هم‌چنین این واقعیت نیز وجود دارد که همه‌ی

سازمان‌های غیر دولتی، لزوماً رفتار و منشی انسان‌دوستانه ندارند و بعضاً ممکن است درگیر مسائلی جز این باشند، که این نکته نیز بر پیچیدگی موضوع افزوده است.. جهانی‌شدن، «رشد»ی تعریف شده است و طی این روند، مسائلی را به ظهور رسانده و می‌رساند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به تضعیف حاکمیت دولت‌ها، نزدیکی جوامع به یک‌دیگر و افزایش آگاهی عمومی در پی گسترش ارتباطات و بالارفتن انتظارات مردمی ظهور و بروز مسائل جدید اجتماعی و محیطی اشاره کرد که دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی عمومی به تنهایی قادر به پاسخ‌گویی به آن نیستند.

نقش دیگری که سازمان‌های غیر دولتی دارند و پیش از این، کمتر بدان اشاره شده است، آن است که سازمان‌های بین‌المللی عمومی از این سازمان‌ها به عنوان مشاوران و طرف مشورت کمک می‌گیرند، و در آینده نیز این امر گسترش خواهد یافت که مآلاً باعث تحکیم پایه‌های این سازمان‌ها و مقبولیت عمومی آن‌ها خواهد شد.

سازمان‌ها غیر دولتی، در تمام جوامع با هم‌فکران خود در ارتباط می‌باشند و با پیچیدگی‌ای که دارند، دولت‌ها را به اصطلاح دور می‌زنند و شبکه‌های ارتباطی تار عنکبوتی جهانی‌ای را شکل می‌دهند. گسترش روز افزون این سازمان‌ها در جهان؛ گوناگونی فعالیت آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی؛ ارتباطات گسترده‌ی آنان با شرکت‌های چند ملیتی؛ نزدیکی‌شان با اقشار مختلف و گروه‌های مردمی؛ و حضور فعال و گسترده‌ای که در اجلاس‌های بین‌المللی دارند، زمینه‌ی بسیار مساعدی را برای مشارکت افزون‌ترشان در سیاست‌های بین‌المللی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، این سازمان‌ها در قالب مشاوره با ارگان‌های اقتصادی و اجتماعی هم‌کاری دارند، و بدین‌سبب، نقش بسیار فعالی در هم‌سان‌سازی جوامع بازی می‌کنند؛ چرا که مورد اقتباس و الگوبرداری نیز واقع می‌شوند.

این سازمان‌ها اهدافی جهانی را دنبال می‌کنند و گستره‌ی فعالیت‌شان لزوماً در قالب منافع ملی تعریف نمی‌شود، و لذا بدون توجه به مرزهای جغرافیایی، در مقایسه با سازمان‌های بین‌المللی عمومی که غالباً در پی منافع ملی کشورهای تشکیل دهنده هستند، اثرات ماندگارتر و تأثیرگذارتری دارند که این هدف‌گذاری، باعث

تحکیم و تشدید سرعت روند جهانی‌شدن می‌شود؛ و از سوی دیگر، جهانی‌شدن نیز گسترش عددی و حوزه‌ی نفوذ سازمان‌های غیر دولتی را در پی خواهد داشت.

۳- رابطه‌ی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی با سازمان ملل متحد در روند جهانی‌شدن

در خصوص جهانی‌شدن و جهان‌شمولی، مباحث فراوانی مطرح است. بحث از سازمان‌های غیر دولتی هم قسمتی از مباحث مطرح شده می‌باشد؛ چرا که در هر کشوری غیر از دولت-که نماینده‌ی همه اجتماع است- گروه‌های اجتماعی فعال دیگری هم وجود دارند که در سیاست‌های ملی و گاهی بین‌المللی نیز تأثیر می‌گذارند.

«اهمیت این نوع گروه‌ها هرگاه با مؤسسات هم‌سان خود در دیگر کشورها رابطه برقرار کنند و احیاناً نهادها و سازمان‌هایی هم بین خود تأسیس کنند، باز هم بیشتر خواهد بود.» (منصفی: ۸)؛ این سازمان‌ها را غالباً می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد؛ سازمان‌های بین‌المللی مذهبی؛ سیاسی؛ و سازمان‌های اجتماعی، اقتصادی، علمی، صنعتی و فرهنگی؛ که انبوه سازمان‌های غیر دولتی در دسته‌ی اخیر قرار می‌گیرند. در حقیقت، کلیه‌ی سازمان‌های بین‌المللی خصوصی غیرانتفاعی که موضوع اصلی فعالیت اصلی آن‌ها مذهب یا سیاست نباشد، زیر این عنوان جای می‌گیرد.

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، به هنگام بررسی موضوع برقراری روابط مشورتی با یک سازمان غیر دولتی، با توجه به ماهیت و حوزه‌ی فعالیت‌ها و کمک‌هایی که سازمان مذکور می‌تواند به شورا یا ارگان‌های تابعه ارایه کند، این سازمان‌ها را به سه دسته‌ی زیر طبقه‌بندی کرد:

- گروه عمومی؛ که در همه‌ی موارد، اهداف و اصول آن با فعالیت‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل باید هماهنگی داشته باشد؛

- گروه میانه؛ که صلاحیت‌های محدودی داشته، و فقط در موضوعات محدود مرتبط با وظایف شورا هماهنگی دارند؛

- گروه راستر یا موردی که در مقام مشورتی با شورای فوق‌الذکر نیستند، ولی در برخی موارد به تشخیص شورا یا دبیر کل ملل متحد، می‌توانند کمک‌های سودمندی به مباحث ارگان‌های ذی‌ربط سازمان ملل ارائه دهند.

سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی و بعضی مواقع حتی ملی، در راستای اهداف شورای اقتصادی و اجتماعی با شورا همکاری نزدیک دارند و در جهت توسعه‌ی انسانی، عمرانی، نوع‌دوستانه، و خلاصه آن‌چه که در منشور ملل متحد و قطع‌نامه‌هایی که در خصوص مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و صنعتی و... ذکر شده، فعالیت دارند. وقتی که به شرایط پذیرش و اعطای مقام مشورتی یک سازمان غیر دولتی (مندرج در قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۷×۱۲۶L شورای اقتصادی و اجتماعی به مورخه‌ی ۲۳ مه ۱۹۶۸) توجه کنیم که می‌گوید: «سازمان غیر دولتی، باید با موضوعاتی که در صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی است، سر و کار داشته باشد، از جمله امور اقتصادی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، علمی، فنی و حقوق بشر. هم‌چنین اهداف سازمان باید با اهداف و اصول مندرج در منشور ملل منطبق باشد.» هم‌چنین در ماده‌ی یک مندرج در اصول منشور ملل متحد، اصولی به شرح زیر آمده است:

- ۱-۷- «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛ بدین منظور اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوزگرانه و یا سایر کارهای ناقض صلح، و فراهم آوردن موجبات تعدیل و تصفیه‌ی اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است با وسایل مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل منجر به نقض صلح گردد، مورد توجه است.
- ۲-۷- توسعه‌ی روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و حق تعیین سرنوشت ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.
- ۳-۷- حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب نقشمند می‌باشد.
- ۴-۷- وجود مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل، جهت حصول این هدف‌های مشترک معمول می‌دارند.

۵-۷- بنابراین هر نوع همکاری سازمان‌های غیر دولتی با ارگان‌های سازمان ملل متحد باید تابع اصول فوق باشد؛ لذا همکاری با شورای اقتصادی و اجتماعی، یعنی رعایت اصول فوق که به صورت خودکار ترویج دهنده‌ی اصول فوق خواهند بود.

۶-۷- همچنین در مقدمه‌ی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: کشورهای طرف این میثاق، با توجه به این‌که بر طبق اصولی که در منشور متحد اعلام گردیده است، شناسایی حیثیت ذاتی و حقوقی یک‌سان و غیرقابل انتقال کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی بشر بر مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان قرار گیرد. با اذعان به این‌که بر طبق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر کمال مطلوب انسان آزاد، رهایی یافته از ترس و فقر فقط در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق مدنی و سیاسی خود و همچنین از حقوق اقتصادی، اجتماعی او ایجاد می‌شود.» (متین‌دفتری، ۱۳۴۸: ۳۰۴-۳۶۰).

با توجه به این‌که کشورها بر طبق منشور ملل متحد به ترویج احترام جهانی و مؤثر و رعایت حقوق و آزادی‌های بشر ملزم هستند، مکلفاند در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق، اهتمام نمایند.

و به همین شکل، در بند ۲ ماده‌ی ۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آمده است: «کشورهای طرف این میثاق، متعهد می‌شوند که حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوعی تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و عقیده‌ی سیاسی، و یا هرگونه عقیده‌ی دیگر تضمین نمایند.»

در مقدمه‌ی همین میثاق آمده است: «کشورهای طرف این میثاق، بر طبق اصولی که در منشور ملل متحد اعلام گردیده است، حیثیت ذاتی و حقوق یک‌سان و غیرقابل انتقال کلیه‌ی اعضای خانواده‌ی بشر را مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌دانند.» و مؤکد شده است که: «حقوق مذکور، فوق ناشی از حیثیت ذاتی شخصی انسان است.» (متین‌دفتری، ۱۳۴۸: ۳۳۶).

در ماده‌ی ۷۱ منشور ملل متحد و قطع‌نامه‌ی ۲۸۸ شورای اقتصادی، اجتماعی سازمان ملل متحد (مصوب در ۲۷ فوریه ۱۹۵۰) مقرر گردیده که به موجب ماده‌ی ۷۱ منشور، «شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمان‌های غیر

دولتی در مورد مسائلی که به صلاحیت شورا مربوط می‌گردد، هر تدبیری را که لازم می‌داند، اتخاذ نماید؛ و در صورتی که ضرورت اقتضا کند این تدابیر را به شرط مشورت با عضو ذی‌نفع سازمان ملل متحد، به سازمان‌های بین‌المللی یا هر سازمان ملّی دیگری تعمیم دهد.» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۰: ۲۷۹).

با عنایت به تعریفی که این شورا در قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۲۸۸ مورخه‌ی فوریه ۱۹۵۰ از سازمان‌های غیردولتی کرده است، که می‌گوید: «هر سازمان بین‌المللی که در نتیجه‌ی انعقاد معاهده میان کشورها به وجود نیامده باشد، سازمان بین‌المللی غیردولتی محسوب می‌شود»،

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد به صورت خاص، و سازمان ملل متحد به صورت عام، همکاری خود را به همه‌ی سازمان‌های غیردولتی تسری داده است و این همکاری باید بر اساس اصول ذکر شده انجام پذیرد؛ اصولی که در جهت ایجاد احترام متقابل نوع بشر و حفظ حقوق حقه‌ی آن، در جهت برقراری صلح میان ملّت‌ها باشد.

بنابراین می‌توان گفت: سازمان ملل متحد از این سازمان‌ها (غیردولتی‌ها) در جهت اشاعه و ترویج اصول منشور استفاده می‌کند؛ به طوری که امروزه ۱۵۰۰ سازمان غیردولتی با برنامه‌های اطلاعاتی مربوط به سازمان ملل با اداره‌ی اطلاعات عمومی سازمان مورد اشاره همکاری دارند^۱ که از این جمله می‌توان به ۵۸۰ سازمان غیردولتی اشاره کرد که با ارگان‌های مختلف سازمان ملل متحد مانند یونسف، صندوق جمعیت ملل متحد، برنامه‌ی جهانی غذا، دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی برای توسعه‌ی کشاورزی، سازمان دریانوردی بین‌المللی، سازمان خواروبار کشاورزی و ... همکاری و هم‌فکری نزدیک دارند و به آن‌ها اجازه داده شده تا در کمیته‌های اجرایی و کمیته‌های دائمی، به عنوان ناظر شرکت نمایند.

^۱ - [http:// WWW.an.org/moreinfo/ngolink/brochure.gtm](http://WWW.an.org/moreinfo/ngolink/brochure.gtm).

۴- رابطه‌ی سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی با سازمان‌های بین‌الملل

عمومی

سازمان‌های بین‌المللی عمومی به مشارکت سازمان‌های غیر دولتی بیشتر از دولت‌ها نیاز دارند و اصولاً از این سازمان‌ها به عنوان طرف مشورت خودشان استفاده می‌کنند. داشتن مقام مشورتی برای خود سازمان‌های غیر دولتی هم منفعت بسیار دارد. این موقعیت برای این سازمان، مقام و منزلت ایجاد می‌کند و در عین حال سبب می‌شود که فعالیت‌های این سازمان نیز گسترش پیدا کند.

اولین مورد ارتباط سازمان‌های غیر دولتی با سازمان‌های بین‌المللی، ارتباط با جامعه‌ی ملل بوده است. «جامعه‌ی ملل که اولین جامعه‌ی فدرالیسم جهانی بود، در ماده‌ی ۲۴ میثاق، همکاری نزدیکی را میان جامعه و سازمان‌های غیر دولتی در قالب «دفاتر تحت نظارت جامعه» پیش‌بینی نموده بود. این مسأله تا سال ۱۹۲۳ م ادامه داشته است.» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۷).

در این سال شورای جامعه‌ی ملل اعلام کرد که ماده‌ی ۲۴ میثاق، شامل حال سازمان‌ها نمی‌شود؛ و بدین صورت مبانی تئوریک رابطه میان سازمان‌های غیر دولتی و جامعه‌ی ملل ظاهراً از میان رفت، اما در عمل، این ارتباط همچنان باقی بود و سازمان‌های غیر دولتی دائماً با کمیسیون مشورتی حمایت از کودکان و جوانان دفتر، در ارتباط بودند و با پناهندگان مؤسسه‌ی بین‌المللی، همکاری فکری و معنوی فعالی داشتند.

«پس از انحلال جامعه‌ی ملل در ۲۱ آوریل ۱۹۴۶، و جایگزین شدن سازمان ملل متحد، وضع‌کنندگان سند مؤسس سازمان ملل متحد، تحت فشار این نهادها به این نتیجه رسیدند که سند مؤسس سازمان باید مبنای تئوریکی را برای همکاری با سازمان‌ها و سازمان ملل متحد، تبیین و پیش‌بینی کند.» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۲-۷۴).

مجمع عمومی سازمان ملل، با تصویب قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۴۴ در فوریه ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی، در پی تشکیل یک کمیته‌ی کارشناسی جهت طبقه‌بندی این نهادها بود و لذا اعطای مقام مشورتی به آن‌ها را بعد از تعیین شرایط یازده‌گانه، طی قطع‌نامه‌ی شماره ۱۷ XL ۱۲۹۶ مورخه‌ی ۲۳ مه ۱۹۶۸ به تصویب

شورای اقتصادی و اجتماعی رسید. بر همین اساس، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به هنگام بررسی موضوع برقراری روابط مشورتی با یک سازمان غیر دولتی، با توجه به ماهیت و حوزه فعالیت‌ها و کمک‌هایی که سازمان مذکور می‌تواند به شورا یا ارگان‌های تابعه ارائه کند، این سازمان‌ها را به سه دسته‌ی: گروه یک، گروه دو، و گروه راستر^۱ طبقه‌بندی می‌کند.

۴-۱ - گروه یک

«گروه یک»، سازمان‌هایی هستند که عمدتاً فعالیت آن‌ها با فعالیت‌های شورای اقتصادی و اجتماعی هماهنگی دارد، و نشان داده‌اند که می‌توانند کمک‌هایی مؤثر جهت حصول به اهداف سازمان ملل انجام دهند؛ و نیز در جلسات اقتصادی و اجتماعی ملّت‌های مناطقی که حکم نمایندگی آن‌ها را به عهده دارند، سهیم هستند.

این دسته در حال حاضر، کم‌ترین عضویت را در شورای اقتصادی و اجتماعی و ارگان‌های تابعه‌ی سازمان ملل دارند و دارای حقوق و امتیازات ویژه‌ای هستند. این گروه، حق شرکت در جلسات شورا و ارگان‌های تابعه را دارند و چنانچه پیشنهادهایی در مورد گنجاندن ماده‌ای در پیش‌نویس دستور کار داشته باشند، می‌توانند از طریق کمیته‌ی سازمان‌های غیر دولتی شورای اقتصادی و اجتماعی، آن را ارائه کنند.

از جمله سازمان‌هایی که در این گروه جای دارند، می‌توان از اتحادیه‌ی بین‌الملل زنان کنوانسیون بین‌المللی اتحادیه‌ی آزادی کارگری، اتحادیه‌ی جهان مسلمین، فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ، و هلال احمر و... می‌توان نام برد.

۴-۲ - گروه دو

این گروه، شامل سازمان‌ها و مؤسساتی است که دارای مسئولیت‌ها و صلاحیت‌های محدود می‌باشند و فقط می‌توانند در محدوده‌ی موضوعات مرتبط با وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی، فعالیت و اظهارنظر کنند.

^۱ . Rosters.

سازمان‌های شامل این گروه که در جلسات علنی شورا شرکت می‌کنند، نظریات کتبی و شفاهی خود را درباره‌ی موضوعات مرتبط و در حیطه‌ی صلاحیت‌شان را به شورا تقدیم می‌دارند. سازمان‌هایی هم‌چون: سازمان عفو بین‌المللی، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر، گروه حقوق اقلیت‌ها و... عضو این گروه هستند.

سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی حقوق بشر، به لحاظ مقام مشورتی، موقعیت ویژه‌ای نزد سازمان ملل دارند؛ و به عنوان مثال، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل و کمیسیون فرعی آن، در باب مسائلی چون جلوگیری از جرم و جنایت و حمایت از اقلیت‌ها، با سازمان بین‌المللی کار و سازمان علمی و فرهنگی و آموزش ملل متحد (یونسکو) تماس و ارتباط مستقیم دارند.

سازمان‌هایی که بر اساس تقسیم‌بندی، در گروه دوم، دارای مقام مشورتی هستند و در زمینه‌ی حقوق بشر فعالیت می‌کنند، باید دیدی بین‌المللی و کلی و جهان‌شمول داشته باشند، نه این که منافع گروه یا کشوری خاص را دنبال کنند.

۳-۴- گروه راستر

گروه «راستر»، شامل سازمان‌هایی است که مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی ندارند، اما به تشخیص شورای اقتصادی و اجتماعی یا دبیر کل سازمان ملل، در مواردی به صورت مقطعی، طرف مشورت قرار می‌گیرند تا اطلاعات و تجربیات ارزشمند خود را در اختیار بگذارند.

«جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در گروه‌های پیش‌گفته، همیشگی نیست، و شورای اقتصادی و اجتماعی، همه‌ساله وضعیت آن‌ها را از حیث جای‌گیری در یکی از گروه‌های سه‌گانه، مورد بررسی و تجدید نظر قرار می‌دهد.» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۷-۸۰).

این سازمان‌ها برای حفظ جایگاه خود، لازم است، ضمن فعالیت مؤثر در فعالیت‌های شورای اقتصادی و اجتماعی، به اصول و معیارهای معین‌شده پایبند باشند؛ و چنان‌چه کمک‌هایی مخفی از دولت‌ها یا دولتی خاص جهت اعمال نفوذ در امری دریافت کنند؛ یا اعمالی بر خلاف مقاصد و اهداف مندرج در منشور سازمان از

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۷۷

آنان سر بزند؛ یا از موقعیت خود سوء استفاده کنند؛ یا سه سال پی‌درپی نتوانند کمک مؤثری ارائه دهند، مقام مشورتی آنان به حالت تعلیق درمی‌آید.

شرایطی که یک سازمان غیر دولتی برای احراز مقام مشورتی باید دارا باشد، بر اساس قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۷XL-۱۲۹۷ شورای اقتصادی و اجتماعی، به مورخه‌ی ۲۳ مه ۱۹۶۸، عبارت‌اند از:

- سازمان غیر دولتی باید با موضوعاتی هم‌چون: امور اقتصادی، فرهنگی، آموزش، بهداشتی، علمی، فنی و حقوق بشر که در صلاحیت این شورا است، سروکار داشته باشد؛

- سازمان مذکور باید از کار سازمان ملل حمایت کرده، و در چارچوب اهداف خود، و ماهیت و حوزه‌ی فعالیت‌هایش در جهت افزایش دانش عمومی، از اصول و فعالیت‌های سازمان تبعیت نماید؛

- اهداف سازمان باید با اهداف و اصول مندرج در منشور سازمان ملل متحد منطبق باشد؛

- سازمان، باید ویژگی «نماینده‌بودن» را داشته باشد و از منزلت بین‌المللی شناخته شده‌ای برخوردار باشد و گستره‌ی فعالیتش، تعداد قابل توجهی از کشورهای منطقه را شامل شود؛

- سازمان باید مقرر، و مسئول اجرایی مشخصی داشته باشد، و اساس‌نامه‌اش به طور دموکراتیک به تصویب رسیده، و یک نسخه از آن، به دبیر کل سازمان ملل سپرده شده باشد؛

- نمایندگان صلاحیت‌دار سازمان غیر دولتی، باید اختیار داشته باشند تا به نمایندگی از اعضای خود صحبت کنند؛

- سازمان، باید ساختاری بین‌المللی داشته باشد و اعضای آن در خصوص اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات سازمان، از حق رای برخوردار باشند؛

- هزینه‌ی اصلی سازمان بین‌المللی غیر دولتی، باید در درجه‌ی اول از طریق کمک‌های مالی وابستگان به سازمان، یا از سوی اعضا تأمین شود؛

- سازمان‌های ملی باید به طور معمول، نظرات خود را از طریق سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که به آن‌ها تعلق دارند، ابراز کنند (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۴-۷۷). «قطع‌نامه‌ی ذکر شده پس از سه سال گفت‌وگو در ماه جولای ۱۹۹۶ شورای اقتصادی و اجتماعی ترتیبات و مقررات مشاوره با سازمان‌های غیردولتی را مورد بازنگری قرار داد که از نتایج آن، صدور قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۹۹۶/۳۱ بود که اصلاحاتی را در مقررات فوق به عمل آورد»^۱؛ که استاندارد کردن مقررات مربوط به استوارنامه‌ی سازمان‌های غیردولتی برای کنفرانس‌های سازمان ملل، و تسهیل روند پذیرش درخواست مقام مشاوره‌ای سازمان‌های غیردولتی در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل، از آن جمله است.

«هم‌چنین تصمیم گرفته شد که سازمان‌های غیردولتی‌ای که در سطح ملی فعالیت می‌کنند، می‌توانند درخواست پیوستن به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل را بنمایند.» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۹-۹۰).

امروزه نیز در همان سه سطح ذکر شده؛ یعنی در وضعیت موارد عمومی، موارد خاص و منتظر به خدمت، به مقام مشاوره‌ای انتخاب می‌شوند.

«در حال حاضر، ۵۸۰ سازمان غیردولتی با صندوق کودکان سازمان ملل، ۲۵ تا ۳۰ نهاد با صندوق جمعیت ملل متحد، ۵۴ نهاد با سازمان دریانوردی، ۱۹۰۱ نهاد با سازمان خوار و بار کشاورزی، ۱۸۰ نهاد با سازمان بهداشت جهانی، ۱۰۰ نهاد با سازمان و توسعه‌ی صنعتی، و ۲۶ نهاد با بانک جهانی، همکاری دارند. و کار به همین جا ختم نمی‌شود؛ چرا که بر حسب نیاز، سازمان‌های غیردولتی به عنوان «منتظر به خدمت» در راستای اهداف سازمان ملل به خدمت گرفته می‌شوند و یا در کمیته‌های اجرایی و عمومی بعضی از سازمان‌های زیر مجموعه شورای اقتصادی، اجتماعی شرکت می‌جویند.» (سازمان ملل متحد، گزارش دبیر کل سابق سازمان ملل، سند شماره: ۸/۵۳/۱۷ جولای ۹۸).

^۱ - <http://www.un.org.mor.info/ngolik/brochar>.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۷۹

این سازمان‌ها با ارائه‌ی پیش‌بینی‌ها و تفسیرهای تخصصی در امور اجتماعی، به عنوان مکانیسم‌های هشدار دهنده، کمک شایان توجهی به اجرای توافق‌نامه‌های بین‌المللی می‌نمایند.

«بر اساس اهداف و حوزه‌ی صلاحیت آن‌ها، بیش از ۱۵۰۰ سازمان غیر دولتی با برنامه‌های اطلاعاتی مربوط به سازمان ملل، با اداره‌ی اطلاعات عمومی سازمان ملل در ارتباط می‌باشند.»

اداره‌ی اطلاعات عمومی سازمان ملل، در سال ۱۹۶۴ تأسیس گردیده است. مجمع عمومی سازمان، در قطع‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۳/۱، اداره‌ی اطلاعات عمومی و کلیه‌ی شعبه‌های آن را مؤظف کرد که با کلیه‌ی سرویس‌های اطلاعاتی ملی، انستیتوهای آموزشی و سایر سازمان‌های دولتی و غیر دولتی دنیا در انتشارات اطلاعات مربوط به سازمان ملل متحد، همکاری و هم‌یاری داشته باشد. سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، می‌توانند عضو اطلاعات عمومی سازمان ملل باشند، مشروط به این‌که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

- ۱- در بر آوردن آرمان‌های منشور ملل متحد سهیم باشند؛
- ۲- فعالیت‌های این سازمان بر اساس جلب منفعت و سودپرستی نباشد؛
- ۳- توانایی و علاقه‌ی خود را به انجام امور مربوط به سازمان ملل، همانند: فرهنگ، آموزش و پرورش، مطبوعات و ... به اثبات برسانند؛
- ۴- با چاپ و انتشار نوشته‌های خبری، بولتن، رساله، سازمان‌دهی کنفرانس، سمینار، میزگرد، و جلب هم‌کاری رسانه‌ها، تعهد خود را به اطلاع‌رسانی در مورد فعالیت‌های سازمان ملل نشان دهند.^۱

تعدادی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل به خاطر طبیعت فعالیت‌های خود، روابط بسیار ویژه‌ای را با سازمان‌های غیر دولتی ایجاد نموده‌اند؛ به عنوان مثال، بیشترین توجه به مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در فعالیت‌های سازمان ملل را می‌توان در برنامه‌ی مشترک سازمان ملل در خصوص مشکل ویروس «اچ. ای»

^۱ . <http://wikipedia.Org/un/org.MoreinFo/NgO/pdf>.

آی. وی» و بیماری ایدز مشاهده نمود که در آن نمایندگان سازمان‌ها مشارکت تمام و کمال و فراتر از نظارت صرف را دارا می‌باشند.

بنابراین، و در مجموع، مشاهده می‌شود که طی دهه‌ی گذشته، ترتیبات مربوط به مشورت سازمان‌های غیر دولتی مورد تجدیدنظر قرار گرفته، تکامل یافته و در طول تمامی سیستم سازمان ملل گسترش یافته است؛ امری که به سازمان‌های غیر دولتی این اجازه را داده است تا از راه‌های خاص، توسعه و عمران بین‌المللی و همچنین مباحث سیاسی بین‌المللی را شکل داده، و بر آن تأثیرگذار باشند.

سازمان‌های غیر دولتی، اطلاعات و دانستنی‌های بسیاری را به روند تصمیم‌گیری در سازمان ملل افزوده‌اند. آنان مسائل و مواردی را برای اولین بار عنوان نموده‌اند که بعدها منشأ مباحث مهمی در سازمان ملل گردیده است و توصیه‌های تخصصی بسیاری را در حیطه‌های کاری خود که در آن، بازیگر اصلی بوده‌اند، ارائه داده‌اند؛ و در نهایت، سازمان‌های غیر دولتی به گسترش روند ایجاد اجماع در بسیاری از حیطه‌هایی که باعث تعهد تمامی بازیگران در سطح جهانی شود، کمک شایانی نموده‌اند.

شورای اقتصادی و اجتماعی، در دومین نتیجه‌ی بازنگری ۱۹۶۹، طی تصمیم شماره‌ی ۱۹۹۶/۲۹۷، به مجمع عمومی سازمان ملل توصیه نمود که، در پنجاهویکمین نشست خود، با توجه به تجارب به‌دست آمده از مشورت‌های بین شورای اقتصادی، اجتماعی و سازمان‌های غیر دولتی، درخواست مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در تمام امور سازمان ملل متحد را در میان اعضا مطرح نماید. سپس در یکی از کارگروه‌های مجمع عمومی سازمان ملل، که هدف آن تقویت سیستم سازمان بود، یک گروه فرعی ویژه‌ی سازمان‌های غیر دولتی شکل گرفت. در حال حاضر، این گروه فرعی موضوع نهادها را در برابر مجمع عمومی در دستور کار خود قرار داده، و هنوز هم بررسی موارد مطالعاتی در این خصوص ادامه دارد.

۵- جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی خارج از نوع ارتباط با سازمان ملل

این سازمان‌ها با توجه به موضوعات مورد علاقه‌ی خود، حتی اگر در مقام مشورتی با ارگان‌های شورای اقتصادی و اجتماعی نیز نباشند، باز در سطح بین‌المللی

نقش‌آفرینی می‌کنند؛ از گردهمایی‌های مخالفت‌آمیز گرفته تا گردهمایی‌های موافقت‌آمیز.

در عرصه‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی با فعالیت‌های خود و بسیج افکار عمومی، دولت‌ها و یا شرکت‌های چندملیتی را وادار می‌کنند که به خواسته‌ها و نیازهای مردم توجه کنند؛ به عبارت دیگر، باید گفت: سازمان‌های غیردولتی که در روند تحولات جهان در تغییر و تحول هستند، در واقع از انتظارات نیازهای شهروندان جهانی نیز می‌باشند.

در این خصوص ذکر چند مثال لازم می‌آید: «۶۹ سازمان غیردولتی، درست همانند رؤسای شرکت‌ها، دولت و وزیران در گفت‌وگوی اجلاس داووس شرکت کردند»؛ و یا «سازمان پزشکان بدون مرز، که جایزه‌ی صلح نوبل ۱۹۹۹ را دریافت کرد، در جریان کشتار در بوسنی و قوم‌کشی در رواندا سریع‌تر از هر نهاد دیگری مسئولین سیاسی را که از کمک‌های بشر دوستانه برای توجیه سیاست به حال خود رها کردن استفاده ابزاری می‌بردند محکوم کرد» (کاظم‌پور، ۱۳۷۹: ۲۱). و یا «و یا مخالفت کردن با موافقت‌نامه‌ی چندجانبه بر سرمایه‌گذاری، در سال ۱۹۹۸ در سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی که پشت درهای بسته دنبال می‌شد، و نهایتاً به توقف آن انجامید.» (نیرومندراد: ۵).

نمونه‌های زیادی در دست است که سازمان‌های غیردولتی از دو طریق؛ یعنی: افشاگری در راستای آگاهانیدن و بیدار کردن افکار عمومی، و مذاکره آن‌چه را که به زیان جامعه و محیط‌زیست بشری می‌باشد، توقف و یا تعدیل طرح‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

فعالیت گسترده‌ی این سازمان‌ها و تعداد کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی‌ای که توسط این سازمان‌ها برپا می‌شود، نمونه‌ی بارز و خوبی برای روشن کردن جایگاه آن‌ها در روابط بین‌الملل و سیاست بین‌الملل است و نشان می‌دهد که تعداد این قبیل مجامع به سرعت در حال افزایش است. مقایسه‌ی آماری کنگره‌های برگزار شده، تصویر واضحی از گسترش اعجاب‌انگیز سازمان‌های غیردولتی را نشان می‌دهد؛ چنان‌که به عنوان نمونه، تنها در باره‌ی موضوع مرتبط با حمل‌ونقل و ارتباطات، در سال ۱۸۵۰، ۱؛ در

۱۸۶۰، ۵؛ در ۱۸۸۰، ۲۰؛ در ۱۹۱۲، ۱۸۰؛ در ۱۹۲۲، ۳۰۴؛ و در ۱۹۵۲، ۱۲۵ کنگره برگزار شده است. (پی‌پرژربه، ۱۳۵۱ هـ.ش: ۹۷).

و در بسیاری موارد، این سازمان‌ها پیشگام در موضوعاتی بودند که بعدها، دستور کار دولت‌ها و یا سازمان‌های بین‌المللی عمومی شده است.

از لحاظ رشد آماری، نیز سازمان‌های غیر دولتی از اهمیت خوبی برخوردار می‌باشند؛ به صورتی که در اوایل قرن بیستم ۲۰۳ سازمان وجود داشته، که در طی یک قرن، یعنی اواخر دهه‌ی ۹۰ به بیش از شانزده هزار رسیده‌اند.

و این، به عبارت ساده‌تر؛ یعنی، رشد عقلانی نیروهای انسانی و تلاش آن‌ها برای قبول مسئولیت در راستای اهداف صلح‌آمیز، و مشارکت در مدیریت جهان.

با توجه به مطالب گذشته در کل بخش دوم می‌توان گفت:

اولاً: اندیشه‌ی صلح‌خواهی و نزدیک‌شدن جوامع انسانی به واسطه‌ی فزونی وسایل ارتباط جمعی، دهشتناک‌شدن جنگ‌ها و گسترش فناوری نظامی، وجود سازمان‌های بین‌المللی را چه در سطح دولت و چه در سطح غیر دولتی، ضرورت تام بخشیده است.

از آن‌جا که دولت‌ها در پی کسب منافع خود بودند، و یا ملاحظات فشارهای داخلی را می‌کردند، در بعضی از حوزه‌ها وارد نمی‌شدند؛ لذا سازمان‌های غیر دولتی و اندیشه‌ی کمک به نوع انسان، ضرورت لازم را برای ورود به آن حوزه‌ها ایجاد کردند؛ چرا که این سازمان‌ها در اغلب پنج ۱۹۵۴ یک هزار و هشتاد و چهار ذکر کرده است ولی این اختلاف از اهمیت و جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در سیاست و روابط بین‌الملل نمی‌کاهد.

به هر حال، مسأله‌ی تحول در نقش بازیگران بین‌الملل، امروزه یک تعارف نیست، بلکه بازیگران دیگری که قبلاً نقش کمتری داشتند، به میدان آمده‌اند و نقش‌آفرینی می‌کنند.

«در بعضی از مراحل، نقش غیر دولتی‌ها به قدری مهم می‌شود که بحث‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها در سند نهایی کنفرانس‌ها معمولاً انعکاس و بازتاب می‌یابد. به دلیل اهمیت سازمان‌های غیر دولتی دانشگاه‌ها وارد حدود چهار سال پیش مرکزی

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۸۳

را به نام مرکز اطلاعات سازمان‌های غیر دولتی به وجود آورد و این نشان می‌دهد که امروزه سازمان‌های غیر دولتی از اهمیت خاصی برخوردار شده‌اند، و در عوض دولت – ملت‌ها روزبه‌روز حاکمیت خود را داوطلبانه یا بعضاً ناگزیر به سازمان‌های بین‌المللی واگذار می‌کنند.» (سجادپور (سخنرانی)، ۱۳۸۰/۱/۱۷).

این سؤال که: سازمان‌های غیر دولتی از چه میزان قدرت برخوردار هستند، مشخصاً مورد مناقشه است، اما «وجود و گسترش این سازمان‌ها در ارزش و کارایی چنین سازمان‌هایی برای بنیان‌گذاران آن‌ها جای هیچ‌گونه شکی باقی نمی‌گذارد.

ثانیاً، به رغم گسترش و برعهده‌گرفتن مسئولیت، باز این سازمان‌ها با موانعی چون شخصیت حقوقی و مالی مواجه هستند. با این‌همه به نظر می‌رسد با توجه به روند گسترش این سازمان‌ها و مخالفت دولت‌ها با آن‌ها، و متعاقباً فشار لازم از طرف افکار عمومی در طی سال‌های اخیر و پیدایش مسائل جدید اجتماعی و زیست‌محیطی و تخصص‌هایی که این سازمان‌ها دارند، راه برای حل مشکلات و موانع این سازمان‌ها باز می‌شود.

ثالثاً، از دو جنبه این سازمان‌ها دارای اهمیت می‌باشند و در نظام و روابط بین‌المللی مؤثر هستند؛ یکی از این جهت که به صورت و مهارت‌های تخصصی در مقام مشورتی با سازمان ملل متحد همکاری دارند، و در راستای اصول منشور حرکت می‌کنند؛ و دوم از این نظر که این سازمان‌ها به افکار عمومی و اقشار پایین‌دست جامعه بیشتر نزدیک هستند و می‌توانند اثرات ماندگاری در افکار جهانی بر جای بگذارند.

۶- نقش سازمان ملل متحد در عمل انسان‌دوستانه

سازمان ملل متحد (سازمان ملل) سازمانی جهانی، بین‌دولتی، و با نمایندگی از هر کشوری در جهان است. یکی از نقش‌های کلیدی آن، دستیابی به همکاری‌های بین‌المللی در حل و فصل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است. سازمان ملل متحد، در شرایط فاجعه‌بار جهانی، به اشکال زیر می‌تواند عمل کند:

– ارائه‌ی کمک‌های انسان‌دوستانه و هماهنگ؛

– محافظت و حمایت از این تحت تأثیر فاجعه؛

- حمایت و کمک به پناهندگان؛

کلیدهای سازمان انسان‌دوستانه سازمان ملل متحد

هشداردهنده زود هنگام ارائه‌ی غذا از بحران قریب‌الوقوع، و ارزیابی مشکلات غذایی در جهان فراهم کند.

انتقال پناهندگان، آوارگان داخلی و دیگر افراد نیازمند به خدمات مهاجرت داخلی یا بین‌المللی.

دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور انسان‌دوستانه و مختصات پاسخ بشردوستانه بین‌المللی در همکاری با آژانس بین‌کمیتة دائمی^۱

کمک و ارائه‌ی مشاوره به دولت‌ها و بازیگران دیگر در مورد مسائل حقوق بشر، مجموعه استانداردها و نظارت بر موارد نقض حقوق بشر است.

^۱ . IASC.

فصل پنجم:

آشنایی با نهضت و فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و نقش آن در جهانی‌شدن و اقدامات بشردوستانه

۱- آشنایی با نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال‌احمر^۱

وقتی سخن از اقدامات بشردوستانه در سطح ملی و بین‌المللی، علی‌الخصوص مؤسسات غیر دولتی بین‌المللی به میان می‌آید که به عنوان حامی تسکین‌دهنده‌ی آلام بشری پس از حوادث و جنگ‌ها عمل می‌کنند، ذهن انسان، ناخودآگاه بر صلیب سرخ و هلال‌احمر متمرکز می‌شود.

نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال‌احمر بدون ذکر نام «هانری دونان» بی‌معنا خواهد بود. هانری دونان، یک شهروند گمنام سوئیسی بود که با دایرکردن شرکت کوچکی به کار تجاری اشتغال داشت.

جنگی که در سال ۱۹۶۳ در ایتالیا در جریان بود و پیامدهای انسانی ناخوشایندی به همراه داشت، این شهروند سوئیسی را تحت تأثیر آثار دهشتناک خود قرار داد؛ هزاران مجروح جنگی در میدان نبرد به حال خود رها شده بودند و به دلیل اهمال و اهمیت ندادن به آن‌ها جان خود را از دست می‌دادند. مضافاً این‌که عوامل دیگری چون: بیماری، تشنگی، گرسنگی و تجمع حیوانات موذی بر درد آن‌ها می‌افزود. این مسائل، و مسائل عدیده‌ی دیگر، هانری دونان را به سمت کمک به آن‌ها و درمان

^۱ . با پیوستن دولت عثمانی به جمعیت‌های صلیب سرخ به سال ۱۸۷۶ این دولت علامت جمعیت خود را معکوس پرچم خود یعنی هلال‌سرخ در زمینه سفید انتخاب کرد که از آن به بعد اکثر کشورهای اسلامی این علامت را نشان جمعیت خود انتخاب کردند.

افرادی که در حال جان دادن بودند، کشاند. او هم‌چنین داوطلبان محلی را برای رسیدگی به این مجروحان بسیج کرد و از این که قبل از جنگ فکری برای رسیدگی به آن‌ها نشده بود، متعجب بود؛ و معتقد بود که اگر گروهی از داوطلبان آموزش ببینند، می‌توانند جان هزاران سرباز را نجات دهند.

دونان، خاطرات خود را از جنگ، در کتابی تحت عنوان «خاطرات سولفورینو» گردآوری، و بدون هیچ ملاحظه‌ای زوایای هراس‌انگیز و پنهان جنگ را به تصویر کشید و توانست افکار عمومی را متوجه آثار غیرقابل اغماض جنگ کند.

مهم‌ترین پرسشی که او مطرح می‌کرد این بود که: آیا راهی برای تشکیل کمیته‌های امدادرسانی در طول دوران صلح و آرامش وجود ندارد؟ کمیته‌هایی که هدفشان کمک به مجروحان در زمان جنگ باشد تا بتوانند با کمک داوطلبانه با احساس فداکاری و شایسته از زخمی‌های جنگ مراقبت کنند. فعالیت‌های هانری دونان، در زمینه‌ی کمک نوع‌دوستانه و انتشار کتاب، خود زمینه‌ساز حرکتی بود که جهانیان را به اندیشه وادار کرد تا پایه‌های بزرگ‌ترین سازمان بشردوستانه را پی‌ریزی کنند.

«دونان، معتقد بود که گروهی از داوطلبان شجاع، فداکار و آموزش‌دیده می‌توانند از رنج‌های میدان جنگ بکاهند؛ از دفن شدن زخمی‌ها همراه کشته‌شدگان جلوگیری کنند؛ و کمک‌های عدیده‌ی دیگری در میدان جنگ یا پس از آن برای قربانیان یا به بازماندگان جنگ انجام دهند.» (یحیی‌پور، ۱۳۸۶: ۶).

این آغازی بود که توجه هوشیاران را به خود جلب کرد. از جمله افراد دیگری که در این راه، هانری دونان را یاری دادند، «فلورانس ناپتینگل» بود که تحت تأثیر کتاب خاطرات سولفورینو، مسائل جدید و پیش‌گیرانه‌ای را مطرح کرد و توجه دونان را به تأسیس سازمانی در این خصوص معطوف داشت تا در دوران صلح و جنگ فعال و مؤثر باشد.

خدمات دونان، توجه سران وقت کشورهای اروپایی را جلب کرد. پیدایش صلیب سرخ در ۲۳ اکتبر ۱۸۶۳ در گردهمایی‌ای که ۳۱ نماینده از سوی ۱۶ دولت در آن شرکت کردند، و شگفتی هانری دونان را برانگیخت، آغاز شد؛ و همین کنفرانس

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۸۷

برای قدردانی از دونان، علامت صلیب سرخ در زمینه‌ی سفید را که بازگونه‌ی پرچم سوئیس می‌باشد، به عنوان علامت رسمی این حرکت به رسمیت شناخت.

در هشتم آگوست ۱۸۶۴م، کنفرانس دیپلماتیکی برگزار شد که ۲۴ نماینده از ۱۶ کشور در آن حضور یافتند. این کنفرانس، اتفاقی بی‌سابقه و بی‌نظیر بود.

روز ۲۲ آگوست همان سال، پس از بحث‌های فراوان، دوازده دولت، اولین توافق‌نامه‌ی ۱۰ ماده‌ای ژنو را به تصویب رساندند. در این سند ۱۰ ماده‌ی بر تأمین امنیت و بی‌طرفی خودروهای آمبولانس، بیمارستان‌ها و کادر پزشکی و تجهیزات آن‌ها و همچنین ساکنان محلی‌ای که به مجروحان کمک می‌کنند و نیز به سربازان زخمی دشمن، تأکید شده است.

بر اساس این سند، کسانی که سربازان زخمی دشمن را بازداشت کنند، باید آن‌ها را معالجه کنند. این توافق‌نامه، ارتش‌ها را ملزم به جست‌وجوی زخمی‌ها و جمع‌آوری آن‌ها می‌کند و علامت صلیب سرخ نیز در این سند به رسمیت شناخته شد.

در پایان سال ۱۸۶۴، ۱۰ دولت آن را پذیرفتند و این تعداد در پایان سال ۱۸۷۶ به ۲۱ دولت رسید.

در سال ۱۹۰۱ سازمان‌های رسمی در سراسر جهان به اهمیت فعالیت‌ها و نتایج تلاش و افکار هانری دونان اعتراف کردند و کمیته‌ی جایزه‌ی نوبل، جایزه‌ی صلح نوبل را به «دونانفریدریک باسی» که دونان، بسیار به وی احترام می‌گذاشت، اهدا کرد.

هانری دونان در سال‌های آخر عمر، به مسائل جدید پرداخت؛ مسائلی که زوایای دیگری از زندگی مشقت‌بار انسان عصر انقلاب صنعتی را هم‌چون: فقر و شرایط کاری؛ سوء استفاده از کودکان و... روشن می‌کرد.

دونان در سال ۱۹۱۰، در سن ۸۱ سالگی چشم از جهان فرو بست ولی افکار وی و اندیشه‌های او فرا راه آینده بود.

تا سال ۱۹۱۰، تعداد ۵۷ کشور جهان، توافق‌نامه‌ی ژنو را امضا کردند و در بیش از ۴۰ کشور، جمعیت ملی صلیب سرخ یا هلال احمر تأسیس شد.

پس از گذشت ۱۳۹ سال، امروز در ۱۷۸ کشور جهان، جمعیت صلیب سرخ یا هلال‌احمر فعالیت می‌کند و هیچ توافق‌نامه یا سازمان بشردوستانه‌ی دیگری در تاریخ جهان وجود ندارد که این تعداد از کشورها آن را پذیرفته، یا در آن عضویت داشته‌باشند. گرچه در مرحله‌ی اول تأسیس، هدف مجروحان جنگ بود، ولی امروزه هدف بشردوستانه در زمان صلح و جنگ می‌باشد و حدود ۱۰۰ میلیون نفر داوطلب زن و مرد، پیر و جوان با باورهای مختلف دینی، سیاسی و فرهنگ‌ها و نژادهای گوناگون با اعتماد به اصول بنیادین، در این نهضت عضویت دارند.

چهار سال بعد از مرگ دونان شعله‌های جنگ جهانی دوم شروع به زبانه‌کشیدن کرد. هرچند این جنگ، قابل مقایسه با جنگ سلفورینو نبود، ولی اندیشه‌های لازم برای مجروحان شده بود. با پایان جنگ، صلیب سرخ به تسکین رنج و سختی‌های مردم که پیامد اتفاق‌های دیگری هم‌چون: قحطی و زلزله و... بود، همت گماشت و در این راستا در سال ۱۹۱۹ اتحادیه‌ی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر برای تشویق و نظم بخشیدن به فعالیت‌های دوران صلح تأسیس شد.

امروز نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال‌احمر، از جمعیت‌های ملی هلال‌احمر و صلیب سرخ کشورهای مختلف، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر تشکیل شده است؛ و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، اولین رکن و نقطه‌ی شروع نهضت قلمداد می‌شود.

کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر که هر چهار سال یک‌بار برگزار می‌گردد، بالاترین شورای تصمیم‌گیری نهضت است و اعضای شرکت‌کننده در آن، عبارت‌اند از: نمایندگی کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر، جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر، و دولت‌های امضاکننده‌ی کنواسیون‌های چهارگانه ژنو. در این کنفرانس، کمیته و فدراسیون هر کدام یک رأی دارند و هر یک از جمعیت‌های ملی و دولت‌ها نیز دارای یک رأی مستقل می‌باشند.

۲- اهداف و وظایف نهضت

در بیست‌وپنجمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر در سال ۱۹۸۶، اساس‌نامه‌ی این نهضت در شهر ژنو مورد تجدیدنظر و تصویب قرار گرفت. در این اساس‌نامه، اهداف، وظایف و نحوه‌ی ارتباط هر یک از سازمان‌های تشکیل‌دهنده‌ی نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر با یک‌دیگر مشخص شده است. این اساس‌نامه، هم‌چنین سه رکن اساسی نهضت؛ یعنی، کنفرانس بین‌المللی، شورای نمایندگان، و کمیسیون دائمی را معرفی کرده است.

در مقدمه‌ی اساس‌نامه، به اهداف و رسالت این نهضت، چنین اشاره شده است که: «کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر اعلام می‌دارد؛ که جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، و اتحادیه‌ی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال‌احمر، در مجموع یک نهضت جهانی بشردوستانه را تشکیل می‌دهند که رسالت آن عبارت است از: جلوگیری و کاهش آلام بشری در سراسر دنیا؛ حفاظت از حیات و بهداشت؛ تضمین احترام انسانی به‌ویژه هنگام جنگ و دیگر مواقع اضطراری؛ تلاش برای از بین‌بردن بیماری‌ها و اشاعه‌ی بهداشت و رفاه اجتماعی؛ تشویق اعضا به انجام خدمات داوطلبانه و آمادگی دائمی جهت ارائه‌ی کمک؛ و ایجاد روحیه‌ی هم‌بستگی جهانی نسبت به تمام افرادی که احتیاج به کمک و حمایت دارند.

نهضت، اعلام می‌دارد که با انجام کار بشردوستانه و اشاعه‌ی آرمان‌های خود، به گسترش صلح پایدار کمک می‌کند؛ صلحی که صرفاً به مفهوم فقدان جنگ نیست بلکه عبارت است از یک روند پویای هم‌کاری میان دولت‌ها و ملت‌ها و مبتنی بر احترام به آزادی، استقلال و حق حاکمیت ملی، برابری، حقوق بشر و توزیع برابر و عادلانه‌ی منافع به منظور رفع نیازهای انسانی.

نهضت در اجرای رسالت خود به اصول اساسی زیر پایبند می‌باشد:

۲-۱ - بشر دوستی

در محدوده‌ی وظایف ملی و بین‌المللی خود، آلام انسان‌ها را در هر جای دنیا التیام بخشد و یا کاهش دهد.

۲-۲- بی‌غرضی

نهیضت، هیچ‌گونه تبعیضی نسبت به ملیت، نژاد، عقاید مذهبی، طبقاتی و سیاسی قائل نمی‌شود و تمام همتش معطوف به تخفیف آلام بشری است.

۲-۳- بی‌طرفی

نهیضت به منظور جلب اطمینان همگان، در مناقشات بین طرف‌های دیگر بی‌طرف می‌باشد.

۲-۴- عدم وابستگی

نهیضت، مستقل است؛ به عبارتی، نهیضت به هیچ گروه و یا دولتی وابسته نیست. جمعیت‌های ملی در عین حال که به عنوان سازمان‌های کمکی، دولت خود را در ارائه خدمات بشردوستانه یاری می‌دهند و تابع قوانین کشور متبوع خود هستند، همیشه باید استقلال خویش را حفظ نمایند تا همواره بتوانند بر طبق اصول نهیضت عمل کنند.

۲-۵- خدمت داوطلبانه

نهیضت یک جنبش امدادی داوطلبانه بوده، و به هیچ‌وجه مقاصد انتفاعی را دنبال نمی‌کند.

۲-۶- وحدت

در هر کشور فقط یک جمعیت صلیب سرخ و یا هلال‌احمر می‌تواند وجود داشته باشد و همگان بایستی بتوانند بدان دسترسی داشته باشند جمعیت باید وظایف بشردوستانه خود را در سرتاسر کشور متبوع خود به انجام رساند.

۲-۷- جهان‌شمولی

نهیضت، سازمانی جهانی است و تمامی جمعیت‌های ملی، دارای موقعیت‌های مساوی بوده، و در کمک به یک‌دیگر دارای مسئولیت‌ها و وظایف یک‌سان هستند. و شعار معروف نهیضت، یعنی «ارتش خیریه‌ی بین‌المللی»، بر بشر دوستی و صلح، دلالت و تأکید دارد.

این نهیضت بر اساس بند ۲ ماده‌ی یک، اجزای خود را متعهد به حفظ استقلال در محدوده‌ی اساس‌نامه‌ی نهیضت، و همکاری آن‌ها با یک‌دیگر می‌کند.

۳- آشنایی با فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر

۳-۱ تاریخچه

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، اولین جمعیت ملی امدادی در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد. تا سال ۱۹۱۹ تعداد این جمعیت‌ها در سراسر جهان به ۴۵ رسید. از بین این جمعیت‌ها پنج جمعیت صلیب سرخ از کشورهای ایتالیا، ژاپن، فرانسه، انگلستان و آمریکا پیش‌قدم شده، و در تاریخ ۱۹۱۹ پس از پایان جنگ جهانی اول اقدام به تشکیل اتحادیه‌ی جمعیت‌های صلیب سرخ در پاریس نمودند. در سال ۱۹۸۱، نام «اتحادیه» به «فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر» تغییر یافت. فدراسیون، شامل کلیه‌ی جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال احمر در جهان است و مقر آن در ژنو قرار دارد.

۳-۲ اصول و وظایف و اهداف فدراسیون

فدراسیون، بر اساس ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی نهضت فعالیت می‌کند؛ ضمن این‌که در بند یک، برای اتحادیه، اساس‌نامه‌ی خاصی پیش‌بینی شده است و در بند دوم ماده‌ی ۶ آمده است: «اتحادیه، سازمانی بشردوستانه و مستقل می‌باشد که دارای ویژگی‌های دولتی، سیاسی، نژادی و فرقه‌ای نیست.»

و در بند ۳، هدف کلی اتحادیه را «ایجاد، تشویق، تسهیل و گسترش هم‌بستگی کلیه‌ی اقدامات بشردوستانه به‌وسیله‌ی جمعیت‌های ملی به منظور کاهش آلام بشری، در جهت کمک به حفظ گسترش صلح در جهان» بیان شده است. از جمله وظایف سیزده‌گانه‌ای که در بند ۴ ماده‌ی ۶ همین اساس‌نامه به منظور نیل به اهداف کلی در بند ۳ ذکر شده، و بر عهده‌ی فدراسیون نهاده شده است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- تشویق به ایجاد و توسعه‌ی جمعیت ملی مستقل و به رسمیت شناخته شدن آن در هر کشوری.

۲- امدادرسانی به همه‌ی قربانیان سوانح با به کارگیری تمامی امکانات موجود.

۳- هماهنگی و سامان‌دهی امور مرتبط با حفاظ از بهداشت عمومی و گسترش رفاه اجتماعی، با هم‌کاری مقامات ذی‌صلاح و مسئول کشور مربوط.

۴- هماهنگی میان جمعیت‌های ملی در موضوع تبادل نظر در امور آرمان‌های بشردوستانه برای آموزش کودکان و جوانان، و گسترش روابط دوستانه میان جوانان تمامی کشورها جهان.

۵- کمک به جمعیت‌های ملی در انتخاب اعضای خود از میان افراد و اشاعه‌ی اصول و آرمان‌های نهضت.

۶- کمک به کمیته‌ی بین‌المللی در گسترش و توسعه‌ی حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی، و اشاعه‌ی حقوق و اصول سیاسی نهضت میان جمعیت‌های ملی.

۷- ایفای نقش به عنوان نماینده‌ی رسمی جمعیت‌های عضو در صحنه‌ی بین‌المللی، و به‌ویژه رسیدگی به تصمیمات و توصیه‌های اتخاذشده توسط مجمع عمومی و حفاظت از انجام و حمایت از منافع آن‌ها.

۸- اجرای وظایفی که کنفرانس بین‌المللی به عهده‌ی آن گذاشته است (اساس‌نامه‌ی نهضت ...: ۱۹).

اساس‌نامه‌ی نهضت، خطوط کلی فعالیت‌های فدراسیون را معین کرده است؛ هر چند که اساس‌نامه‌ی فدراسیون نیز در ماده‌ی ۱ اصول هفتگانه و در ماده‌ی ۵ همین اساس‌نامه، اهداف و وظایف معین‌شده در اساس‌نامه‌ی نهضت را مورد تأکید و تأیید مجدد قرار داده، و در بند ۵ توسعه‌ی مشارکت کودکان و جوانان در فعالیت‌های صلیب سرخ و در بند ۶ همان ماده تبلیغ اصول اساسی (اصول هفتگانه) صلیب سرخ و هلال‌احمر، حقوق بین‌المللی بشردوستانه در بین مردم به‌ویژه کودکان و جوانان در جهت صلح، احترام متقابل و تفاهم بین تمام انسان‌ها را وجهه‌ی همت خود قرار می‌دهد.

هدف کلی فدراسیون همان‌گونه که رفت عبارت‌اند از: الهام بخشیدن، تشویق و کمک در گسترش اشکال فعالیت‌های بشردوستانه توسط جمعیت‌های ملی به منظور جلوگیری و تسکین آلام بشری؛ تا بدین‌وسیله کمک به حفظ و اشاعه‌ی صلح در جهان کند.

امروزه، ۱۷۸ جمعیت ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر عضو فدراسیون می‌باشند و در تصمیمات آن شریک هستند.

۴- تشکیلات فدراسیون

این فدراسیون برای اداره و رسیدن به اصول و اهداف خود، دارای مجمع عمومی، هیأت مدیره، کمیسیون‌های تخصصی (که در اساس‌نامه مجوز تأسیس آن را دارند)، دبیرخانه و واحدهای دیگر است.

مجمع عمومی فدراسیون، به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری شناخته می‌شود و پارلمان جمعیت‌های ملی را تشکیل می‌دهد که اعضا آن دارای رأی مساوی (یک رأی) هستند و هر دو سال یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد. از جمله وظایف این مجمع، انتخاب رئیس، چهار نائب رئیس و ۲۰ نفر اعضای هیأت مدیره، با در نظر گرفتن تقسیمات جغرافیایی عادلانه برای مدت چهار سال است.

هیأت مدیره، مشابه وظایف هیأت مدیره‌ی شرکت‌ها اقدام می‌کند و همان اختیارات را دارد. کمیسیون‌های تخصصی بجز کمیسیون مالی، برپایه‌ی اساس‌نامه‌ی جدید فدراسیون (مصوبه‌ی ۱۹۹۹)، برحسب نیاز و مقتضیات زمان تشکیل می‌گردند و تعداد و اعضای آن را هیأت مدیره تعیین می‌نماید.

رئیس فدراسیون، بالاترین مقام رسمی فدراسیون است که برای چهار سال توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شود و زیر نظر مجمع عمومی و هیأت مدیره فعالیت می‌کند و مؤظف است، مأموریت‌های محوله از طرف مجمع عمومی و هیأت مدیره را به انجام رساند.

رئیس فدراسیون بجز نظارت عالی بر فعالیت‌های امور دبیرخانه‌ی فدراسیون، سرپرستی جلسات مجمع عمومی و هیأت مدیره را بر عهده دارد و همچنین هماهنگ‌کننده‌ی فعالیت‌های ارکان مختلف فدراسیون است و نمایندگی آن را در مقابل جمعیت‌های ملی، نهادهای نهضت جهانی و سازمان‌های بین‌المللی برعهده دارد.

بالاترین مقام اجرایی فدراسیون را دبیر کل بر عهده دارد که به پیشنهاد هیأت مدیره و انتخاب مجمع عمومی منصوب می‌شود. دبیر مجمع عمومی و هیأت مدیره را بر عهده دارد و تحت نظارت مجمع عمومی، هیأت مدیره و رئیس فعالیت می‌کند. وی اختیار تام

دبیرخانه را دارد، و همچنین ارتباط با جمعیت‌های ملی و نمایندگی فدراسیون نزد سازمان‌های بین‌المللی بر عهده‌ی اوست. دبیرخانه برای انجام امورات خود، از چهار معاونت استفاده می‌کند که هر معاونت واحدهای زیرمجموعه‌ی خود را داراست.

۵- منابع مالی فدراسیون

از دو طریق نیازهای مالی فدراسیون تأمین می‌شود؛ در درجه‌ی اول، حق عضویت سالانه که توسط جمعیت ملی کشورهای عضو پرداخته می‌شود و ۸۰٪ بودجه‌ی جاری فدراسیون را تأمین می‌کند. در درجه‌ی بعد، سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها و بهره‌های بانکی می‌باشد و بودجه‌ی عادی فدراسیون را تأمین می‌کند و برای عملیات امدادی و یا برنامه‌های توسعه‌ی جمعیت‌های ملی از اعتباراتی که بر اساس استمدادهای جداگانه از جمعیت‌های اهداکننده (کمکی) جمع‌آوری می‌شود، تأمین می‌نمایند؛ به عنوان مثال، بودجه‌ی عادی فدراسیون در سال ۱۹۹۹ حدود ۶۴ میلیون فرانک سوئیس بود، در حالی که استمدادهای منتشرشده برای عملیات امداد و برنامه‌های توسعه در همان سال، بالغ بر ۵۷۰ میلیون فرانک سوئیس بود. حق عضویت هر جمعیتی توسط کمیسیون مالی و با تصویب مجمع عمومی، هر دو سال یک‌بار بر اساس معیارهای زیر معین می‌شود:

- میزان پرداخت حق عضویت دولت به سازمان ملل متحد (با میزان تأثیر ۴۰ درصد)؛

- وضعیت مالی جمعیت (با میزان تأثیر ۴۰ درصد)؛

- و در آخر، میزان حق عضویت شش سال گذشته‌ی جمعیت (به میزان ۲۰ درصد) تأثیرگذار می‌باشد؛ به عنوان مثال، حق عضویت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران به فدراسیون در سال ۱۳۷۸ به میزان ۳۵۶ درصد، یعنی ۱۰۱/۳۹۴ فرانک سوئیس بوده است.

۶- شرایط عضویت کشورهای ملی در فدراسیون

جمعیت‌های ملی‌ای که تأسیس می‌شوند، برای عضویت در فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر باید مراحل قانونی خود را بگذرانند که از جمله‌ی آن‌ها: به رسمیت شناخته‌شدن آن جمعیت توسط کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ،

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۹۵

احترام‌گذاشتن به اصول اساسی صلیب سرخ و عمل به آن‌ها در کلیه فعالیت‌ها، محترم‌شمردن و عمل به مصوبات مجمع عمومی فدراسیون، اساس‌نامه، مصوبات فدراسیون و پرداختن حق عضویت تعیین‌شده به فدراسیون می‌باشد.

یکی از شرایط به رسمیت شناخته‌شدن جمعیت‌ها، عدم مغایرت اساس‌نامه‌ی جمعیت ملی با اصول اساسی صلیب سرخ و هلال‌احمر (مصوب بیستمین کنفرانس صلیب سرخ) می‌باشد. بنا بر این اساس‌نامه، جمعیت‌های در حال تأسیس و یا تغییر، قبل از تصویب نهایی باید آن را به تأیید کمیسیون مشترک فدراسیون و کمیته برسانند.

امروزه حدوداً ۱۸۶ جمعیت هلال‌احمر و صلیب سرخ در جهان تأسیس شده‌اند که ۱۷۸ مورد آن‌ها به عضویت فدراسیون درآمده‌اند و بقیه در حال گذراندن مراحل قانونی می‌باشند.

نشان فدراسیون، یک زمینه‌ی مستطیل سفید است که آرم صلیب سرخ و هلال‌احمر در آن قرار دارد.

فدراسیون، اجتماعی از روابط انسانی است و مهم‌ترین سرمایه‌های آن را می‌توان، داوطلبان و مشارکت دانست؛ چرا که بدون لحاظ داوطلبان و مشارکت شاید دیگر مثل امروز نتوانیم تصویری از فدراسیون در ذهن داشته باشیم.

در برنامه‌ی افتتاحیه‌ی دوازدهمین مجمع عمومی فدراسیون در سال ۱۹۹۹، خانم دکتر آستریدان هایبرگ طی صحبت‌هایی تأکید نمود که: «مهم‌ترین منبع نهضت، مردم هستند.» وی می‌گوید: «روح بشریت در همه‌ی ما وجود دارد... ما توان انسانیت هستیم... جمعیت دنیا از مرز ۶ میلیارد نفر تجاوز کرده و یک نفر از ۶۰ نفر جمعیت دنیا را داوطلبین صلیب سرخ و هلال‌احمر تشکیل می‌دهد.» (گزارش اجلاس ...، ۱۳۷۸ هـ. ش: ۱۳۷۸: ۱۹).

در واقع، مردم از دو نظر برای فدراسیون دارای اهمیت خاص می‌باشند؛ نخست نقش آن از منظر افکار عمومی است؛ چرا که ضمانت اجرایی فدراسیون، افکار عمومی است و فدراسیون، بدون آن، قادر به جذب اعانات، جلب هم‌کاری داوطلبانه، و مآلاً القای ارزش‌های حاکم بر فدراسیون نخواهد بود. از آن‌جا که در فعالیت‌های اعضای فدراسیون، روح کلی اصول هفتگانه و اهداف فدراسیون باید مد نظر باشد،

لاجرم باید داوطلبان اصول اشاره‌شده را رعایت کنند. در واقع، با جلب همکاری داوطلبان، فدراسیون به دو امر مهم دست پیدا می‌کند؛ یکی، تحقق وظایف فدراسیون، مندرج در بندهای ۳ و ۴ ماده‌ی ۶ اساس‌نامه‌ی نهضت است که نمودی از فرهنگ‌سازی و اشاعه‌ی فرهنگ نوع‌دوستانه به شمار می‌آید؛ و دیگر، آماده نگه‌داشتن افکار عمومی برای مخالفت یا موافقت با موضوعی در راستای مسائل بشردوستانه مثل مبارزه با تولید مین‌های ضد نفر و... می‌باشد.

داوطلبان، به دو گروه قابل توجه تقسیم می‌شوند؛ جوانان و غیر جوانان. جوانان کسانی هستند که با کسب آموزش‌های لازم، و رعایت اصول هفتگانه‌ی نهضت، آمادگی‌های لازم را جهت انجام مأموریت‌های نوع‌دوستانه کسب می‌کنند.

آقای جورج وبر، دبیر کل فدراسیون، طی سخنرانی خود در همان مجمع اعلام می‌کند که: ۲۸ جمعیت ملی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹ به فدراسیون پیوسته‌اند؛ و به ۷۴٪ از استمدادها پاسخ داده شده است؛ و حدوداً ۳۰ میلیون نفر از کمک‌های فدراسیون بهره‌مند شده‌اند. وی همچنین در سیزدهمین مجمع عمومی در سال ۲۰۰۱ اظهار می‌دارد: «ما باید در فعالیتهای خود، همواره به اصول اساسی نهضت احترام گذاشته، و کاهش درد و آلام بشری میلیون‌ها انسان آسیب‌دیده و رنج‌کشیده از سوانح طبیعی و بیماری‌های عفونی و ...، و همچنین حفظ زندگی و شأن شخصیت انسان‌ها را اولویت اصلی کار خود قرار دهیم و بدانیم که می‌توانیم متفاوت عمل نماییم.»

در توجه به سخنان خانم مارگرت والستروم،^۱ سه موضوع، بسیار برجسته می‌نماید: اول، «اصول اساسی نهضت»؛ دوم، «خدمت به نوع بشر»؛ سوم، «برنامه‌ریزی برای داوطلبان». و در واقع، نمی‌توان به این سه موضوع در فعالیت فدراسیون به صورت منفک از هم نگریست.

خانم هایبریک نیز در مجمع سیزدهم می‌گوید: «با یکدیگر قویاً همکاری و نتایج حاصله را مبادله نماییم.» با این بیان، رئیس فدراسیون از ۱۷۸ جمعیت ملی کشورها می‌خواهد که ارتباط نزدیک‌تری با هم داشته باشند؛ چرا که جمعیت ملی کشورها

^۱ - معاون دبیر کل فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر.

در داخل کشورهای خود، دارای شعب متعددی هستند و با سازمان‌دهی قوی و منسجم، مأموریت‌های خود را به انجام می‌رسانند و در جذب و آموزش داوطلبان کوشا هستند. با نگاهی به این توانمندی‌ها، بهتر می‌توان تصور کرد که چگونه فدراسیون در اشاعه‌ی اصول و ارزش‌های خود، جدی است.

و ادامه می‌دهد: «سیاست‌گذاری برای داوطلبان و توسعه‌ی مدیریت خوب، و به‌کارگیری و استفاده‌ی بهینه از داوطلبان، حائز اهمیت است. داوطلبان، حامیان اصلی جمعیت‌های ملی صلیب سرخ و هلال‌احمر می‌باشند؛ لذا تلاش‌های ویژه‌ای در سازمان ملل برای بهبود شرایط داوطلبان در کشورها در نظر گرفته شده است. ما با حضور داوطلبان می‌توانیم اعتماد و باور را به وجود آوریم؛ مدافعان قوی داشته باشیم؛ و با تبعیض‌های مذهبی، بیماری‌ایدز، و خشونت در جامعه مبارزه نماییم و به رفع نیازهای بشردوستانه بپردازیم.» (گزارش سیزدهمین اجلاس ...، ۱۳۸۰: ۳۲-۳۴)؛ بنابراین می‌توان گفت که، فدراسیون اساساً یک نهضت داوطلبانه می‌باشد. و داوطلبان، کسانی هستند که با توجه به توانایی‌های خود، و اعتقاد به اصول و اهداف نهضت، همکاری و مساعدت‌های لازم را در حد توان برای انسان‌های آسیب‌دیده و یا آسیب‌پذیر مبذول می‌دارند.

بعضی از این داوطلبان، مددجویانی هستند که بعد از آشنایی با اصول نهضت یا فدراسیون با جمعیت‌های ملی شروع به همکاری نموده‌اند. نمونه‌ای از این دست «راسما کولار» می‌باشد. «راسما کولار»^۱ هر روز به آشپزخانه‌ی صحرایی صلیب سرخ می‌رفت تا غذای گرم دریافت نماید. هم‌اکنون نیز با گذشت سال‌ها، بازدید هر روزه را انجام می‌دهد ولی نه به عنوان مددجو، بلکه به عنوان داوطلب صلیب سرخ برای ارائه‌ی خدمت می‌رود. از این جمله افراد بسیارند؛ چرا که در سراسر جهان کار فدراسیون توسط داوطلبان و اعضای صلیب سرخ و هلال‌احمر انجام می‌پذیرد و فعالیت‌های اصلی فدراسیون، اشاعه‌ی ارزش‌های بشردوستانه، ارائه‌ی مراقبت‌های بهداشتی و درمانی گروه‌های مختلف جامعه، .. است (آشنایی با فدراسیون ...، ۱۳۸۰: ۱۹).

^۱ - خانم راسما کولار، داوطلب نمونه از ساریو.

کار هر جمعیت، برحسب نیازهای متفاوت جامعه‌شان معین می‌شود و اعتقاد به ارزش‌های بشردوستانه، راهنمایی اصلی برای فعالیت‌هایشان است. برای داوطلبان، فرصت کمک به دیگران فی‌النفسه پاداش به همراه دارد. «بالتازار لیثورت اسکالانت» داوطلب صلیب سرخ السالوادور، می‌گوید: «اطمینان دارم، همان احساس رضایتی که ده‌ها سال قبل، از نجات زندگی یک غریق داشتم، میلیون‌ها داوطلب کنونی نیز دارند و هیچ چیزی جایگزین احساس رضایت نمی‌تواند بشود.» (پیشین).

در این میان، جوانان داوطلب، نقش مهم‌تری دارند؛ چرا که با آموزش‌هایی که می‌بینند، اصول و ارزش‌های بشردوستانه در اذهان آن‌ها نهادینه می‌شود و آن‌ها بخش جدایی‌ناپذیری از کار هر جمعیت ملی به حساب می‌آیند و به اشاعه‌ی ارزش‌های بشردوستانه، بهداشت خدمت به جامعه، و همکاری بین‌المللی می‌پرازند. آن‌ها ضمن این‌که کارهای مشارکتی و جمعی کارکردن را در عمل می‌آموزند، به اشاعه‌دهندگان اصول نهضت نیز تبدیل می‌شوند.

منبع انرژی دیگری، که به فدراسیون در راستای فرهنگ‌سازی و جهانی‌شدن فرهنگ نوع‌دوستانه کمک می‌کند، «مشارکت» است. مشارکت، در چند بُعد قابل تصور است:

- ۱- مشارکت جمعیت‌های ملی با یک‌دیگر در سطح جهانی و منطقه‌ای؛
 - ۲- مشارکت جمعیت با فدراسیون و ارکان نهضت؛
 - ۳- مشارکت فدراسیون با برنامه‌های سازمان ملل متحد و ارگان‌های تابع شورای اقتصادی و اجتماعی و دیگر سازمان‌های هم‌سو، یا سازمان‌های منطقه‌ای، مثل: اکو؛
 - ۴- مشارکت فدراسیون با جمعیت‌های ملی یا دولت‌ها.
- مشارکت، عنوان گروه کاری شماره یک مجمع عمومی فدراسیون در ۲۰۰۱ بوده است. نماینده‌ی جمعیت‌های ملی هشت کشور و نماینده‌ی فدراسیون به مذاکره در باره‌ی مدافعه‌گری اصل سیاسی صلیب سرخ و هلال‌احمر در مسائل بشردوستانه پرداختند و ابراز داشتند که «افزایش چالش‌ها برای برآورد نیازهای اضطراری، نیازمند برقراری ارتباطات زیاد است»؛ و ادامه می‌دهند: «همان‌گونه که مشارکت در جنگ سولفورینو با بسیج منابع انسانی برای کمک به آسیب‌دیدگان آغاز شد، باید بدانیم که با برقراری ارتباطات مؤثر، می‌توانیم توان‌افزایی را افزایش دهیم. فدراسیون

باید از مسأله‌ی برقراری ارتباط جمعیت‌های ملی با یک‌دیگر و نمایندگی‌های منطقه‌ای حمایت نماید. باید مطمئن گردیم که مشارکت و برقراری ارتباط، نیازی ضروری است. همکاری با کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و سازمان‌های غیر دولتی و سازمان ملل، یعنی همکاری‌های چندجانبه را افزایش دهیم و اطمینان حاصل نماییم که این ارتباطات، چقدر به نفع آسیب‌دیدگان خواهد بود و چگونه جمعیت‌های ملی با همکاری‌های خوب خود با سایر سازمان‌ها، نام نیکی بر جای می‌گذارند. لازم است مشارکت جمعیت‌ها را برای توسعه و آغاز مسئولیت‌های جدید افزایش دهیم. مشارکت با جمعیت‌های ملی، دولت‌ها و مقامات و همچنین بخش‌های خصوصی و غیر واقعی و سازمان اکو، دفتر سازمان ملل در امور پناهندگان فعالیت پیچیده‌ای نیست، بلکه آغازی است برای شروع همکاری‌های فی‌مابین. برای توسعه‌ی مشارکت، قطعاً نیازمند برقراری ارتباط با جمعیت‌های ملی، فدراسیون بین‌المللی، کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان‌های بین‌المللی، و دریافت هرگونه اخباری از جمعیت‌های ملی می‌باشیم.» (گزارش سیزدهمین اجلاس ...: ۱۴).

فدراسیون در خصوص مشارکت، با دفتر هماهنگی امور بشردوستانه‌ی سازمان ملل، دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، یونسکو، برنامه‌ی جهانی غذا، دفتر امور بشردوستانه‌ی جامعه‌ی اروپا، و غیره برای ارائه‌ی خدمات بشردوستانه‌ی آسیب‌دیدگان همکاری دارد.

فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر، تاکنون موفق شده است که در ۱۷۸ کشور، به واسطه‌ی جمعیت‌های ملی عضو خود، برنامه‌هایی را بر اساس نیاز کشورها تدوین کند و به تحقق اهداف نوع‌دوستانه بپردازد و در خصوص موضوعاتی مثل مبارزه با ایدز، امداد در سوانح طبیعی و غیرطبیعی، یاری‌رسانی به کودکان خیابانی، اشاعه‌ی حقوق بشردوستانه و امور پناهندگان در اردوگاه‌ها، بهداشت پزشکی، ارتوپدی، خون و فرآورده‌های خونی، و موارد عدیده‌ی دیگر، فعالیت چشم‌گیری را به ظهور رساند؛ به عنوان مثال، در ایران، جمعیت هلال‌احمر در خلال سال‌های ۷۶ تا ۷۹، در حوزه‌ی امداد، در قبال ۱۵۰۰۳ مورد حادثه، ۸۷۶/۸۹۱ نفر را تحت پوشش امدادی، و در طی همین دوران ۷۳۳/۷۷۶ نفر را تحت پوشش آموزش

امدادی قرار داده است؛ چنان‌که فقط در سال ۷۹، آسیب‌دیدگان حوادث آن سال، کمک‌هایی نقدی و غیر نقدی به ارزش بالغ بر ۴/۲۰۲/۵۷۹/۰۰۰ ریال از جمعیت دریافت کرده‌اند. مضافاً این‌که شمار داوطلبانی که دوره‌ی امداد آموزش امدادی را گذرانده و در زمان حوادث آماده‌ی خدمت می‌باشند، به دو میلیون نفر در سطح کشور رسیده است.

سازمان (داوطلبان) جمعیت هلال‌احمر، در طی سال‌های یادشده (۷۶ تا ۷۹) ۲۳۴ نفر فرزندان بی‌سرپرست را تحت حضانت خود قرار داده، و مجموع جوانانی که در همان سال‌ها به عضویت سازمان جوان هلال‌احمر درآمده‌اند و یا توسط سازمان مورد آموزش قرار گرفته‌اند، به ۶/۷۸۴/۷۰۶ نفر رسیده است. در حوزه‌ی تدارکات و تولید لوازم پزشکی و دارویی خدمات تجهیزات، پزشکی درمانی و پژوهشی و اطلاع‌رسانی نیز خدمات ارزنده‌ای را در سطح کشور ارائه می‌دهد؛ و در بخش‌های دیگر، این جمعیت به عنوان یکی از اعضای فدراسیون بسیار فعال می‌باشد؛ چنان‌که در ۲۸ استان کشور ۴۴۵ شعبه یا دفتر با نمایندگانی فعال دارد و به عنوان پنجمین جمعیت ملی جهان، شناخته می‌شود.

این جمعیت در ارتباط با جمعیت ملی کشورهای دیگر نیز جایگاه ممتازی را کسب کرده است. جمعیت ملی ایران تنها در سال ۷۹ برای ۲۸ کشور جهان در ۴۹ مورد کمک بشردوستانه به ارزش ۱۲/۳۸۹/۰۰۰/۵۷۸ ریال به صورت نقدی و غیرنقدی ارائه داده است؛ ضمن این‌که برای اجرای پروژه‌های نوع‌دوستانه نیز ۴۵۲/۰۱۷/۳۶۱ فرانک سوئیس کمک خارجی جذب کرده است.» (آمار فعالیت‌های هلال احمر ...، ۱۳۸۰: ۴۷).

فصل ششم

آشنایی با جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

مقدمه

جمعیت هلال احمر ایران، سازمانی دولتی است که اکثر فعالیت‌های این سازمان در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد و اقدامات داوطلبانه‌ی بشردوستانه سازمان‌دهی می‌شود، که ما در این کتاب، به بررسی ساختاری و اساس‌نامه‌ای آن از بدو تأسیس تا کنون پرداخته‌ایم و به تفصیل، اقدامات این سازمان را نیز در طول این دوره تشریح کرده‌ایم. در این فصل، سعی شده است، تصویر درست و روشنی از اثرگذاری متقابل سازمان و هم‌چنین اثرپذیری آن از جامعه ارائه شود.

۱- تاریخچه

بعد از جنگ جهانی اول، و تشکیل جامعه‌ی ملل، و تصویب اصول میثاق جامعه‌ی ملل، دولت ایران در دی‌ماه ۱۳۰۰، اصول مذکور را پذیرفت. اصل ۲۵ این میثاق می‌گوید: «اعضای جامعه‌ی ملل می‌پذیرند که تأسیس سازمان‌های ملی داوطلبانه‌ی صلیب سرخ را که واجد شرایط قانونی باشند و با هدف بهبود بهداشت، پیش‌گیری از بیماری‌ها، برای تسکین آلام بشر در سراسر جهان فعالیت کنند، تشویق و ترویج نمایند.» دولت ایران، با توجه به کلیه‌ی اصول، و خاصه اصل مذکور، ضمن اقدامات عملی مبنی بر پذیرش و به‌کارگیری رهنمودهای میثاق، اقدامات قانونی را جهت تأسیس «جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران» به‌کار بست؛ به‌طوری‌که اساس‌نامه‌ی جمعیت در اسفند ماه ۱۳۰۱ تهیه، و به تصویب دولت و مجلس وقت رسید و در سال ۱۳۰۲ رسماً کار خود را شروع کرد. این جمعیت در سال ۱۳۰۳ توسط کمیته و فدراسیون (اتحادیه) بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر به رسمیت شناخته، و برگ دیگری بر افتخارات ملت ایران در مجامع بین‌المللی افزوده شد. در ابتدا آرم جمعیت ایران، شیر و خورشید سرخ با زمینه‌ی سفید بود که در سال

۱۳۰۱ توسط دولت وقت (در زمان پادشاهی احمد شاه قاجار) پیشنهاد گردید و از طرف کنفرانس دیپلماتیک ژنو در سال ۱۳۰۸ به عنوان یکی از نشانه‌های امدادی دارای مصونیت، به رسمیت شناخته شد و امروزه نیز هرچند هیچ کشوری از آن نشان عملاً استفاده نمی‌کند، کماکان از نشانه‌های به رسمیت شناخته شده و دارای اعتبار بین‌المللی می‌باشد.

در اولین اساس‌نامه‌ی این جمعیت که بعد از انقلاب اسلامی به سال ۱۳۵۹ تغییر یافت و در سال ۱۳۶۲ نیز مورد تجدید نظر مجدد قرار گرفت، نشان شیر و خورشید سرخ ایران، به نشان هلال احمر، که نشان جمعیت‌های ملی غالب کشورهای اسلامی است، تغییر یافت؛ هرچند که اظهار می‌گردد، نشان هلال احمر و صلیب سرخ مفهوم مذهبی ندارند.

ریاست افتخاری این جمعیت را که در مقدمه‌ی اساس‌نامه‌ی آن با عنوان «تعاونو علی‌البر» شروع می‌شود، ولیعهد احمدشاه، محمدحسن میرزا، بر عهده گرفت. در این دوران، اوضاع داخلی ایران به دلایل مختلف و از جمله دخالت بیگانگان، متشنج و بی‌ثبات بود.

تصویب جمعیت ایران که از زمان نخست‌وزیری مشیرالدوله شروع شده بود، نهایتاً در زمان رئیس‌الوزرای و وزیر جنگی سردار سپه به تصویب کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ می‌رسد. در این زمان، سردار سپه رئیس هیأت مرکزی شیر و خورشید ایران بوده، و این، آغازگاه کوششی درخصوص اقدامات غیرانتفاعی و غیر دولتی در ایران محسوب می‌گردد. هرچند در بدو امر، تشکیل آن به دستور هیأت حاکمه صورت می‌گیرد و در سال ۱۳۰۹ کتباً به تمام ولایات از طرف نخست‌وزیر دستور داده می‌شود که باید شعبه‌ای از جمعیت شیر و خورشید سرخ را در شهر خود تأسیس کنند، ولی درخصوص رابطه‌ی حکومت با این جمعیت، در فصل ۹ ماده‌ی ۵۲ و ۵۳ اساس‌نامه‌ی ۱۳۰۱ آمده است: «جمعیت شیر و خورشید سرخ، موافق نظام‌نامه‌ی داخلی که با اطلاع مجلس دارالشورای ملی و تصدیق دولت رسیده باشد، ایفای وظیفه می‌نماید.» (اساس‌نامه جمعیت ...، ۱۳۰۱: سند ۳۵۰۲/۲۹۱۰۰). و در ماده‌ی ۵۳ نیز آمده است: «هیچ‌یک از عملیات جمعیت در تحت نظر بلدی‌ها نیست ولی

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۰۳

دولت یا حکومت محلی، محض کسب اطلاع می‌تواند یک نفر مامور تفتیش بنماید.» (پیشین).

نحوه‌ی مدیریت سازمان در اساس‌نامه، دموکراتیک بوده است و اعضای آن از طریق برگزاری مجمع عمومی انتخاب می‌شدند.

اولین برخورد جمعیت با حوادث و بلایای طبیعی در ایران، زلزله‌های وحشتناک سال‌های ۱۳۰۲ و... در خراسان و شمال خراسان بود؛ و این امر باعث شد بعد از تهران، اولین مرکزی که در آن، جمعیت شیر و خورشید تأسیس شود، ایالات خراسان و سیستان باشد که در سال ۱۳۰۲، این جمعیت در آن تأسیس گردید.»

۲- اهداف و وظایف

جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی، مؤسسه‌ای است که از بدو تأسیس، آن را «غیر دولتی با هدف نوع‌دوستانه» معرفی کرده‌اند، به‌طوری‌که در ماده‌ی ۲ اولین اساس‌نامه‌ی آن آمده است: «کلیه‌ی عملیات و امور اداری این جمعیت، مستند است به قراردادهای منعقدۀ در شهر ژنو به تاریخ ۱۸۶۴ میلادی و احکام مقررۀ در کنفرانس ثانوی منعقدۀ در همان شهر به تاریخ ۱۹۰۶ و مقررات متخذۀ کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه راجع به محاربات بحریه.» (اساس‌نامه ...، ۱۳۰۱: سند ۲۹۱۰۰۳۵۰۲).

در واقع، پایه و اساس این سازمان به کنوانسیون‌های ژنو استوار بوده، و به تابعیت از این کنوانسیون از ماده‌ی ۳ تا ۸ اساس‌نامه به شرح ذیل به وظایف سازمان می‌پردازد:

ماده‌ی ۳- چون یک شعبه از مقاصد این جمعیت مداوا و معالجه‌ی مرضا و مجروحین اردوهاست، فلذا بالطبع هرگونه تشکیلات نظامی که راجع به این مسائل باشند، مُمدِ جمعیت مزبور خواهند بود.

ماده‌ی ۴- همین‌طور جمعیت شیر و خورشید سرخ، برای حمل‌ونقل و معالجه‌ی مجروحین میدان‌های جنگ، در حدود امکانات مریض‌خانه‌ی ثابت و سیار و هیأت‌های تعاونیه و وسائل حمل‌ونقل صحی تهیه خواهد نمود.

ماده‌ی ۵- جمعیت شیر و خورشید سرخ، در غیر مواقع جنگ، هنگام وقوع مصائب بزرگ از قبیل: حریق و غارت‌زدگی و امراض مسریه‌ی عمومی، معاونت خود

را تا میزانی که مخارج لازمه از حدود عایدات یک‌ساله تجاوز نکند، ابراز خواهد داشت. هم‌چنین علاوه بر جنگ با امراض ساریه در صحنه‌ی عمومی و رفع امراض محلی که مخصوص به بعضی اماکن است و مرض حصبه و سل و در موارد قحطی و زمستان‌های سخت و مطلقاً در تسکین آلام و اسقام ضعفا و دستگیری از فقرا مساعی خود را مبذول خواهد داشت. جمعیت شیر و خورشید سرخ، در جمع‌آوری و تعلیم و تربیت اطفال یتیم بی‌بضاعت و نگهداری از ارامل و پرورش اطفال و... ساعی و جاهد بوده، برای انجام این مقصود نوع‌پرورانه هیأت‌هایی را در مرکز ترتیب نموده به اطراف و اکناف مملکت گسیل خواهد داشت، و علاوه بر مریض‌خانه‌های ثابت و سیار و تأسیس مدارس جهت ایتام، جمعیت شیر و خورشید سرخ در ایجاد دارالصنایع برای ایتام و ارامل و عجزه کوشش خواهد کرد (پیشین).

ماده‌ی ۶- جمعیت... به مجروحین و اسرای خارجه نیز کمک و مساعدت خواهد کرد. ماده‌ی ۷- جمعیت [قبل] از وقت، وسائل لازمه را از قبیل اجزا و مستخدمین و آلات و ادوات با تعلیمات صحیحه تهیه نموده، برای انجام تکلیفات مقررہ آماده خواهد داشت.

بنابر مواد پنجگانه، اهداف جمعیت: کمک به هم‌نوعان، و تسکین آلام بشری تعیین شده است، و وظایف آن: کمک در امور امدادی بهداشت و درمان در میادین جنگ و رسیدگی به وضع مجروحین جنگی، مبارزه با امراض واگیردار، رسیدگی به وضع حادثه‌زدگان، رسیدگی به وضع فقرا و مستمندان، جمع‌آوری و تعلیم و تربیت کودکان یتیم و بی‌بضاعت، تربیت امدادگر و تأسیس درمانگاه و بیمارستان‌های ثابت و سیار ذکر شده است.

نیازهای جدیدی در جامعه مطرح شده است که روندی تکمیلی را در اساس‌نامه‌ی جمعیت طلب می‌کرد؛ چنان‌که در ماده‌ی ۲ اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴، اهداف جمعیت را «تلاش برای تسکین آلام بشری، تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملت‌ها و هم‌چنین حمایت از زندگی و سلامت انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هیچ‌گونه تبعیضی میان آن‌ها» ذکر گردیده است. و وظایف جمعیت در ماده‌ی ۳ همان اساس‌نامه در سطح کشور و خارج از کشور، در ۸ بند، به شرح ذیل بیان شده است:

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۰۵

۱- «ارائه خدمات امدادی در هنگام بروز حوادث و سوانح طبیعی مثل: زلزله و سیل و غیره، در داخل و خارج از کشور؛

۲- ارائه کمک‌های اولیه در حوادث غیرمترقبه به وسیله امدادگران؛

۳- برنامه‌ریزی و اقدام در جهت آمادگی مقابله با حوادث و سوانح، و آموزش عمومی در این زمینه و تربیت کادر امدادی و نیروی انسانی مورد نیاز؛

۴- ارسال کمک و اعزام عوامل امدادی و درمانی به سایر کشورها در صورت لزوم؛

۵- کمک به امر توان‌بخشی و ارائه خدمات اجتماعی در جهت تسکین آلام آوارگان، پناهندگان، مرضی و معلومین و ایجاد حس تعاون و تفاهم و دوستی و نیکوکاری بین مردم؛

۶- تلاش در جهت تسکین آلام بشری و کمک به امر سلامت جامعه و دفاع از ارزش‌های انسانی و کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملت‌ها؛

۷- اداره امور جوانان جمعیت، و توسعه مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مربوط به آن‌ها و تربیت آموزش جوانان مذکور به منظور آماده‌ساختن آنان در انجام خدمات امدادی و عام‌المنفعه؛

۸- کمک به تهیه دارو، وسایل و تجهیزات پزشکی مورد نیاز مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی کشور با موافقت وزارت بهداشت و با همکاری هلال‌احمر و صلیب سرخ جهانی که عضو اتحادیه بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر جهانی است (اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴، ...، ۱۳۸۱: ۱۴-۱۵).

با توجه به بندهای هشتگانه‌ی ماده‌ی ۳، اساس‌نامه‌ی جمعیت برای جامه‌ی عمل پوشاندن به وظایف مصوب و جوابگو بودن به نیازهای مطرح جامعه‌ی ایران، سازمان‌ها و واحدهایی تأسیس و فعال نموده است.

۳- ساختار و تشکیلات جمعیت از بدو تأسیس تاکنون

۳-۱- ارگان (تا سال ۱۳۸۱)

جمعیت هلال‌احمر ایران (شیر و خورشید سرخ)، جمعیتی است که با نظر به ماده‌ی

۲ از فصل اول قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت مصوب در سال ۱۳۰۱، آمده است: «جمعیت

بر اساس قراردادهای منعقدۀ در شهر ژنو به تاریخ ۱۸۶۴ و ۱۹۰۶ میلادی و مقررات کنفرانس ۱۹۰۷ لاهه در خصوص مخاصمات دریایی تشکیل شده است.» و در ماده‌ی ۲ از فصل دوم آمده است: «جمعیت شیر و خورشید سرخ، دارای یک مرکز عمومی در تهران و مراکز عدیده در ایالات می‌باشد.» (اساس‌نامه‌ی ۱۳۱۰ ...: ۷-۱).

امروزه نیز بعد از گذشت ۸۰ سال، تغییری در شعبات خود نداده است؛ چنان‌چه در ماده‌ی ۱۶ قانون اساسی‌نامه‌ی آن، مصوب ۱۳۷۴، آمده است: «جمعیت می‌تواند بر اساس نیاز و شرایط منطقه‌ای، شعبی در مرکز استان و یا در مراکز بعضی از شهرستان‌ها و بخش‌ها یا نمایندگی‌هایی در سایر مراکز تأسیس نماید.» (اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴ ...: ۱۹-۲۱).

با توجه به مواد قانون اساسی‌نامه و آنچه گفته شد، در هر کشوری فقط یک جمعیت هلال‌احمر می‌تواند وجود داشته باشد و در مراکزی که نیاز به فعالیت جمعیت می‌باشد، شعبه‌ای از جمعیت در آنجا تأسیس می‌شود و زیر نظر مرکز فعالیت می‌کند.

در ماده‌ی ۱۴ اساس‌نامه‌ی اولیه، پیش‌بینی شده بود که جمعیت شیر و خورشید سرخ، تحت نظارت و مراقبت یک مجلس عمومی از طرف مرکز عمومی اداره شود (مجمع عمومی).

در ماده‌ی ۲۷، در باب روند شکل‌گیری ساختار آن چنین آمده است: «هیأت مرکز عمومی در تهران از طرف مجمع عمومی، و از میان اعضای مؤسس و عامله به رأی مخفی انتخاب می‌شوند و عده‌ی آنان سی نفر است.

اداره‌ی امور جمعیت و ایفای وظایف و ترتیب و تنظیم اصول اجراییه تماماً به عهده‌ی مرکز (مجمع) عمومی است و هر سال در برج سنبله (شهریور) پنج نفر از اعضای مرکز عمومی به‌وسیله‌ی قرعه‌کشی، خارج شده و پنج نفر دیگر از طرف جلسه‌ی عمومی و رأی مخفی انتخاب می‌شوند. اعضای خارج شده ممکن است مجدداً انتخاب شوند.»

ماده‌ی ۳۰- می‌گوید: «هیأت مرکزی عمومی (هیأت مجمع عمومی) همه ساله از میان خود یک نفر رئیس، دو نفر نایب رئیس، یک نفر منشی، یک نفر تحویل‌دار، یک نفر

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۰۷

معاون تحویل‌دار، یک نفر رئیس دارالانشا و منشی (به اندازه لزوم چند نفر منشی) انتخاب خواهد کرد، و این اشخاص تحت ریاست مزبور، هیأت اداری را تشکیل داده و همه ساله تجدید می‌شوند و در ایالات و ولایات نیز به همین شکل است.»

در واقع ارکان و تشکیلات این جمعیت، در بدو تأسیس عبارت بوده از:

۱- مجمع عمومی، که تعداد آن‌ها سی نفر بوده و با رأی مخفی از میان اعضای جمعیت انتخاب می‌شدند.

۲- هیأت مدیره، متشکل از (رئیس، دو نفر نایب رئیس، منشی، محاسب و تحویل‌دار و معاون تحویل‌دار، و یک نفر هم رئیس امور اداری (دارالانشا)، (اساس‌نامه‌ی ۱۳۰۱...: ۴۱-۵۰).

ولی رکن‌هایی که امروزه جمعیت به واسطه‌ی آن‌ها اداره می‌شود، به قرار زیر می‌باشند:

۱- ریاست سازمان (جمعیت)؛ ۲- دبیر کل؛ ۳- خزانه‌دار کل؛ ۴- هیأت اجرایی. رئیس: رئیس، اداره‌ی امور مربوط به جمعیت را برعهده دارد. عزل و نصب وی، به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، و حکم ریاست جمهوری انجام می‌پذیرد.» (اساس‌نامه‌ی ۱۳۶۷، ۱۳۶۷، ۱۳۶۷: ۴۵).

وظایف و اختیارات رئیس

وظایف و اختیارات رئیس عبارت‌اند از:

۱- «انتخاب، نصب و عزل دبیر کل و خزانه‌دار کل، و نظارت مستقیم و مستمر بر کار آن‌ها؛

۲- تشکیل و اداره‌ی جلسات هیأت اجرایی؛

۳- تمهید مقدمات کنفرانس‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به جمعیت‌های هلال‌احمر و صلیب سرخ بین‌المللی در ایران؛

۴- برقراری ارتباط با مقامات جمهوری اسلامی ایران؛

۵- نظارت مستقیم و مستمر بر امور بین‌المللی جمعیت؛

۶- دستور ارسال کمک‌ها و عوامل امدادی به سایر کشورها؛

۷- مراقبت بر حسن اجرای اساس‌نامه، و نظارت بر اجرای مقررات بین‌المللی انسانی؛

۸- مراقبت بر حسن اجرای مصوبات هیأت اجرایی و سایر مقررات ناظر بر کار جمعیت؛

۹- تقاضای تشکیل جلسه‌ی فوق‌العاده از طریق وزیر بهداشت، درمان و آموزش

پزشکی؛

۱۰- اعطای نشان‌های اول مخصوص جمعیت؛

۱۱- انتخاب و یا پیشنهاد اعضای هیأت اجرایی جمعیت، به استثنای نماینده‌ی

مقام رهبری.» (اساس‌نامه‌ی ۱۳۶۷: ۱۷).

دبیر کل: دبیر کل، سمت معاون کل رئیس را در امور اداری و اجرایی بر عهده داشته دارد و موظف است گزارش اقدامات خود را به طور مستمر به رئیس و هیأت اجرایی تسلیم نماید. دبیر کل نزد مراجع قانونی و دولتی محاکم و سازمان‌ها و ادارات و اشخاص حقیقی و حقوقی نماینده‌ی رسمی جمعیت را با حق توکیل غیر دارا می‌باشد و توسط رئیس جمعیت، شخصاً انتخاب می‌شود.

خزانه‌دار کل: خزانه‌دار نیز به اختیار شخص رئیس انتخاب می‌شود و دارای وظایف و اختیارات زیر می‌باشد:

۱- به کارگیری مساعی لازم در وصول درآمدها و ارائه‌ی پیشنهاد در مورد ایجاد انواع درآمدهای جدید، ضمن اشتراک مساعی با دبیر کل؛

۲- حفظ دارایی‌ها و اصول و حقوق و منافع مالی جمعیت، ضمن اشتراک مساعی با دبیر کل؛

۳- نظارت مالی بر تنظیم و اجرای بودجه و مصرف هزینه‌ها؛

۴- تنظیم ترازنامه و تفریغ بودجه؛

۵- همکاری مشترک با دبیر کل جمعیت، جهت تخصیص اعتبار؛

۶- افتتاح حساب در بانک‌ها و برداشتن از آن و نیز مسدود کردن حساب‌ها و صدور چک‌ها و سفته‌ها و اوراق بهادار و قبوض و انعقاد و قراردادهای؟ (متفقا که به امضا خزانه‌دار کل و دبیر کل به عمل می‌آید) (اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴: ۲۷)؛

۷- ایجاد هماهنگی در امور مالی جمعیت.

هیأت اجرایی: هیأت اجرایی جمعیت در واقع قسمت اصلی و تصمیم‌ساز جمعیت می‌باشد که مصوبات آن به شکل آیین‌نامه و دستورالعمل صادر می‌شود و

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۰۹

اعضای آن عبارت‌اند از: رئیس جمعیت، دبیر کل، خزانه‌دار کل، یک عضو به انتخاب رئیس جمعیت، و یک نفر از بازرسان جمعیت که به پیشنهاد رئیس جمعیت و حکم وزارت بهداشت و درمان انتخاب می‌شود و نماینده‌ی مقام رهبری در صورتی‌که توسط معظم‌له انتخاب شده باشد و در جمعیت به عنوان ناظر شرعی در جلسات هیأت شرکت می‌کند.

وظایف و اختیارات هیأت اجرایی

وظایف و اختیارات هیأت اجرایی توسط آیین‌نامه‌ای که رئیس جمعیت، تهیه و به تصویب و زیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌رساند، تعیین می‌شود. مطابق آخرین آیین‌نامه‌ای که در مورخ ۶۷/۸/۱۷ به تصویب وزیر بهداشت و درمان رسیده است، وظایف و اختیارات هیأت اجرایی به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- «اجرای قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت و آیین‌نامه‌های اجرایی آن؛
- ۲- تدوین و تنظیم آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی و تأکید بر تصویب آن‌ها حسب مورد در چارچوب قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت؛
- ۳- بررسی و تصویب اساس‌نامه و آیین‌نامه‌های اجرایی سازمان‌ها و مؤسسات وابسته و مقررات مورد لزوم آن‌ها؛
- ۴- بررسی تصویب سازمان و تشکیلات اداری واحدها و سازمان‌ها، مؤسسات، شعبات و نمایندگی جمعیت؛
- ۵- بررسی و تصویب آیین‌نامه‌های امدادی، تطبیق استخدامی، مالی، معاملاتی، عضویت، نشان‌ها و غیره و دستورالعمل‌ها و ضوابط اجرایی مربوط؛
- ۶- ایجاد، ادغام و یا انحلال شعب و نمایندگی جمعیت در استان‌ها، شهرستان‌ها، بخش‌ها و روستاها در داخل و خارج از کشور؛
- ۷- بررسی پیشنهادها و ضوابط مربوط به تغییر و اصلاح در موارد اساس‌نامه که در صورت تصویب از طریق وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به مراجع مربوط ارسال خواهد شد؛
- ۸- تعیین خط‌مشی کلی جمعیت، و تهیه و تصویب برنامه‌های سالیانه و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت، و بلندمدت؛

- ۹- بررسی و تصویب بودجه‌ی کل سالیانه‌ی جمعیت، و ترازنامه‌ی سال مالی؛
 - ۱۰- نظارت و ایجاد هماهنگی و همکاری لازم بین شعب و نمایندگی‌های جمعیت در سراسر کشور؛
 - ۱۱- بررسی و تصویب نمایندگی پیشنهاد شده از سوی خزانه‌دار کل درخصوص سهام و حقوق و منافع جمعیت نزد شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی؛
 - ۱۲- اجرای قراردادهای بین‌المللی مربوط به اهداف و وظایف جمعیت هلال احمر و صلیب سرخ و نیز مقررات اتحادیه‌های صلیب سرخ و هلال احمر از جمله قراردادهای مورخ دسامبر ۱۹۴۵ میلادی؛
 - ۱۳- اتخاذ تصمیم درخصوص خریدوفروش و واگذاری، اجاره و به طور کلی هرگونه نقل و انتقال اموال و دارایی‌های جمعیت برحسب مورد با رعایت مقررات مربوط؛
 - ۱۴- اتخاذ تصمیم درخصوص تأسیس شرکت‌های تولیدی و تجاری برای تأمین یا تدارکات کالاهای موردنیاز خود و مؤسسات وابسته و یا مشارکت و سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها و مؤسسات و سازمان‌ها و ارگان‌های انتفاعی، غیرانتفاعی اعم از عمومی، خصوصی، دولتی و غیر دولتی؛
 - ۱۵- اتخاذ تصمیم در مورد مسائلی که از طرف رئیس جمعیت و یا اعضای هیأت اجرایی برحسب مورد در جلسات هیأت مزبور مطرح می‌کنند؛
 - ۱۶- اتخاذ تصمیم در سایر مواردی که طبق اساس‌نامه و آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی به عهده‌ی هیأت اجرایی محول می‌شود.
- جلسات هیأت اجرایی، حداقل ماهی یک‌بار با حضور اعضا و به ریاست رئیس جمعیت تشکیل می‌گردد و رئیس با اطلاع قبلی هر زمان که لازم باشد، می‌تواند جلسه را تشکیل دهد. در زمانی که رئیس سازمان، عهده‌دار وظایف دبیرکل نیز می‌باشد، تصمیمات هیأت اجرایی با دو رأی مثبت (به شرط آن که یک رأی متعلق به رئیس باشد)، نافذ و قابل اجرا است. هرگونه پیشنهاد از طرف واحدها، شعبات، نمایندگی‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات وابسته به جمعیت، می‌بایست طبق آیین‌نامه‌های

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۱۱

مربوط، پس از اظهار نظر بالاترین مسئول اجرایی ذی‌ربط در صورت ضرورت از طریق دبیرخانه‌ی هیأت جهت طرح در جلسات هیأت اجرایی ارسال گردد. مصوبات هیأت اجرایی با امضای دبیر هیأت اجرایی به واحدهای ذی‌ربط از طریق دبیرخانه ابلاغ می‌گردد.» (نوبخت، ۱۳۷۵: ۱۰۱-۱۰۳). همان‌طور که گذشت، محدوده‌ی تصمیم‌سازی جمعیت از تعداد ۵ نفر فراتر نمی‌رود و شعب جمعیت در استان‌ها و شهرستان‌ها نیز از مراکز متابعت می‌کنند.

نگاهی به تحولات اساس‌نامه‌ای ارگان جمعیت از ۱۳۰۱ تا ۱۳۸۱ هـ. ش، و عوامل تغییرات

اولین اساس‌نامه‌ی جمعیت هلال‌احمر در شرایطی تهیه و به تصویب شورای ملی رسید که چند ماه قبل، میثاق جامعه‌ی ملل به تصویب دولت‌های مؤسس رسیده بود؛ میثاقی که اصول آن، تحت تأثیر فضای ایده‌آلیستی و اصول چهارده‌گانه‌ی ویلسون بود. دولت‌های امضاکننده، امیدوار بودند که با پذیرش آن، صلح در جهان حکم‌فرما گردد؛ از این رو، در اصل ۲۵ میثاق، ایجاد جمعیت‌های ملی صلیب سرخ با هدف کاهش آلام بشری و پیشبرد بهداشت، درمان و رسیدگی به آسیب‌دیدگان مورد توجه قرار گرفت.

ایران، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در دی‌ماه ۱۳۰۰، میثاق را پذیرفت و درست، یک‌سال بعد از اولین اساس‌نامه‌ی جمعیت، در اسفندماه ۱۳۰۱، به تصویب شورای ملی رساند. این اساس‌نامه در فضای ایده‌آلیستی حاکم بر نظام بین‌المللی و نیز حاکمیت حکومت مشروطه در ایران، علی‌رغم عوامل تهدیدکننده‌ی داخلی و شرایط بحرانی ایران از جمله: ظهور و سقوط پی‌درپی کابینه‌های دولت، قدرت‌گیری روزافزون رضاخان، فعالیت احزاب کمونیست و ترس انگلستان از به دام کمونیسم افتادن ایران، و نهایتاً زوال روزافزون سلسله‌ی قاجار، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اساس‌نامه‌ی به تصویب رسیده، متأثر از حاکمیت پیشرو مشروطیت در ایران، بسیار دموکراتیک و مدرن بود. در این اساس‌نامه که ذیلاً خواهد آمد، ارکان جمعیت عبارت بودند: از مجمع عمومی، هیأت مرکزی و هیأت اداری و اجرایی. در این اساس‌نامه، توازن قدرت به نفع مجمع عمومی بوده، و اعضای هیأت مرکزی به

انتخاب اعضای مجمع، و اعضای هیأت اداری نیز به انتخاب هیأت مرکزی صورت می‌پذیرفته است. کلیه اقدامات اساسی، مثل تغییر مواردی از اساس‌نامه، و تصویب گزارش عملیات جمعیت، توسط مجمع عمومی صورت می‌پذیرفت. از دیگر موارد مهم، انتخاب ۳۰ نفر از اعضای هیأت مرکزی بود که به رأی مخفی صورت می‌پذیرفت و هیچ مقام دولتی، تحت عنوان مقام و صاحب منصب دولتی، در هیأت مرکزی یا مجمع عمومی شرکت نداشتند؛ و این، خود نشان‌دهنده‌ی استقلال و مدیریت دموکراتیک سازمان در آن مقطع زمانی می‌باشد.

۲- اساس‌نامه‌ی جمعیت از سال ۱۳۱۲

بعد از به قدرت رسیدن و قدرت گرفتن رضاخان و شروع دور دوم حکومت وی، یعنی دوره‌ی دیکتاتوری که با ترور و ترس در جامعه همراه بود، ساختارهای دموکراتیک نیم‌بند از هم پاشیده شد. در این دوره، نظام سیاسی، بسته عمل می‌کند. این سال‌ها اوج قدرت رضاشاه است و در همه جا رد پای قدرت مطلقه‌ی او دیده می‌شود. از آن جا که جمعیت شیر خورشید سرخ، توسط وی مدیریت می‌شده، توجه خاصی نیز به جمعیت داشته است. بر همین اساس، بعد از خارج شدن از بحران‌های داخلی در سال ۱۳۱۲، اساس‌نامه‌ی جمعیت مورد توجه قرار گرفته، و نظر به شرایط دیکتاتوری حاکم بر جامعه، مورد تجدید نظر قرار گرفته است. نکته‌ی شایان توجه در این اساس‌نامه، تغییر جایگاه قدرت است؛ به صورتی که از قدرت مجمع عمومی کاسته شده و بر قدرت شورای عالی (هیأت مرکزی) افزوده گردیده است. در واقع، در این اساس‌نامه، ارکان اصلی جمعیت را مجمع عمومی، شورای عالی و هیأت مدیره‌ی مرکزی تشکیل می‌دهند.

اعضای مجمع عمومی را در این دوره، غالباً منصوبین و انتخاب‌شده‌های دربار تشکیل می‌دادند؛ و لذا می‌توان نتیجه گرفت که از کیفیت دموکراتیک اساس‌نامه کاسته شده، و راه دست‌اندازی دولت به جمعیت فزونی گرفته است؛ به طوری که جمعیت، گزارش سال گذشته و آتی خود را نه تنها به مجمع عمومی که باید به وزیر داخلی نیز ارائه دهد. مورد دیگر این که بازرس را شورای عالی انتخاب می‌کند، حال آن که معمولاً مجمع عمومی بازرس یا بازرسان را انتخاب می‌کند و بازرس نیز جواب‌گوی مجمع می‌باشد.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۱۳

در این اساس‌نامه، نشست شورای عالی هر سه ماه یکبار صورت می‌پذیرد و این نشست بیشتر به درخواست وزیر داخلی، خارجه و یا جنگ صورت می‌پذیرد.

وظایف رئیس جمعیت

- ریاست بر جلسات شورای عالی، هیأت مدیریت و مجمع عمومی؛
- مراقبت بر اجرای اساس‌نامه و حسن جریان کار؛
- واسطه‌ی ارتباط جمعیت با دولت.

وظایف مدیر عامل

- مسئول اجرای مقررات هیأت مدیره؛
- انتظام امور اداری؛
- حفظ اموال جمعیت؛
- گزارش کار به هیأت مدیره؛
- استخدام نیروی مورد نیاز؛
- منشی در جلسات هیأت مدیره‌ی شورای عالی و مجمع عمومی.

۳- اساس‌نامه‌ی جمعیت از سال ۱۳۲۲

در پی خروج رضاشاه از کشور، از نفوذ دربار بسیار کاسته شد، ولی از نظر نهادی، جایگاه پادشاه و موقعیت دربار به هیچ‌وجه دگرگون نشد و نبرد بر سر قدرت به سبک سنتی و به شیوه‌ی مسلط ادامه یافت؛ نبردی که در روند تکوین آن، دربار و درباریان مدعی اصلی به شمار می‌رفتند. «در ده سال اول سلطنت محمدرضا شاه نهادهای مشارکت قانونی به فعالیت پرداختند و بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی وارد عرصه‌ی فعالیت سیاسی شدند.» (ازغندی، ۱۳۷۹: ۳۶). وجه متمایز این دوره، کاهش نسبی قدرت دربار به صورت مظهر حکومت مطلقه در سیطره بر جامعه‌ی سیاسی بود؛ هر چند موقعیت خود را در فرصت‌های مختلف بعدی تحکیم بخشید. در این دوره احزاب سیاسی شروع به فعالیت کردند و نهادهای مدنی در این فضای باز فعالیت خوبی از خود نشان دادند. در ایجاد این فضای باز سیاسی که کاملاً عکس شیوه‌ی حکومت رضاشاه در ۱۰ سال آخر حکومت می‌باشد، عواملی چند، از جمله موارد زیر موثر بوده‌اند:

- اشغال ایران توسط قوای انگلیسی و شوروی در شهریور ۱۳۲۰؛
 - استعفا و خروج رضاشاه از ایران؛
 - رایزنی‌هایی که محمدعلی فروغی برای انتخاب شاه ایران با انگلیسی‌ها انجام داد؛
 - انتخاب محمدرضا شاه جوان که تجربه‌ای از حکومت‌داری جز سر سپردگی در مقابل پدر نداشت؛
 - تحصیلات محمدرضا شاه در کشور دموکراتیکی مثل سوئیس.
- در این برهه‌ی زمانی، اوضاع سیاسی ایران کاملاً بی‌ثبات بود و ظهور و سقوط شش کابینه از شهریور ۱۳۲۰ تا اردیبهشت ۱۳۲۴ دلیلی بر این مدعاست (فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ۱۳۷۱: ۱۲۶). جهان نیز در این زمان، در آتش جنگ جهانی دوم می‌سوخت و دشمن مشترکی چون آلمان نازی، سه دشمن خونی را در کنار هم قرار داده، و ایران مرکز ثقل و هم‌گرایی این سه قدرت جهانی بوده است که کنفرانس تهران در سال ۱۳۲۲، نمونه‌ی بارز آن به شمار می‌رود. شرایط گفته شده، باعث شد در سال ۱۳۲۲ جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران (هلال احمر کنونی)، یکی دیگر از اساس‌نامه‌های دموکراتیک را بعد از آن اساس‌نامه‌ی وابسته به دولت به تصویب برساند. ارکان جمعیت که ذیلاً نشان داده می‌شود، از چهار رکن؛ یعنی، مجمع عمومی، هیأت مرکزی، هیأت مدیره، و هیأت بازرسی شکل گرفته است. از نکات قابل توجه این اساس‌نامه، تمرکز قدرت در مجمع عمومی است؛ به طوری که انتخاب هیأت مرکزی، هیأت بازرسی و تصویب بودجه، تغییرات اساس‌نامه را بر عهده دارد، حال آن‌که در دیگر اساس‌نامه‌ی جمعیت، هیچ زمانی مجمع عمومی دارای چنین قدرتی نبوده است، و تاکنون نیز سابقه‌ای ندارد. از دیگر نکات قابل توجه، این است که، هیچ شخصیت حقوقی دولتی، صرف عضو دولت بودن، در آن عضویت ندارد. در این اساس‌نامه، اعضای هیأت بازرسی از طرف مجمع انتخاب و به مجمع پاسخ‌گو می‌باشند، حال آن‌که در دیگر اساس‌نامه‌ها غالباً از طرف هیأت مرکزی انتخاب می‌شدند و اول به آن گزارش می‌دهند. هم‌چنین در اعضای هیأت مرکزی که توسط مجمع انتخاب می‌شده‌اند، نشانی از حضور دولت دیده نمی‌شود.

۴- اساس‌نامه‌ی جمعیت از سال ۱۳۲۷

بعد از آن اساس‌نامه‌ی دموکراتیک که حاصل شرایط نظام بین‌الملل و داخلی کشور بود، با قدرت‌گیری محمدرضا شاه، نظام سیاسی ایران دوباره بسته می‌شود؛ چرا که اصولاً محمدرضا شاه به‌رغم تحصیل در کشور دموکراتیکی چون سوئیس، هیچ اعتقادی به حکومت دموکراتیک نداشت. او در آخرین کتاب خود در باب نوع حکومت و توجیه حکومت دیکتاتوری نوشته است: «حکومت دموکراتیک در ایران سرابی بیش نبود. ما ناگزیر بودیم که راه خود را انتخاب کنیم؛ انتخاب ما میان استبداد و حکومت مطلقه بود.» (پهلوی، محمدرضا، ۱۳۷۱: ۳۱۵-۳۱۶).

«محمدرضا از فضای باز سیاسی بعد از اشغال کشور و گریز رضاشاه و حاکمیت دوباره‌ی قانون و آزادی، شدیداً اظهار یأس می‌کرد و به اطرافیان، حتی به پیشخدمت‌ها می‌گفت: که با این وضع، سلطنت چه معنی دارد و ماندن من در کشور چه فایده دارد!... در او این تناقض به وجود آمده بود که یا باید همه‌کاره باشد یا هیچ‌کاره... ولی پس از سال ۱۳۲۵ این دوره سپری شده بود و محمدرضا احساس می‌کرد که "می‌تواند" و باید "همه چیز" باشد.» (فردوست، ۱۳۷۱: ۱۷۰).

این اعتقاد شاه به روش حکومت‌داری، در تمام ساختارهای حکومتی و اجتماعی ایران تجلی می‌یافت؛ به طوری که «دستگاه حکومتی محمدرضا شاه از سال‌های ۱۳۲۴ به بعد، یعنی پس از پایان جنگ جهانی دوم و خروج نیروهای روس از ایران، دائماً کنترل خود را از طریق نیروهای مسلح بر جامعه‌ی ایران افزایش داده و بالأخص پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ این روند، تکمیل شده و محمدرضا کنترل خود را بر فعالیت‌های مردم تنگ‌تر و شدیدتر کرد.» (ازغندی: ۶۵).

به همین دلیل، نهادهای قانونی و مدنی که بعد از حوادث ۱۳۲۰ شکل گرفته بودند، یکی‌یکی سرکوب و غیرقانونی اعلام شدند؛ به طوری که بعد از ترور نافرجام شاه در سال ۱۳۲۷ همه چیز تمام شد و عموم احزاب و تشکلات از هم پاشید.

رژیم شاه در این برهه، علاوه بر تمام نهادهای دولتی، سازمان‌های غیردولتی و از جمله جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران را در اختیار داشت؛ چنان‌که از سال ۱۳۲۷ به بعد ریاست عالی‌هی جمعیت برعهده‌ی شمس پهلوی، خواهر محمدرضا شاه بود.

از لحاظ روابط بین‌المللی نیز شرایط به گونه‌ای بود که اختلاف شوروی کمونیست با آمریکا و انگلیس بالا گرفته، و شوروی مجبور به تخلیه‌ی ایران شده بود و دولت‌های غربی در صدد ایجاد پیمان دفاعی ناتو در مقابل کمونیسم بودند؛ بنابراین، وجود دولتی قدرتمند و مطلقه که بتواند هرگونه نفوذ کمونیسم را در ایران از بین ببرد، از منظر قدرت‌های غربی نیز بسیار مطلوب و مفید ارزیابی می‌شد.

در این فضای سیاسی حاکم بر جامعه و نظام بین‌المللی که کاملاً متفاوت با سال ۱۳۲۲ بود، طبیعی بود که اساس‌نامه‌ی جمعیت نیز تحت نفوذ و سیطره‌ی دربار قرار می‌گیرد و دستخوش تغییرات می‌شود و وضعیت دموکراتیکی که از سال ۱۳۲۲ حاکم شده بود، به وضعیتی کاملاً بسته و وابسته به حکومت تغییر می‌یابد.

ارکان جمعیت، در اساس‌نامه‌ی ۱۳۲۷ عبارت بودند از:

۱- ریاست عالی، هیأت بازرسی، مجمع عمومی، هیأت مرکزی و هیأت مدیره.
در این اساس‌نامه همان‌طور که ذیلاً شرح داده شده است، چند نکته حائز اهمیت اساسی می‌باشد.

- قدرت اصلی در دست ریاست عالی می‌باشد که از اعضای دربار است؛
- بعد از ریاست عالی، قدرت اجرایی و عملی در دست هیأت مرکزی است؛ خلاف آن‌چه که باید در دست مجمع عمومی باشد؛ به‌طوری‌که از ۳۴ نفر اعضای این هیأت، ۱۰ نفر از طرف ریاست عالی انتخاب می‌شوند و ۱۴ نفر نیز بر اساس شغل و مقام، عضو این هیأت می‌باشند که از جمله‌ی آن‌ها وزیر فرهنگ، وزیر بهداشت، رئیس دانشگاه، رئیس ستاد ارتش، وزیر کشور، رئیس بهداری ارتش و رؤسای بخش‌های هشتگانه‌ی جمعیت هستند که آن‌ها هم از طرف ریاست عالی انتخاب می‌شوند. در واقع از ۳۴ نفر، ۲۴ نفر دارای شخصیت حقوقی دولتی می‌باشند که یا از طرف ریاست عالی انتخاب شده‌اند و یا به واسطه‌ی موقعیت شغلی دولتی خود عضو هیأت مرکزی هستند؛ حال آن‌که واحد بازرسی نیز از طرف ریاست عالی انتخاب یا منصوب می‌شوند. هم‌چنین با نظر به مجموعه وظایف هیأت مرکزی، می‌توان دریافت که جمعیت، هر چند به‌ظاهر دارای مجمع عمومی، هیأت مرکزی و هیأت مدیره نیز بوده، اما واحدی بسته و غیردموکراتیک و وابسته به دولت بوده

است. در واقع، محتوای وظایف هیأت با توجه به اعضای هیأت مرکزی، غیرمردمی بودن آن را می‌رساند. نکته‌ی قابل توجه دیگر، تشکیل مجمع عمومی در هر دو سال یک‌بار است، ولی هیأت مرکزی هر ماه دو بار تشکیل جلسه می‌دهد و این نیز به قدرت گرفتن هیأت مرکزی کمک می‌کند.

۵- اساس‌نامه‌ی ۱۳۵۹

با پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل وضعیت و شرایط خاص پیش‌آمده، جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران سریعاً مورد توجه نیروهای انقلابی قرار گرفت؛ چرا که معمولاً در شرایط انقلابی، عموم ساختارهای اجتماعی، دچار دگرگونی می‌شوند و هرچه آمال انقلابیون با واقعیت‌های جامعه‌ی قبل از انقلاب، فاصله‌ی زیادتری داشته باشد، در زمان انقلاب بر شدت تغییرات افزوده می‌شود؛ و این جمعیت از این وضعیت بی‌بهره نبود. با توجه به مسائل یادشده و شرایط انقلابی، اساس‌نامه‌ی جمعیت در سال ۱۳۵۹ مورد توجه و اصلاح قرار گرفته، و پیکان تحولات، ارکان جمعیت را نشانه می‌رود. ارکان، در این اساس‌نامه عبارت بودند از: مجمع عمومی، هیأت اجرایی، و دو نفر بازرس به انتخاب مجمع عمومی. ترکیب اعضای مجمع عمومی که ذیلاً آمده است، نشان از دولتی محسوب‌شدن جمعیت داشته است. اعضای مجمع از میان خود شش نفر را به عنوان عضو هیأت اجرایی انتخاب کرده، و امور جمعیت به دست هیأت اجرایی برای مدت ۴ سال اداره می‌شده است و ریاست جمعیت را مجمع عمومی انتخاب و منصوب می‌کرده؛ هرچند ریاست عالی بر عهده‌ی رئیس‌جمهور بوده است. این اساس‌نامه، طی تبصره‌ی ۴ و ۳ ماده واحده‌ی ۱۳۶۲، در دو زمینه دستخوش تغییرات قرار گرفته، به نحوی که ریاست جمعیت، - که در اساس‌نامه‌ی ۱۳۵۹ توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شده - بر اساس این ماده، به پیشنهاد وزیر بهداشت و تایید هیأت وزیران و با حکم وزیر بهداشت انتخاب می‌شود. در این وضعیت، وضعیت صوری و نیم‌بند دموکراتیک آن نیز از بین می‌رود و عملاً جزئی از وزارت بهداشت محسوب می‌گردد.

وظایف رئیس جمعیت:

۱- دستور ارسال کمک‌ها و عوامل امدادی به سایر کشورها؛

- ۲- گشایش مجمع عمومی و اداره‌ی آن؛
- ۳- گشایش کنفرانس‌های بین‌المللی و منطقه؛ اگر در ایران باشد؛
- ۴- اعطا نشان درجه‌ی دوم و عناوین افتخاری؛
- ۵- امضای صورت‌جلسات مجمع عمومی؛
- ۶- ابلاغ آیین‌نامه‌ها و مقررات اجرایی مصوب هیأت اجرایی؛
- ۷- مراقبت بر حسن اجرای اساس‌نامه‌ی جمعیت و سرپرستی امور بین‌المللی؛
- ۸- نظارت بر قراردادهای بین‌المللی و حفظ تفاهمات و ارتباط با اتحادیه و کمیته‌ی صلیب سرخ و هلال‌احمر؛
- ۹- امضای نامه‌ها و مکاتبات بین‌المللی؛
- ۱۰- انجام امور محوله بر اساس اساس‌نامه و مقررات؛
- ۱۱- انتخاب نمایندگی سهام و حقوق و منافع جمعیت نزد شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاص حقیقی و حقوقی، و تعیین و معرفی مدیران و مسئولان در موارد لزوم.

وظایف دبیر کل:

- سرپرستی کلیه‌ی امور اداری، اجرایی و مالی سازمان‌های وابسته؛
 - مسئول اجرای تصمیمات رئیس و هیأت اجرای جمعیت (اختیار کامل)؛
 - نمایندگی رسمی جمعیت در نزد مراجع قانونی.
- (جمعیت می‌تواند به جای انتخاب بازرس از وجود مؤسسات حساب‌رسی رسمی استفاده کند).
- (هیأت اجرایی مسئول اداره‌ی امور جمعیت می‌باشد و اعضای آن برای چهار سال به شکل چهار نفر اصلی و دو نفر علی‌البدل از طرف مجمع عمومی و از اعضا مجمع انتخاب می‌شوند).

ماده واحده‌ی ۱۳۶۲

مطابق تبصره‌ی ۴ این ماده واحده، ریاست جمعیت، با پیشنهاد وزیر بهداشت و تأیید هیأت وزیران و با حکم وزیر مذکور به آن سمت منصوب و یا عزل می‌شود. با این تبصره در واقع مجمع عمومی نیم‌بند نیز از بین رفته است و شخصیت

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۱۹

نیمه‌مستقل جمعیت که از بدو تأسیس به نحوی حفظ شده بود، تابعی از وزارت بهداشتی شده است.

با نگاه به تبصره‌ی ۳ این ماده که در آن آمده است: «به منظور تقویت و تحکیم نیروی جمعیت، و ایجاد تسهیلات لازم در جهت اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های جمعیت، و صیانت منابع مالی کافی، دولت موظف است، علاوه بر بذل مساعدت و همکاری در شئون مختلف، هرساله در بودجه‌ی کل کشور ردیف اعتبار به عنوان اعانه‌ی جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران منظور دارد تا بر طبق اساسنامه‌ی مصوب و مقررات و ضوابط خاص جمعیت به صرف برسد.» (نوبخت: ۲۶-۲۷). این قدم در جهت تحکیم خط مشی و برنامه‌های دولتی در جمعیت بسیار کارآمد بوده، تا جایی که بعد از گذشت ۱۹ سال، جمعیت در اجرای اکثر برنامه‌های خود نیازمند بودجه‌ی دولتی است. شاید با توجه به دو تبصره‌ی یادشده بتوان گفت که، استقلال جمعیت به عنوان یک NGO زیر سؤال رفته است؛ هرچند در ماده واحده‌ی مصوب دولت به سال ۱۳۷۳، جمعیت هلال‌احمر به عنوان سومین واحد غیر دولتی معرفی شده است (پیشین: ۲۸-۲۹).

این دو تغییر، باعث شروع دور جدیدی در اداره‌ی امور جمعیت بوده است؛ به‌طوری‌که یکی از رؤسا توسط وزیر بهداشتی در سال ۶۱ به سمت ریاست جمعیت انتخاب و منصوب شد و تا سال ۱۳۷۷ در این سمت باقی بود و هیأت اجرایی نیز تابعی از خواسته‌های رئیس جمعیت محسوب می‌شده است.

با تغییراتی که در اساسنامه در حوزه‌ی ارکان جمعیت در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۷ به وجود آمد، و تا کنون ۱۳۸۱ نیز حاکم است، ارکان جمعیت عبارت‌اند از: رئیس جمعیت، دبیر کل، خزانه‌دار کل، و هیأت اجرایی. در این اساسنامه، رئیس جمعیت توسط وزیر بهداشت پیشنهاد و توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود. این رئیس، خود اعضای هیأت اجرایی را به طور مستقیم و یا غیرمستقیم انتخاب و منصوب می‌کند. در واقع بعد از انتخاب و منصوب شدن رئیس، خود شخصاً دیگر اعضای ارکان را منصوب و یا معزول می‌کند؛ و با نظر به منابع مالی کنونی جمعیت و

مشکل مدیریتی آن، می‌توان گفت، جمعیت قسمتی از دولت محسوب شده است؛ هرچند در بخشنامه‌های متعددی آن را غیر دولتی اعلام کرده‌اند.

زمانی یک سازمان، «غیر دولتی» محسوب می‌شود که در تصمیمات و برنامه‌های آن، دولت دخالت نکند. زمانی که رئیس جمعیت، خود منصوبی از طرف دولت است و قسمت اعظم منابع مالی جمعیت از طرف واحدهای دولتی تأمین می‌شود و به حساب دولت و از طریق سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی طی موافقت‌نامه به حساب آن ریخته می‌شود، چگونه می‌توان انتظار داشت جمعیت بتواند استقلال خود را حفظ کند؟!

تغییر اساسنامه‌ی جمعیت در سال ۱۳۶۷، حاصل عوامل متعددی بود که در سال‌های ۶۷ و ۶۸ بعد از جنگ به اوج خود رسید؛ به‌طوری‌که در بخش‌های مختلف جامعه و چگونگی توزیع قدرت بین نخبگان سیاسی نیز تاثیرگذار بوده است. فقط به همین اندازه بسنده می‌کنیم که تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۳۰۱ تا سال ۱۳۸۱ در نحوه‌ی مدیریت و تحولات این سازمان اثرات مستقیم و غیرمستقیم داشته است و این خود نمودی از وابستگی این سازمان به دولت می‌باشد.

۶- اساسنامه‌ی ۱۳۶۷ (از ماده‌ی ۷ الی ۱۵)

در این اساسنامه، طبق ماده‌ی ۷، اداره‌ی امور جمعیت توسط رئیس جمعیت صورت می‌گیرد که عزل و نصب نامبرده به پیشنهاد وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و حکم ریاست جمهوری انجام خواهد شد. رئیس جمعیت بجز نماینده‌ی مقام رهبری، شخصاً بقیه‌ی اعضای هیأت اجرایی را منصوب و معزول می‌نماید.

وظایف:

آیین‌نامه که توسط رئیس جمعیت تهیه می‌شود و به تصویب وزیر بهداشت می‌رسد، تعیین می‌شود.

وظایف بازرسان

- بازرسی و نظارت مستمر بر اجرا و انطباق نحوه‌ی اداری امور جمعیت با اساسنامه‌ی آیین‌نامه‌ها و مقررات داخلی و بین‌المللی؛

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۲۱

- رسیدگی به کلیه حساب‌ها و دفاتر و اوراق و اسناد مالی. درآمدها و دارایی‌ها؛
- اعلام کتبی تخلفات در نحوه‌ی اداره‌ی امور جمعیت و تجاوز از حدود
اساس‌نامه‌ی آیین‌نامه و مقررات به رئیس جمعیت و هیأت اجرایی؛
- بررسی و اظهار نظر درخصوص گزارش‌های سالانه‌ی هیأت اجرایی، ترازنامه،
تفریغ بودجه‌ی سال پیش؛

- تهیه‌ی گزارش جامعی از وضع جمعیت و ارائه به رئیس؛
- تقاضای تشکیل جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی هیأت اجرایی به ریاست وزیر بهداشت.
در اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴ تغییر در نحوه‌ی مدیریت و ارکان جمعیت نشده است.
جلسات، حداقل ماهی یک‌بار تشکیل می‌شود و اعضا در قبال تصمیمات مسئولیت
مشترک دارند؛ ولی در زمان‌های اضطراری رئیس شخصاً می‌تواند تصمیمات لازم
اتخاذ و گزارش آن را در اولین جلسه به اطلاع اعضای هیأت برساند.
با این اوصاف پیداست جمعیت هلال‌احمر تابعی از خواسته‌ها و خط مشی‌های
وزیر بهداشت است؛ هرچند بازرسان در درجه‌ی اول، گزارش اقدامات خود را به
هیأت اجرایی و رئیس جمعیت می‌دهند و این امر به تمرکز قدرت در دست رئیس
جمعیت کمک می‌کند.

با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی ایران و شرایط بین‌المللی، به نظر می‌رسد
نیازی اساسی و جدی به تحول و دگردیسی در ارکان جمعیت و دموکراتیزه کردن
آن احساس می‌شود؛ مخصوصاً این‌که فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال
احمر بعد از تغییراتی که در وضعیت اجتماعی ایران ایجاد شده، توجهی خاص به
جمعیت هلال احمر ایران دارند؛ و لذا امید می‌رود با تغییراتی مناسب در اساس‌نامه،
این جمعیت در مسیر سیاست جهانی و بازگشت به نقش اصلی خود قرار گیرد. با
این همه، در این خصوص ذکر چند نکته ضروری است:

۱- این تغییرات نباید به صورتی باشد که جمعیت ایران، با توجه به امکانات و
حوزه‌ی فعالیت وسیعی که دارد، ابزاری در دست واحدهای خارج از مرزهای سیاسی
قرار گیرد؛

۲- همیشه این سازمان‌ها مورد توجه قدرت‌های اصلی جهان بوده و هستند و از آن‌ها به عنوان ابزارهای دیپلماسی استفاده و بهره‌برداری می‌کنند؛ لذا نباید جمعیت ایران درخصوص موضوع اشاعه‌ی اصول و دموکراتیزه کردن، افراط و تفریط کند، بلکه باید به این موضوع مهم توجه کافی داشته باشد که هنوز دنیای سیاست با واقعیت‌ها و عنصر قدرت سرکار دارد و این سازمان‌ها خارج از سیاست بین‌الملل کار نمی‌کنند؛

۳- فعالیت‌های این سازمان‌ها باید تحت نظارت دولت و با کارشناسی صحیح صورت پذیرد که آثار مخربی در درازمدت بر باورهای ملی و حس وطن‌پرستی و دینی جوانان و تحصیل‌کردگان نگذارد؛

۴- دموکراتیک بودن، زمانی معنا پیدا می‌کند که سیاست بین‌المللی بر اساس یک نظام سیاسی دموکراتیک اداره شود نه این‌که بعضی کشورهای مسلط با سیاست «چماق و هویج» در عرصه‌ی سیاست بین‌المللی حضور داشته باشند.

با توجه به مطالب گفته شده، لازم است اولاً در تغییر اساس‌نامه و دموکراتیک کردن آن، اندیشه‌ی لازم را مبذول نمایند؛ ثانیاً در اشاعه‌ی اصول نهضت در میان جوانان و دانشجویان احتیاط لازم به خرج دهند؛ ضمن این‌که از رابطه و مشارکت با سازمان‌های غیر دولتی کشورهای شمال و جمعیت‌های ملی شمال تلاش نماید برای جوانان و دانشجویان علم و تکنولوژی، گروهی کار کردن را اخذ و ارائه نماید تا از این طریق در کاهش آلام بشری تلاش لازم صورت پذیرد. به عبارتی بحث مهم و مهم‌تر را مدنظر داشته باشند.

ساختار و تشکیلات اجرایی

تغییرات معمولاً برای تطبیق با شرایط و نیازهای جدید صورت می‌گیرد و تغییراتی که در اساس‌نامه‌ی جمعیت در طی حیات خود در ایران به وجود آمده، برخاسته از این احساس نیاز به هماهنگی و مطابقت با نیازها بوده است. آخرین تحول در اساس‌نامه و ساختار جمعیت، در سال ۱۳۷۹ صورت گرفت و امروزه ساختار و ارکان آن، برپایه‌ی این تغییر به شرح زیر است:

تشکیلات ستادی

۱- سازمان امداد و نجات؛

۲- سازمان داوطلبان؛

۳- سازمان جوانان؛

۴- سازمان تدارکات، تولید دارو و تجهیزات پزشکی؛

۵- معاونت درمان و توان‌بخشی؛

۶- مرکز آموزش و تحقیقات؛

۶- اداره‌ی کل امور بین‌الملل.

تشکیلات اداری جمعیت

۱- معاونت اداری و پشتیبانی؛

۲- معاونت حقوقی و برنامه‌ریز آمار و امور مجلس؛

۳- اداره‌ی کل روابط عمومی؛

۴- حراست و گزینش.

غیر از حراست و اداره‌ی کل امور بین‌الملل که مستقیماً زیر نظر رئیس جمعیت فعالیت می‌کنند، بقیه‌ی سازمان‌ها و واحدها زیر نظر دبیر کل جمعیت انجام وظیفه می‌نمایند.

نظر به نقش مهمی که ارکان جمعیت دارند، در سطور آتی به اختصار به بعضی از این سازمان‌ها اشاره، و در حد مجال، وظایف و شاخصه‌های آن‌ها توضیح داده می‌شود.

سازمان امداد و نجات

این سازمان با توجه به وضعیت جغرافیایی ایران که در یکی از مناطق پرحادثه‌ی جهان قرار گرفته، امروز به عنوان بزرگ‌ترین سازمان امدادونجات و سوانح در داخل کشور و جزء پنج کشور اول جهان از لحاظ تجهیزات و توانایی‌های امدادی است. این سازمان بر اساس بندهای ۱ و ۲ و ۳ از ماده‌ی قانونی اساسی فعلی مصوب سال ۱۳۷۴ جمعیت فعالیت می‌کند.

وظایف جمعیت در سطح کشور و خارج از کشور به شرح زیر می‌باشد:

۱- ارائه‌ی خدمات امدادی در هنگام بروز حوادث و سوانح طبیعی، مثل زلزله،

سیل و غیره؛

۲- ارائه‌ی کمک‌های اولیه‌ی در حوادث غیرمترقبه؛

۳- برنامه‌ریزی و اقدام در جهت آمادگی مقابله با حوادث و سوانح و آموزش عمومی در این زمینه، و تربیت کادر امدادی و نیروی انسانی موردنیاز.

سابقه‌ی اقدامات امدادی جمعیت به زمان تأسیس آن در مواد ۳ و ۴ و ۵ قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت به تاریخ ۱۳۰۱ بر می‌گردد. در این مواد آمده است:

- چون که شعبه از مقاصد این جمعیت مداوا و معالجه‌ی مرض و مجروحین اردوهاست، لهذا بالطبع هرگونه تشکیلات نظامی که راجع به این مسائل باشند، بر عهده‌ی جمعیت مزبور خواهند بود؛

- همین طور جمعیت شیروخورشید سرخ برای حمل‌ونقل و معالجه‌ی مجروحین میدان‌های جنگ در حدود امکان مریض‌خانه‌های ثابت و سیار هیأت‌های تعاونیه و وسایل حمل‌ونقل صحیحی تهیه خواهد نمود؛

- جمعیت شیروخورشید سرخ در غیر مواقع جنگ، هنگام وقوع مصائب بزرگ از قبیل حریق، غارت‌زدگی و امراض مسریه‌ی عمومی، معاونت خود را به میزانی که مخارج لازمه از حدود عایدات یک‌ساله تجاوز نکند، ابراز خواهد داشت.

با نظر به مواد قانون اساسی‌نامه‌ی ۱۳۰۱ جمعیت، دو موضوع مد نظر می‌باشد؛ اول، این که از بدو تأسیس، مساله‌ی بهداشت، درمان و امداد و نجات را مورد توجه خاص قرار داده است؛ و دوم، این که درجه‌ی اول اهمیت را به امداد و نجات و بهداشت و درمان نیروهای نظامی قرار داده است، به‌طوری که در ماده‌ی ۳، مداوا و معالجه‌ی مرضی و مجروحین اردوها، و در ماده‌ی ۴، مجروحین جنگ، و در ماده‌ی ۵، بعد از ذکر و اولویت قراردادن جنگ به مسائل دیگر می‌پردازد که نشان از توجه زیاد به قراردادهای چهارگانه و پورتکل‌های الحاقی ژنو دارد.

در ۱۹۳۷ نامه‌ای به شماره‌ی ۷۵۴ از اتحادیه‌ی صلیب سرخ مبنی بر تشکیل واحدهای امداد جاده‌ای ارسال می‌شود که به دستور نخست‌وزیر وقت در سال ۱۳۱۶ بایگانی می‌شود (گزارش فعالیت‌های انجمن، ۱۳۱۸: سند ۱۴۳۵-۱۰۹۰۰۵)؛ اما در سال ۱۳۲۲ که اساس‌نامه‌ی جدید شکل می‌گیرد، اساس‌نامه‌های قبلی را بی‌اثر و ملغی اعلام داشته است.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۲۵

در بخش دوم از مقاصد جمعیت در هنگام صلح، بند مستقلى آمده که در آن از امداد بهداشتی در موارد بلیات و مصائب عمومی از قبیل حریق، زلزله، سیل، طاعون، وبا و سایر بیماری‌های واگیردار سخن رفته است. و این زمان آغازگاهی برای فعالیت واحد امداد و نجات جمعیت محسوب می‌شود، مخصوصاً این که در این زمان حوادثی در غرب کشور روی می‌دهد و واحد امداد و نجات عملاً فعالیت خود را شروع می‌نماید.

قسمت امداد جمعیت، بزرگ‌ترین مرکز امدادرسانی کشور است که تجربه‌ی فعالیت ۸ ساله‌ی جنگ تحمیلی را در کارنامه‌ی خود دارد، و با داشتن توانایی‌ها و امکاناتی هم‌چون: ۵۰ پایگاه امداد جاده‌ای، ۳۲۰ پایگاه امدادی، ۳۶۰ انبار امدادی و ۱۰ پایگاه منطقه‌ای در رشته‌های امداد جاده‌ای، امداد کوهستان و امداد دریایی در امر جست‌وجو، نجات و کمک به انتقال مصدومان به مراکز درمان، اسکان موقت، بازماندگان و حمل اجساد قربانیان، و برپایی اردوگاه برای پناهندگان در مخاصمات، انجام وظیفه می‌کند.

رئیس سازمان امداد، توسط ریاست جمعیت منصوب می‌شود و مدیریت سازمان امداد و نجات را بر عهده دارد.

سازمان داوطلبان

برای شناخت سازمان داوطلبان، باید به جایگاه و نقش مردم در فعالیت‌های نوع‌دوستانه‌ی جمعیت، و اعضا و کارکنان آن توجه شود و به نظر می‌رسد بهترین وسیله‌ی شناخت آن، بررسی و مطالعه‌ی اساس‌نامه‌ی جمعیت است.

مطابق ماده‌ی ۱۰ اولین اساس‌نامه‌ی جمعیت (مصوب سال ۱۳۰۱)، اعضای جمعیت به سه قسم تقسیم شده است: «و هکذا، کلیه‌ی افراد و جماعات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و ادبی جزو این جمعیت توانند شد.» (اساس‌نامه‌ی ۱۳۱۰: ۱۴).

اعضای «معاون» عبارت‌اند از: «کسانی که فقط نقداً مساعدت می‌کنند و اعضای «عامله» عبارت‌اند از کسانی که هم نقداً و هم عملاً معاون می‌نمایند.»

و در ماده‌ی ۳۵ همین اساس‌نامه آمده است: «مرکز عمومی (مجمع عمومی) به ذوات محترم ایرانی و یا خارجی که خدمات شایان به جمعیت نموده باشند، عنوان عضویت افتخاری اعطا کرده و رقم افتخار به آنان می‌دهد (دیپلوم دتر).»

در ماده‌ی ۴۳ همین اساس‌نامه آمده است: «خدمات مذکور، تماماً افتخاری است؛ فقط در هر مرکزی از پایتخت و ایالات و ولایات یک نفر منشی مؤظفاً استخدام می‌شود.»

و ماده‌ی ۴۷ اساس‌نامه در این خصوص مذکور می‌دارد که: «خواتین محترمه‌ی ایرانی می‌توانند چه در پایتخت و چه در ایالات و ولایت و نواحی با ارتباط به مراکز مربوطه مراکز و شعب اثاثیه تشکیل دهند به تکالیف این‌گونه مراکز و شعب عجالاً جمع‌آوری اعانات و تهیه‌ی لوازم امدادی خواهد بود.» (پیشین: ۱۳۴۷).

بنا به آنچه گذشت، جمعیت شیروخورشید بر پایه‌ی کمک‌های نقدی و عملی عامه‌ی مردم تشکیل شده است. بر همین اساس، می‌توان گفت، اساس و پایه‌ی مدیریت و منابع مالی برپایه‌ی جلب هم‌کاری مردمی بنا شده، و همان‌طور که در ماده‌ی ۴۳ ذکر آن رفت، خدمات، جز استخدام یک منشی حقوق‌بگیر افتخاری بوده است.

در ماده‌ی ۹ اساس‌نامه‌ی جمعیت به سال ۱۳۲۷ آمده است: «خدمات شیروخورشید سرخ ایران، افتخاری و مجانی است؛ مگر خدمتی که برای آن حقوقی در بودجه‌ی جمعیت معین شده و به تصویب هیأت مدیره رسیده باشد.»

با توجه به ماده‌ی ۹ اساس‌نامه، یک تغییر حاصل شده است و آن وجود دو قسم کارکنان است؛ یک قسم از آن‌ها بابت خدمات حقوق دریافت می‌کنند، ولی قسم دیگر به صورت داوطلب ارائه‌ی خدمت می‌دهند و این داوطلبان نیز چنان‌که در ماده‌ی ۲۱ اساس‌نامه آمده، خود به: کارمندان مؤسس، افتخاری، رسمی، و عادی تقسیم شده‌اند؛ و در ماده‌ی ۲۶ توجه می‌نماید که سمت کارمندی به‌وسیله‌ی استعفا یا در عدم ایفای تعهدات و پایداری در عدم پرداخت دیون (حق عضویت)... پس از رسیدگی کامل و تصویب هیأت مرکز کل با اکثریت دو ثلث، سلب خواهد شد.

در واقع در این اساس‌نامه نیز اساس خدمت در جمعیت داوطلبانه می‌باشد که به دو شکل امکان‌پذیر بوده است؛ اول، پرداخت حق عضویت؛ و دوم، پرداخت حق عضویت همراه با ایفای نقش در انجام خدمات نوع‌پرورانه که در صورت انجام‌دادن تعهدات، افتخار خدمت در جمعیت از آن‌ها سلب می‌شده است.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۲۷

در ماده‌ی ۶۹ اساس‌نامه نیز اعلام شده که: «جمعیت شیر و خورشید سرخ، فعلاً هشت بخش خواهد داشت.» و در ادامه‌ی بخش سوم جمعیت را بخش ازدیاد درآمد و اعضا ذکر می‌کند که در واقع همان بخش داوطلبان می‌تواند باشد. بر اساس ماده‌ی ۲ اساس‌نامه‌ی ۱۳۵۹، جمعیت اعضای خود را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- دسته‌ی اول، اعضای فعال هستند؛ کسانی که آمادگی خود را برای قبول انجام خدمات داوطلبانه یا امدادی یا سایر خدمات مربوط به جمعیت اعلام، و در یکی از واحدهای خدماتی و اجرایی به تناسب نیازهای جمعیت و امکانات خود به صورت داوطلبانه و رایگان قبول خدمت می‌کنند؛

دسته‌ی دوم، اعضای افتخاری هستند که به مناسبت انجام خدمات خیریه و یا کمک‌های مالی مهم به عضویت افتخاری جمعیت پذیرفته می‌شوند؛

دسته‌ی سوم، اعضای وابسته، می‌باشند؛ کسانی که بخواهند به عضویت فعال جمعیت پذیرفته شوند و در دو سال اول قبول خدمات داوطلبانه‌ی سمت عضو وابسته را خواهند داشت که پس از آن به سمت عضو فعال پذیرفته می‌شوند. (قبل از سال ۱۳۵۹ این اعضا بعد از معرفی دربار و تصویب مقام سلطنت به این درجه مفتخر می‌شده‌اند).

و در تبصره‌ی یک همین ماده آمده است: «تمام کسانی که تا تاریخ تصویب این اساس‌نامه به عنوان عضو بنیان‌گذار یا پیوسته یا عضو سازمان داوطلبان یا در سمت امدادگر با جمعیت همکاری داشته‌اند، می‌توانند به عضویت فعال جمعیت پذیرفته شوند، به شرط آن‌که در یکی از واحدهای خدماتی و اجرایی جمعیت به طور داوطلبانه قبول خدمت رایگان بنمایند.»

از این امر قانونی و تبصره‌ی آن چنین مستفاد می‌شود که: اولاً، در بدو انقلاب اسلامی نیز قسم اعظم نیروی انسانی مورد نیاز جمعیت را داوطلبان تشکیل می‌دادند؛ ثانیاً، تا زمان انقلاب اسلامی بخش داوطلبان به صورت یک سازمان درآمد است که در اساس‌نامه‌ی ۱۳۲۷ از آن به عنوان بخش مجزا یاد شده، و به امر ازدیاد اعضا و درآمد، مدیریت، و رتق و فتق امور داوطلبانه اشتغال داشته است.

در ماده‌ی ۲۲ اساس‌نامه‌ی جمعیت، مصوب ۱۳۷۴ بر به‌کارگیری نیروی داوطلب در بدنه‌ی جمعیت تأکید شده، هرچند که در این خصوص موفقیت‌چندانی نداشته است و این عدم توفیق، معلول عوامل متعددی است.

با توجه توجه روزافزون مجامع بین‌المللی به امور داوطلبان، «اداره‌ی کل داوطلبان» که در ساختار تشکیلاتی جمعیت تا سال ۷۹ تحت مدیریت معاونت خدماتی امور اجتماعی فعالیت می‌کرد، با تغییراتی که در ساختار مدیریتی و تشکیلاتی جمعیت ایجاد شده، از ابتدای سال ۱۳۷۹ مجدداً به سطح سازمان ارتقا یافت و امید است حرکت‌های جدی و به‌روزی را جهت داوطلبانه و مردمی‌کردن سازمان به انجام برساند تا جمعیت، به تحقق یکی از اصول اساسی نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر که همانا «خدمت داوطلبانه» است، نزدیک شده باشد.

سازمان داوطلبان مأموریت دارد تا مشارکت‌های مردمی را به صورت عملی در طرح‌ها و برنامه‌های جمعیت هلال احمر سازمان‌دهی کرده و به کار گیرد. برای به کارگیری نیروهای داوطلب در جمعیت‌های ملی تنها به منابع و مقدرات مالی توجه نشده، بلکه استفاده از تجربیات، تخصص‌ها، دانش و فرصت‌های داوطلبانه نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اعضای داوطلب جمعیت هلال احمر، اینک شامل دسته‌های زیر است:

۱- داوطلبینی که آموزش‌های امدادی را گذرانده و در زمان وقوع حوادث و سوانح با جمعیت هم‌کاری می‌نمایند؛

۲- داوطلبینی که علاوه بر هم‌کاری مقطعی، عضویت نیز می‌پردازند؛

۳- داوطلبین متخصص، صاحب‌نظر، مدیر، اندیشمند و خیر که عضو افتخاری جمعیت می‌باشند.

ارائه‌ی خدمات حمایتی به آسیب‌پذیرترین اقشار تحت پوشش جمعیت با توجه ویژه به رعایت حرمت ایشان؛ و با لحاظ اولویت در ارائه‌ی خدمات سازنده‌ای که منجر به اشتغال و خوداتکایی مددجویان می‌شود؛ و همچنین حضانت و نگهداری از کودکان بی‌سرپرست در مجمع‌های فرزندان تحت حضانت جمعیت هلال احمر، از دیگر وظایف داوطلبان است.

سازمان جوانان

شیر و خورشید جوانان یکی از واحدهای زیرمجموعه‌ی جمعیت است که مقدمات ایجاد آن از زمانی آغاز می‌شود که اتحادیه‌ی بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر به تاریخ ۱۳۱۲، طی درخواستی کتبی خواهان تشکیل شاخه‌ی شیر و خورشید سرخ در ایران شد. بنا به درخواست اتحادیه‌ی ذکر شده، مطالعات اولیه شروع، و به دستور نخست‌وزیر وقت به سال ۱۳۱۸ اساس‌نامه‌ی شیر و خورشید سرخ جوانان تهیه می‌شود و یک ماه بعد، یعنی ۱۸/۶/۲۵ مطرح، و مورد تصویب قرار می‌گیرد، ولی با کمال تأسف در آن مقطع زمانی، شیر و خورشید سرخ جوانان ایران به دلایلی تا سال ۱۳۲۶ عملاً وجود خارجی ندارد و شروع به فعالیت نمی‌کند که مهم‌ترین این دلایل و عوامل عبارت‌اند از:

- ۱- شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین؛
 - ۲- استعفای رضاشاه؛
 - ۳- اعلان جنگ ایران با آلمان؛
 - ۴- کنفرانس تهران؛
 - ۵- مسأله تخلیه‌ی ایران از نیروهای بیگانه؛
 - ۶- مسأله‌ی نفت و تقاضاهای شوروی؛
 - ۷- مسأله‌ی کردستان و آذربایجان و نهایتاً خروج نیروهای شوروی از ایران.
- اما به‌راستی عوامل فوق چه ارتباطی با جمعیت شیر و خورشید و مخصوصاً شکل‌نگرفتن شاخه‌ی جوانان آن در ایران داشت؟
- اگر به این جمعیت و واحدهای تابعه‌ی آن، به مثابه‌ی یک سازمان غیر دولتی توجه شود، شاید ارتباطی نباشد، ولی واقعیت امر این است که سازمان و واحدهای آن به چند دلیل تحت تأثیر شدید وضعیت سیاسی ایران، محیط داخلی و بیرونی بوده است:

- ۱- به خاطر نحوه و چگونگی مدیریت آن؛ چرا که درست است جمعیت، نهادی مردمی و غیر دولتی دانسته شده، ولی واقع امر این است که مؤسسات خیریه به دلیل این که عاملی برای جذب مقبولیت در انظار عمومی هستند، همواره مورد توجه

سیاست‌مداران و اعضای هیأت حاکمه در انظار عمومی بوده، و بدین دلیل جمعیت زیر سایه‌ی نفوذ و دخالت دولت و عناصر دولتی قرار داشته است؛

۲- ریاست جمعیت از بدو تأسیس بر عهده‌ی سردار سپه بود و او تا زمانی که به قدرت رسید و رضاشاه شد، این سمت را داشت و بعد از آن نیز خاندان سلطنتی علاقه‌ی بسیاری به نفوذ و دخالت در آن داشتند. این عوامل سرنوشت جمعیت را به حکومت و پیامدها و حواشی آن گره بود.

۳- یکی از وظایف جمعیت، امداد در اردوهای نیروهای مسلح و انجام خدمات امدادی در زمان جنگ بوده است؛

۴- یک سازمان یا یک مؤسسه‌ی دولتی یا غیر دولتی نمی‌تواند ارتباطی با خارج نداشته باشد، لذا ضمن اثرگذاری بیشتر اثرپذیر است.

توجه به عوامل ذکر شده و وضعیت عمومی ایران در آن مقطع زمانی، علت تأخیر در راه‌اندازی شیر و خورشید جوانان در ایران بوده است؛ مخصوصاً این که هیأت مدیره‌ی شیر و خورشید را دولت انتخاب می‌کرده، و مشغله‌ی سیاسی و امنیتی حادث‌شده در آن زمان، مانع از شکل‌گیری شیر و خورشید جوانان ایران بوده است و این تأخیر تا حد زیادی طبیعی به نظر می‌رسد.

در ماده‌ی ۱ اولین اساس‌نامه‌ی واحد جوانان آمده است: «جمعیت شیر و خورشید سرخ جوانان بر طبق ماده‌ی ۶۴ اساس‌نامه‌ی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران تحت ریاست عالی‌ه‌ی والا حضرت اقدس و لایته‌د- محمدرضا- تشکیل می‌شود و جزء جمعیت ملی شیر و خورشید سرخ ایران است.» و در ماده‌ی ۲ اعلام می‌دارد: «شعار جمعیت، خدمت‌گزاری است.» و «مدیریت سازمان جوانان به عهده‌ی وزیر فرهنگ می‌باشد که تحت نظر شورای عالی انجام وظیفه می‌کند.» در ماده‌ی ۱۴ اعلام می‌کند: «شورای عالی در مرکز تشکیل می‌شود و مرکب است از: رئیس کل جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و دو نفر از کارمندان هیأت مدیره‌ی مرکزی آن به انتخاب جمعیت ملی شیر و خورشید سرخ؛ وزیر کشور؛ وزیر فرهنگ؛ رئیس اداره‌ی بهداری ارتش؛ رئیس اداره‌ی بهداری؛ رئیس بهداری شهرداری؛ رئیس اداره‌ی پیشاهنگی کل کشور؛ دو نفر از کانون بانوان؛ و هفت نفر دیگر از محترم‌ترین با

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۳۱

انتخاب اشخاص بالای شورای عالی...» (اساس‌نامه ...، ۱۳۱۸: سند، ۱۰۹۰۰۵). دوره‌ی انجام وظیفه‌ی این افراد سه سال بوده است.

با نظری سطحی به ترکیب شورای عالی جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران می‌توان اهمیت و جایگاه آن را دریافت و درخصوص تأخیر تأسیس آن مجاب شد. حوزه‌ی فعالیت و شرح وظایف سازمان جوانان امروز، بر اساس بند ۷ ماده‌ی ۳ قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت مصوب ۱۳۷۴ عبارت است از: «اداره‌ی امور جوانان جمعیت، توسعه و مشارکت جوانان در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مربوط به آن‌ها و تربیت آموزش جوانان مذکور به منظور آماده‌ساختن آنان در انجام خدمات امدادی و عام‌المنفعه».

با توجه به بند ۷ ماده‌ی ۳ می‌توان دریافت که وظیفه‌ی کلی سازمان جوانان، آموزش جوانان در امر فعالیت‌های مشارکتی است؛ به‌خصوص فعالیت‌هایی که در راستای اهداف کلی جمعیت می‌باشند، و از جمله‌ی آن‌ها انجام خدمات امدادی و عام‌المنفعه به صورت کلی است.

چنان‌که در ماده‌ی ۲ اساس‌نامه‌ی ۱۳۱۸ آمده، هدف از تشکیل این تشکل، «خدمت‌گزاری» بوده، و در ماده‌ی ۸ اساس‌نامه‌ی ذکر شده، مقاصد آن به طور کلی تعمیم نیکوکاری، بهداشت عمومی و مقابله با بیماری‌ها و تخفیف آلام بشری خاصه در مواردی چون موارد زیر ذکر شده است:

۱- حمایت از کودکان و مادران؛

۲- تعلیم اخلاقی جوانان؛

۳- بهداشت؛

۴- ارائه‌ی خدمات عمومی، هم‌چون: مبارزه با تریاک، الکل و سایر اعتیادات مضره. امروزه سازمان جوانان در بخش‌های دانش‌آموزی و دانشجویی با ایجاد دفتر و پایگاه به جذب و پرورش نیروی جوان پرداخته است. جمعیت در پایگاه‌های موسوم به «مراکز امور جوانان» در سراسر کشور، با در اختیار داشتن ۲۲۱۸ کلاس آموزشی، ۲۷۷ کتاب‌خانه، ۵۸ سالن ورزشی، ۱۲ استخر، ۱۵ سینما، ۵۸ آمفی‌تئاتر و ۲۹ زمین روباز ورزشی و دو اردوگاه در استان‌های گیلان و اصفهان به ارائه‌ی خدمات آموزشی

۱۳۲ | نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه

و ورزشی و هنری در راستای بهینه‌کردن اوقات فراغت جوانان به فعالیت می‌پردازد. این سازمان امروز قریب به یک میلیون نفر عضو دارد، به صورتی که هر فردی با گذراندن دوره‌ی آموزشی، عضو سازمان محسوب می‌شود (آمار فعالیت‌های جمعیت ...، ۱۳۸۰).

از دیگر وظایف این سازمان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- عضوگیری از بین نوجوانان و جوانان داوطلب و سازمان‌دهی آنان در گروه‌ها و واحدهای سازمانی؛

- معرفی فعالیت جمعیت‌های هلال‌احمر و اعضای سازمان جوانان به جامعه و جلب هم‌کاری مردم و نهادها؛

- آموزش نوجوانان و جوانان به منظور کسب آمادگی و شرکت در فعالیت‌های امدادی و عام‌المنفعه؛

- ایجاد و توسعه‌ی فضاهای مناسب جهت غنی‌سازی اوقات فراغت اعضای سازمان جوانان؛

- ارائه‌ی خدمات اجتماعی به جوانان آسیب‌دیده در چارچوب اهداف و برنامه‌های سازمان جوانان.

سازمان جوانان تحت ریاست رئیس سازمان، که از طرف رئیس جمعیت عزل و نصب می‌شود، فعالیت می‌کند.

لازم به توضیح می‌باشد این سازمان از بدو تأسیس در همایش‌ها و گردهمایی‌های ملی و بین‌المللی در سایر کشورها فعالیت چشمگیری داشته است.

سازمان جوانان، امروزه در دو حوزه‌ی اصلی فعالیت می‌کند؛ اولین پایگاه این سازمان، مدارس آموزش و پرورش است که سابقه‌ی طولانی دارد، و پایگاه دوم سازمان، کانون دانشجویی در دانشگاه‌ها می‌باشد که با امضای اساس‌نامه‌ی کانون دانشجویی هلال‌احمر دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در نیمه‌ی اول سال ۸۱ با موافقت وزیر آموزش عالی به تصویب رسیده و فعالیت خود را شروع کرده است.

نظر به اهداف و اصول جمعیت و به تبع آن، سازمان جوانان، که غیر سیاسی است، این کانون سعی خواهد داشت، نظر جوانان را متوجه مسائل نوع‌دوستانه و

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۳۳

اجتماعی معطوف نماید و از توان و ظرفیت‌های دانشجویان و فضای دانشگاه برای تحقق اهداف نوع‌دوستانه‌ی جمعیت استفاده کند.

با این اوصاف باید مواظب بود تا توجه تام و تمام دانشجویان و جوانان به مسائل نوع‌دوستانه آنان را از توجه به مسائل اجتماعی و سیاسی داخلی و بین‌المللی غافل نکند.

سازمان تدارکات، تولید دارو و تجهیزات پزشکی

فعالیت این بخش از جمعیت، بر اساس بند ۸ ماده‌ی ۳ قانون اساسنامه‌ی سال ۱۳۷۴ جمعیت عبارت است از: «کمک به تهیه‌ی دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی مورد نیاز مراکز بهداشتی، درمانی و آموزشی کشور با موافقت وزارت بهداشت و با همکاری هلال‌احمر و صلیب سرخ جهانی».

تهیه‌ی دارو و وسایل و تجهیزات پزشکی از بدو تأسیس جمعیت مورد توجه بوده است، چنان‌که در ماده‌ی ۵ اساسنامه‌ی سال ۱۳۰۱ بر آن تصریح شده است. در این ماده، بهداشت عمومی و مبارزه با بیماری‌ها مورد توجه قرار گرفته است و برای جامعه‌ی عمل پوشاندن به اهداف خود در ماده‌ی ۸ اعلام می‌کند که جمعیت «شیر و خورشید سرخ قبل از وقت وسایل لازمه را از قبیل اجزا و مستخدمین و آلات و ادوات با تعلیمات صحیح تهیه نموده، برای انجام تکالیف مقدره آماده خواهد داشت» (اساسنامه‌ی جمعیت ...، ۱۳۱۰).

با آوردن این ماده نه تنها زمینه‌ی ایجاد داروخانه، وسایل و تجهیزات پزشکی که آموزش و تمهید تأسیس آموزشگاه‌های پرستاری نیز مورد توجه قرار گرفته است. در بند ۶ ماده‌ی ۹ اساسنامه‌ی ۱۳۱۲، و بند ۶ ماده‌ی ۱۲ اساسنامه‌ی ۱۳۲۲ موارد فوق مورد توجه قرار گرفته، ولی در اساسنامه‌ی ۱۳۳۱ از این امر چشم‌پوشی شده است و به جای تأسیس داروخانه، اجازه‌ی تأسیس انتقال خون در بند ب ماده‌ی ۱۹ داده شده است.

از بدو تأسیس نیز در عمل، جمعیت تمام تلاش خود را صرف خدمت به مردم جامعه بر اساس مواد قانونی اساسنامه نموده است که از آن جمله می‌توان ایجاد داروخانه‌های ثابت و سیار را نام برد. اولین اقدام در این زمینه به کمک داروخانه‌های

اعضای داوطلب صورت می‌پذیرد؛ به‌طور مثال در گزارشی آمده است: «هیأت عامله‌ی مرکزی، تمام آن مبلغ را به مصرف خرید ادویه رسانده و در ۲۰ تیر ماه ۱۳۰۴ آقای دکتر عبدالله‌خان احمدیه را مامور به کرج نمود که دواهای مذکور را ما بین اهالی و مرضای بی‌بضاعت مجاناً تقسیم نماید.» (جمعیت شیروخورشید سرخ ایران (مجله)، ۱۳۰۵: ۴۶). و از این موارد بسیار زیاد است و به همین شکل در گزارش ۱۳۳۴ آمده است: «در تأسیس مرکز انتقال خون نیز جمعیت اقدامات اساسی نموده و این کار تا اندازه‌ای پیشرفت کرده است. فعلاً در بخش شیر و خورشید سرخ انیسیتوپاستور سرم‌های گلوکز و اپی‌روژن تهیه می‌شود و نگاهداری خون منعقد وسائل کار آمده شده و...». (نامه (ماهنامه‌ی شیروخورشید سرخ ایران)، ۱۳۳۴: ۱۱).

درست است که بخش دارو و تجهیزات پزشکی در اساس‌نامه‌ی ۱۳۳۱ به صورت جدا، مدنظر قرار گرفته نشده است، ولی تحت پوشش درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های امدادی و انتقال خون، فعالیت خود را به انجام می‌رساند و جزئی از مجموعه‌ی بهداشت و درمان محسوب می‌شود. به همین شکل بعد از انفکاک و واگذاری انتقال خون جمعیت، و تشکیل سازمان انتقال خون در جهت تحقق اهداف مندرج در بند ۸ ماده‌ی ۳ اساس‌نامه‌ی کنونی جمعیت، فعالیت جدیدی را شروع می‌کند.

در سال ۱۳۷۴ از ادغام دو مرکز «فوریت‌های دارویی» و «سازمان تدارکات درمانی»، «سازمان تدارکات و تولید لوازم پزشکی و دارویی جمعیت» تأسیس می‌شود.

این سازمان با دارا بودن امکانات و تجهیزاتی از جمله دو کارخانه‌ی سرنگ‌سازی هلال‌احمر ایران (سها) و مجتمع دارویی، بهداشتی، آرایشی (سها- هلال) و داروخانه‌هایی در تهران و شهرستان‌ها مسئول تهیه و تأمین دارو و وسایل تجهیزات لوازم پزشکی و بیمارستانی در ۷۰ مرکز از جمله استان تهران و شهرستان‌ها می‌باشد.

مجتمع داروسازی سازمان ۱۷ قسم دارو تولید می‌کند و مسئولیت تأمین و توزیع بخشی از داروهای کمیاب کشور را بر عهده دارد. مجتمع تولیدی این سازمان، مدرن‌ترین و بزرگ‌ترین مجتمع صنعتی تولید سرنگ خاورمیانه محسوب می‌شود و با کسب گواهی‌نامه‌ی ایزو ۹۰۰۲ در صدور محصولات به خارج از کشور با محصولات

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۳۵

خارجی از نوع خود، نیز به رقابت می‌پردازد؛ مضافاً این‌که راه‌اندازی «مرکز پژوهش درمانی تهران‌پارس» و «دی‌کلینیک» چشم پزشکی از دیگر فعالیت‌های این سازمان در راستای خدمات درمانی است.

قسمت پژوهشی این مرکز، ماه‌نامه‌ای را تحت عنوان «سبز در سبز» با موضوعات مختلف از جمله اجتماعی و دارویی منتشر می‌سازد.

معاونت درمان و توان‌بخشی

این معاونت در راستای جامع عمل پوشاندن به یکی دیگر از اهداف جمعیت که در بند ۵ ماده‌ی ۳ قانون اساسی‌نامه‌ی فعلی جمعیت آمده است، فعالیت می‌کند. در این بند آمده است: «وظایف جمعیت کمک به امر توان‌بخشی و ارائه‌ی خدمات اجتماعی در جهت تسکین آلام آوارگان، پناهندگان مرضی و معلومین و ایجاد حس تعاون و دولتی و نیکوکاری بین مردم است.» (اساس‌نامه‌ی جمعیت ...، ۱۳۷۴: ۱۷-۱۸)؛ بنابراین برای انجام این امر مهم در سه بخش فعالیت می‌کند:

۱- فعالیت توان‌بخشی: این معاونت فعالیت خود را در این خصوص بر چهار محور متمرکز کرده است؛ ارتوپدی فنی در ۱۲ استان کشور، فیزیوتراپی در ۲۶ مرکز، شنوایی‌سنجی در ۲ مرکز، و کار درمانی در ۳ مرکز؛

۲- فعالیت‌های درمانی: این معاونت، فعالیت‌های درمانی خود را از طریق تأسیس مرکز درمانی در کشورهای کنیا، مالی، نیجر، غنا، امارات متحده‌ی عربی، یمن، نخبوان، و افغانستان به انجام می‌رساند.

در خصوص مطالعات آموزشی، تربیتی و پژوهشی و تحقیقاتی، ضمن هم‌کاری با مراکز پیش‌دانشگاهی و آموزش عالی کشور، در قالب برگزاری سمینارها و دوره‌های بازآموزی کوتاه‌مدت با شرکت کارشناسان خارجی و داخلی، و تهیه‌ی کتاب و نشریات انجام وظیفه می‌کند.

سابقه‌ی فعالیت این بخش از جمعیت

این سازمان، بر اساس ماده‌ی ۵ اساس‌نامه‌ی ۱۳۰۱ جمعیت که می‌گوید: «... علاوه بر مریض‌خانه‌های ثابت و سیار و تأسیس مدارس جهت ایتام... ایجاد دارالصنایع برای ایتام و ارامل و عجزه کوشش خواهد کرد» (اساس‌نامه، ۱۳۱۰: ۲۲)،

از بدو تأسیس، در امر درمان و توان‌بخشی، فعالیت ویژه‌ای را آغاز می‌کند که از آن جمله می‌توان به تأسیس درمانگاه‌ها و مطب‌های مجانی در سال ۱۳۰۵، راه‌اندازی درمانگاه سیار، و خرید لوازم درمانی و توان‌بخشی از شوروی و راه‌اندازی آن در تیمارگاه جنوب شهر در سال ۱۳۰۸ اشاره کرد (گزارش بازرسی: سند ۲۴۰-۲۳۱/۳۴). و تا جایی پیش می‌رود که موفق به تأسیس مراکز درمانی و زایشگاه هم می‌شود. شمار این مراکز درمانی و توان‌بخشی تا یک سال قبل از انقلاب، یعنی سال ۱۳۵۶، به ۲۲۰ مرکز درمانگاهی و بیمارستانی رسیده بود. این وظیفه‌ی جمعیت را بخش بهداشت، و بخش عمومی و امداد و حمایت از اطفال، انجام داده‌اند؛ مضافاً این‌که وظیفه‌ی تعلیم و تربیت پرستار نیز توسط بخش بهداشت صورت می‌پذیرفته است.

بخش ارتوپدی

هرچند سابقه‌ی واقعی این بخش به سال ۱۳۰۸ بر می‌گردد، ولی به صورت تخصصی و حرفه‌ای، در سال ۱۳۴۱ اولین مرکز ارتوپدی فنی جمعیت به صورت فنی و کارآمد، جهت تولید وسایل موردنیاز اقشار آسیب دیده و معلول کشور، راه‌اندازی می‌شود؛ هر چند قبل از آن، در اساس‌نامه‌ی ۱۳۱۸ سازمان جوانان شیر و خورشید سرخ از مجموعه وظایف اعضای آن در قسمت ۷ بند ج ماده‌ی ۸، به تهیه و تقسیم عینک و دست و پای مصنوعی مجانی بین کودکان محتاج، اشاره شده است که به نوعی زمینه‌ساز و الهام‌بخش به‌وجود آمدن این بخش تلقی می‌شود. در تاریخ ۱۳۵۰/۳/۹، طی ماده واحده‌ای، به وزارت بهداشت اجازه داده شده است که بیمارستان‌های تابعه‌ی خود را به دانشگاه‌ها، یا جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و یا مؤسسات عام‌المنفعه‌ی دیگر واگذار نماید (نوبخت: ۵۴-۵۶).

ولی در مورخه‌ی ۱۳۵۹/۱/۲۸، طی بخش‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۶۰۰ وزیر بهداشت و بهزیستی و سرپرست وقت جمعیت هلال‌احمر، کلیه‌ی بیمارستان‌های جمعیت و درمانگاه‌های ضمیمه و مراکز آموزشی و پزشکی و پیراپزشکی، منازل مسکونی پزشکان و پرستاران واقع در محوطه‌ی بیمارستان و سایر اموال منقول و غیرمنقول و تجهیزات و لوازم بیمارستانی با کلیه‌ی کارکنان و ابواب جمعی

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۳۷

واحد‌های درمانی اعم از رسمی و غیررسمی، و آخرین موجودی بانکی واحدهای مذکور به وزارت بهداری تحویل داده شد (پیشین: ۱۸۷-۱۸۹). و در خصوص مجتمع آموزشی پزشکی، در بند ۱۸ همان بخش‌نامه آمده است: «مؤسسات آموزشی پرستاری، مامایی، بهیاری و تربیت پیراپزشکی فعلاً و تا موقعی که فعالیت‌های آموزشی پزشکی وزارت بهداری و بهزیستی هماهنگ، و امکان انتقال فراهم شود، و هم‌چنین سازمان انتقال خون جمعیت علاوه بر بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های موقوفه کماکان توسط جمعیت شیر و خورشید سرخ مرکز و شعب مربوط اداره خواهد شد.» که بعد از مدتی تمام امکانات جمعیت در خصوص آموزشگاه‌های پرستاری، مراکز درمانی، انتقال خون و حتی درمانگاه‌های موقوفه نیز به وزارت مذکور واگذار گردید.

تنها موردی که مشمول این بخش‌نامه نشد، سازمان تدارکات درمانی جمعیت شیر و خورشید سرخ بود که هم‌چنان به عنوان واحدی مستقل فعالیت خود را در زمینه‌ی تدارک دارو و لوازم طبی و غیر طبی مؤسسات درمانی و آموزشی ادامه داد؛ (نویخت: ۱۸۷-۱۸۸). سازمانی که اینک تحت عنوان «سازمان تدارکات، تولید دارو و تجهیزات پزشکی» فعالیت می‌کند.

امروزه نیز مدیریت این مؤسسات بر عهده‌ی وزارت مذکور است، با این تفاوت که مطابق ماده‌ی ۱۹ قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت، مصوب ۱۳۶۷ مسبق به تبصره‌ی ۵ ماده واحدی قانون وظایف و مسئولیت‌های جمعیت هلال‌احمر مصوب ۱۳۶۳ و به استناد تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۱۹ قانون اساسی‌نامه، با اعلام محفوظ بودن مالکیت جمعیت تنها اداره‌ی مؤسسات بهداشتی، درمانی و آموزش پزشکی به وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار شده است؛ و در واقع قوانین ذکر شده، بخش‌نامه‌ی ۱۶۰۰ را منسوخ می‌نماید.

و مطابق با تبصره‌ی ۲ اصلاحی ماده‌ی ۱۹ قانون اساسی‌نامه‌ی جمعیت مصوب ۱۳۷۴ این جمعیت می‌تواند نسبت به تخلیه‌ی اماکن تصرفی جمعیت، اقدام نماید؛ و در همین راستا بعضی اقدامات حقوقی برای تحویل بعضی از اماکن صورت پذیرفته است.

مرکز آموزش و تحقیقات

جمعیت هلال‌احمر، همواره در کنار انجام خدمات نوع‌دوستانه‌ی خود، در زمینه‌ی آموزش در دو سطح زیر فعالیت داشته است:

- سطح عمومی با هدف آموزش عمومی مردم از طریق انتشار بروشورها و نشریه‌های آموزشی، و برگزاری کلاس‌های آموزش امدادی و...؛

- سطح آموزش کاربردی در جهت تأمین نیروی انسانی لازم خود.

در ماده‌ی ۸ اساس‌نامه‌ی ۱۳۰۱ آمده است: «جمعیت شیر و خورشید سرخ، قبل از وقت وسایل لازمه را از قبیل اجزا و مستخدمین و آلات و ادوات یا تعلیمات صحیحه تهیه نموده، برای انجام تکلیفات مقررره آماده خواهد داشت.» و در اساس‌نامه‌ی ۱۳۲۷ بند ۵ ماده‌ی ۱۹ از وظایف جمعیت موضوع «تربیت پرستاران برای بنگاه‌های پرستاری، لشکری و کشوری...» مورد توجه بوده است؛ و لذا این جمعیت بحث آموزش را همیشه مورد توجه قرار داده است و با آموزش‌های امدادی در سطح عمومی و پرستاری تا زمان واگذاری واحدهای درمانی به وزارت بهداشت و درمان فعالیت داشته است.

بعد از واگذاری آن به وزارت بهداشت و درمان، بخش آموزش محدود به آموزش امدادگری در حوزه‌ی امداد گردید، ولی این وضع در سال ۱۳۷۴ با تشکیل مراکز آموزش و تحقیقات، دگرگون شده و این مرکز به آموزش متقاضیان در دو سطح؛ یعنی آموزش کوتاه مدت و بلند مدت می‌پردازد.

اهداف کلی این مرکز آن‌گونه که در اساس‌نامه آمده است، عبارت‌اند از:

- آموزش تکنیک‌ها و علوم جدید برای جلوگیری و مواجهه با حوادث، آموزش مدیران، کارکنان، امدادگران و پرسنل در زمینه‌ی برنامه‌ریزی و امدادگران معرفی شده از سوی سازمان‌های مختلف؛

- آموزش عمومی به منظور تعمیم و توسعه‌ی فرهنگ ایمنی و درک خطر در شرایط بحرانی و ارتقای فرهنگ خود امدادی در جامعه، تعیین روش‌های علمی و عملی به منظور ارزیابی سوانح و بلایا، ارتقای سطح فکری نیروی انسانی، و آموزش‌های تخصصی بلند مدت کاردانی و کارشناسی جهت متقاضیان.

تشکیلات اداری

این جمعیت غیر از واحدهای کاری یادشده، برای انجام امور اداری، پشتیبانی، تأمین و گزینش نیروی انسانی، ارتباط با رسانه‌های گروهی و خبری، مجامع و سازمان‌های عمومی و خصوصی، بین‌المللی، و دیگر جمعیت‌های ملی در سایر کشورهای مختلف دنیا، یک معاونت با عنوان «معاونت اداری و پشتیبانی»، و دو اداره‌ی کل مستقل تحت نظر ریاست جمعیت با عنوان‌های «روابط عمومی» و «امور بین‌الملل» نیز دارد.

نظر به اهمیت و جایگاه امور بین‌الملل، اشاره به آن ضروری است؛

امور بین‌الملل

جمعیت از بدو تأسیس، طبق اساس‌نامه‌ی خود و نیاز به برقراری ارتباط کامل و مستمر با جمعیت‌های ملی دیگر دولت‌ها و همچنین، فدراسیون بین‌المللی جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر برای شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی به عنوان عضوی از نهضت بین‌المللی و فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ، واحد امور بین‌الملل را مد نظر قرار داده است. این واحد در انجام وظایف محوله کوشا، و به درخواست‌ها و استمداد جمعیت‌ها پاسخ‌گو بوده، و در پذیرش و فرستادن نماینده از سوی فدراسیون و جمعیت‌های ملی و یا به مجامع ملی و بین‌المللی شرکت فعال داشته است.

این واحد تحت مدیریت بالاترین مقام جمعیت، انجام وظیفه می‌نماید و مشاوره‌های لازم را به مقامات مسئول ارائه می‌نماید. این واحد همچنین در زمینه‌ی جذب منابع مالی، فنی، فناوری و دانش فنی در قالب طرح‌های عمرانی و امدادرسانی مشترک با جمعیت‌های صلیب سرخ و هلال احمر دیگر کشورها و همچنین کارگاه‌های آموزشی، موفقیت‌هایی به دست آورده است.

این جمعیت طی سالیان گذشته در کنفرانس‌های بین‌المللی، صلیب سرخ و هلال احمر، مجامع عمومی فدراسیون و شورای اجرایی شرکت داشته، و علاوه بر آن، پس از چند دوره‌ی ۴ ساله، جمعیت یکی از اعضای کمیسیون امداد فدراسیون است و در شورای حکام، عضویت و حضور فعال دارد.

شورای حکام، هیأت مدیره‌ی فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به شمار می‌رود و مدیریت فدراسیون را به عهده دارد. عضویت در این شورا می‌تواند منشأ تغییراتی در اساس‌نامه‌ی جمعیت ایران در راستای دموکراتیک کردن آن باشد. جمعیت ایران در بهار ۸۰، میزبان ۵۱ جمعیت ملی در سومین اجلاس بین‌المللی جمعیت‌های ملی خاورمیانه و شمال آفریقا تحت عنوان «اجلاس منا»^۱ بود که علاوه بر شرکت رؤسای جمعیت‌های ملی کشورهای دو منطقه‌ی یادشده، جمعیت‌هایی نیز به عنوان اعضای ناظر از آسیای مرکز و قفقاز در آن شرکت داشتند. حضور رئیس و دبیر کل‌های فدراسیون در ایران، به دهه‌های قبل بر می‌گردد؛ که از آن جمله می‌توان به بیست‌ودومین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر اشاره (برگزار شده در آبان‌ماه ۱۳۵۲ در تهران)، و حضور رئیس و دبیر کل فدراسیون و رئیس کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ، آقایان پل روئگر و کنت دو روژه در فروردین ۱۳۳۴ اشاره کرد.

اداره‌ی کل امور بین‌الملل، مستقیماً زیر نظر رئیس جمعیت فعالیت می‌کند و هدف عمده‌اش ایجاد و حفظ ارتباط با جمعیت‌های ملی، فدراسیون، و دیگر سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی است که فعالیت‌هایی در راستای اهداف نوع‌دوستانه دارند؛ لذا شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی و نشست‌های منطقه‌ای، میزبانی از دیگر کشورها و فدراسیون، جذب کمک‌های خارجی در زمان وقوع حوادث، انجام پروژه‌های نوع‌دوستانه، و ارسال کمک‌های نوع‌دوستانه به کشورهای نیازمند این کمک‌ها، اولویت‌های عملی و اجرایی اداره‌ی کل امور بین‌الملل هستند. این اداره‌ی کل، پل ارتباطی جمعیت ایران با دنیای خارج از ایران درخصوص مسائل نوع‌دوستانه محسوب می‌شود.

منابع مالی

منابع مالی سازمان‌های غیر دولتی یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که در استقلال و وابستگی آن، نقش مهمی را ایفا می‌کند؛ به صورتی که اگر قسمت

^۱ . Mena.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۴۱

اعظم این بودجه را دولت تأمین کند، این سازمان طبعاً پیرو سیاست‌های کلی دولت می‌شود؛ هرچند که به آن رنگ‌ولعاب غیر دولتی نیز بزنند.

این موضوع در عزل و نصب رئیس یا سیاست‌ها و برنامه‌ها و خط‌مشی‌های سازمان بسیار دخیل خواهد بود. ولی اگر خود سازمان بتواند بودجه‌ی خود را تأمین کند، تا حدود قابل توجهی، دست دولت از دخالت در برنامه‌ها و سیاست‌های سازمان کوتاه می‌شود.

در ماده‌ی ۱۷ اساس‌نامه‌ی جمعیت هلال‌احمر مصوب به سال ۱۳۷۴، منابع مالی آن چنین ذکر شده است:

- ۱- چهل‌ودو درصد از درآمد حاصل از حق‌الثبت اسناد رسمی؛
- ۲- پنجاه‌وپنج درصد از محل درآمد، یک درصد کارمزد ثبت سفارشات؛
- ۳- یک ریال از هر مراسله‌ی سفارشی و بیمه اعم از داخله و خارجه، و مبلغ دو ریال از هر امانت پستی اعم از داخله و خارجه، و مبلغ دو ریال و نیم از هر تلگراف اعم از داخله و خارجه که به‌وسیله‌ی الصاق تمبر خیریه از فرستندگان دریافت می‌شود؛
- ۴- اعانات، عواید و اموالی که در اجرای تصمیمات و مصوبات مراجع و سازمان‌های دولتی و شهری، اختصاص به جمعیت داده می‌شود و همچنین اعانات مردمی و کمک‌های خارجی؛
- ۵- کمک‌های دولت به منظور تأمین منابع مالی کافی و تقویت و تحکیم نیروی جمعیت، که باید همه ساله در ردیف اعتباری به عنوان اعانه، در بودجه‌ی کل کشور منظور گردد؛
- ۶- معادل یک درصد قیمت هر بلیط هواپیما و کشتی که از هر مسافر باید اخذ و به حساب جمعیت واریز گردد.

تبصره: کمک‌های دولت که همه ساله در ردیف اعتباری به عنوان اعانه در بودجه‌ی کل کشور منظور می‌گردد، طبق این اساس‌نامه و مقررات و ضوابط خاص جمعیت، به مصرف می‌رسد.

دولت موظف است علاوه بر مبلغ فوق، در شئون مختلف، بذل مساعدت و همکاری لازم را با جمعیت بنماید؛ و در تکمیل موارد فوق در ماده‌ی ۱۸ آمده است: دولت موظف است کلیه‌ی وجوهی که به موجب قانون، تحت عنوان جمعیت

هلال‌احمر جمهوری اسلامی وصول می‌نماید، به خزانه واریز، و معادل آن را در بودجه‌ی سال آینده به حساب جمعیت منظور دارد.

حمایت دولت در ماده‌ی ۲۰ همین اساس‌نامه تکمیل می‌گردد؛ به صورتی که «جمعیت و مؤسسات وابسته به آن و شرکت‌هایی که حداقل (۹۹٪) سهام آن‌ها متعلق به جمعیت باشد و درآمدهای آن در راستای اهداف و وظایف جمعیت به مصرف برسد، از پرداخت مالیات، عوارض، حقوق گمرگی، سود بازرگانی، حق‌الثبت و هرگونه عوارض دیگر در مورد اموال، املاک، مستغلات، وسائط نقلیه، کالاها و خودروهای اهدایی و کلیه‌ی خریدهای خارجی و واردات تجهیزات ضروری و حیاتی امداد و نجات معاف می‌باشد. جمعیت از پرداخت کلیه‌ی هزینه‌های دادرسی در تمام مراحل رسیدگی نیز معاف است.» (اساس‌نامه، ۱۳۷۴: ۲۷).

غیر از موارد یاد شده، از دیگر منابع مالی جمعیت، می‌توان سود حاصل از سرمایه‌گذاری، مثل کارخانه‌های تولیدی، مراکز تفریحی، سینماها، و مکان‌ها و تأسیسات و زمین‌های متعلق به جمعیت را نام برد که یا به صورت استیجاری در دست مستأجر است و یا خود، آن‌ها را بر عهده دارد.

غیر از سود حاصل از سرمایه‌گذاری تأسیسات و یا اجاره‌بهای زمین‌های زراعی و عواید حاصل از موقوفات و حق عضویت داوطلبی، باقی درآمدهای جمعیت را طبق آنچه که در ماده‌ی ۱۷ آمده است، می‌توان همگی دولتی دانست؛ چرا که دولت در طول تاریخ ایران، بزرگ‌ترین سرمایه‌دار بوده است و چون همه‌ی مراکز یادشده در ماده‌ی ۱۷، دولتی می‌باشند، می‌توان گفت، قسمت اعظم بودجه‌ی سازمان را نیز دولت تأمین می‌کند؛ و بدین‌خاطر در سیاست‌ها، خط‌مشی و برنامه‌های کاری سازمان نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم دخالت می‌کند؛ به طوری که هزینه‌ی بودجه‌ی سال ۸۱ جمعیت، بر اساس موافقت‌نامه‌ای که بین جمعیت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مبادله شده است، تعیین و به تصویب می‌رسد.

در کشوری مثل فرانسه، یک سازمان غیر دولتی در پایان سال مالی، گزارش اقدامات و هزینه‌های خود را به دولت ارائه می‌دهد. این در حالی است که در جمعیت هلال‌احمر ایران، از زمان تعیین و تصویب بودجه تا زمان هزینه‌ی آن،

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۴۳

ارتباط مستمر و مستقیمی با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دارد. در قسمت توضیحات موافقت‌نامه‌ی بودجه‌ی سال ۸۱ فی‌مابین جمعیت و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آمده است:

- ۱- دستگاه اجرایی، موظف به رعایت دقیق قوانین و مقررات جاری کشور و ضوابط اجرایی بودجه‌ی سال ۸۱ می‌باشد؛
 - ۲- دستگاه اجرایی کشور، مجاز به ایجاد تعهد اعتبار مازاد بر تخصیص نمی‌باشد؛
 - ۳- دستگاه اجرایی مکلف است عملکرد اقدامات و فعالیت سال ۸۱ را به تفکیک برنامه‌ی فعالیت در مقاطع سه‌ماهه به دفتر امور تأمین اجتماعی ارسال نماید؛
 - ۴- دستگاه اجرایی مکلف است نسبت به ارائه‌ی شرح خدمات موضوعات تحقیقاتی برنامه‌ی تحقیقات اجتماعی در ظرف ۶ ماه اول سال جاری اقدام نماید. تخصیص اعتبار برنامه‌ی فوق، منوط به ارائه‌ی آن می‌باشد.
- این موافقت‌نامه نشان می‌دهد که استقلال جمعیت با توجه به منابع مالی چقدر در حال تهدید می‌باشد.

نگاهی کوتاه به نحوه‌ی تأمین بودجه‌ی جمعیت از بدو تأسیس

در فصل هشتم تحت عنوان امور مالیه‌ی جمعیت، منابع تأمین بودجه‌ی آن در ۴ ماده، یعنی مواد ۴۸، ۵۰، ۴۹ و ۵۱ بدین شرح اعلام شده است:

- اولاً، از اقساط معینه که اعضا می‌پردازند؛
- ثانیاً، از هرگونه اعانات و تبرعات متفرقه؛
- ثالثاً، از واردات نمایش‌های خیریه و کنفرانس‌ها و گاردن‌پارتی‌ها و غیره که به نام جمعیت داده می‌شود؛ و کلیه‌ی اموال منقوله و غیر منقوله که متعلق به جمعیت شیر و خورشید سرخ است، از طرف مرکز عمومی پایتخت اداره خواهد شد.

و در ماده‌ی ۴۹ آمده است: «وجوه نقدینه به تصویب مرکز عمومی در جای معتبری مثل بانک و غیره سپرده شده، اسباب و اشیاء نیز در انبار مخصوص نگه داشته می‌شود.» و در ادامه‌ی ماده‌ی ۵۰ بیان شده است: «کسانی که لااقل پنجاه تومان دفعه‌تاً به جمعیت هدیه نمایند، جزو اعضای عامله محسوب گشته، از پرداخت اقساط سالیانه معاف خواهند بود.» در ماده‌ی ۵۱ مقرر می‌دارد: «وجه ذخیره از قرار ذیل است:

۱- فاضل عایدات یک‌ساله پس از وضع مخارج؛

۲- واردات املاک مختصه؛

۳- به منافع عایدات؛

۴- کلیه‌ی واردات غیر از اقساط معینه؛

۵- وجوهی که نقداً و دفعتاً پرداخته شود.»

با توجه به مواد فوق، عمده‌ی عایدات جمعیت در بدو تأسیس، وجوهی است که از اعضای داوطلب دریافت می‌شود، ضمن آن که اعضا به‌خصوص هیأت مدیره و... به صورت داوطلبانه خدمت می‌کنند و مقرر است حق عضویت نیز بپردازند. از طرفی طبق ماده‌ی ۴۸، کلیه‌ی عایدات از طرف مجمع عمومی پایتخت اداره می‌شود که استقلال مالی آن را می‌رساند، و بر همین اساس، خط مشی‌های جمعیت با مراعات اساس‌نامه توسط خود آن‌ها معین می‌شود؛ و چون این عایدات کفایت هزینه‌های جاری جمعیت را نمی‌کند، مهمانی‌ها و جشن‌هایی برای کسب عایدات برای مصارف جمعیت برگزار می‌شده، که نمونه‌ای از این مجالس خیریه بدین شرح گزارش شده است: «در سال ۱۳۰۴ گاردن پارتی در تهران ترتیب داده شده و مبلغ بیست‌وهشت هزار و سی‌وسه قران و هفتادوپنج دینار عایدات خالص آن وصول، و نزد تجارت‌خانه‌های مرکزی امانت گذارده شده». و ضمناً مکاتباتی نیز به دستگاه‌های مختلف جهت جلب کمک‌های آن‌ها می‌شود؛ مضافاً این که «اموال و کالاهایی که به نام جمعیت شیر و خورشید سرخ وارد می‌شده است، از معافیت گمرگی برخوردار بوده است.» (سازمان اسناد ملی: سند شماره ۲۹۰-۵/۲۵۶/۱).

با تمام این اوصاف، تمهیداتی جهت تقویت بنیان مالی جمعیت، اندیشیده شده است، از جمله این که در موضوع رسیدگی به حساب‌های حسابرسی مالی که توسط وزارت مالیه برای سال‌های ۱۳۰۱ الی ۱۳۱۰ در سال ۱۳۱۸ از این جمعیت به عمل می‌آید، چنین اعلام نظر می‌شود:

«... جمعیت شیر و خورشید در سایه‌ی توجه و عنایت مقامات عالیه، به اندازه‌ای که کمک مالی و جدیت اهالی اجازه می‌داده، خدماتی کرده ولی تجربه‌ی گذشته نشان می‌دهد که با این رویه و زندگی عادی، صاحب سرمایه‌ی کافی و تشکیلات

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۴۵

محکمی نخواهد شد و چون خدمات جمعیت مزبور اهمیت بین‌المللی نیز دارد، به نظر اینجانبان (نمایندگان وزارت داخله، عدلیه و مالیه) در بازرسی، برای تأمین وضعیت در آتیه توجه به مسائل ذیل به موقع خواهد بود:

۱- لزوم ارتباط منظم شعب ولایات با جمعیت مرکزی تهران (موضوع ارتباط مالی و درآمد محلی است)؛

۲- برای تحکیم اساس مالی جمعیت شیر و خورشید، یک نوع منابع عایدی ثابت ضرورت دارد؛ در این خصوص جمعیت مرکزی پیشنهادهایی سابقاً به دولت تقدیم داشته‌اند، لیکن تاکنون مورد توجه واقع نشده است؛

۳- برای مراقبت در پیشرفت و تنظیم امور مالی و عملیات شیر و خورشید سرخ مقدر شود مرتباً دفاتر محاسباتی و عملیاتی آن جمعیت تحت تفتیش و رسیدگی از طرف دولت درآید. (گزارش حسابرسی جمعیت از ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۰: سند شماره ۲۴۰-۲۷ و ۲۳۱/۳۴/۲۶).

در سال ۱۳۱۲، هیأت مدیره‌ی مرکزی، نامه‌ای جهت اختصاص کمک دولتی به جمعیت، و تصویب عوارضی به نفع آن به عنوان منابع مالی ثابت، بدین شرح به دربار رضاشاه می‌نویسد: «از تاریخ انتخابات اخیر هیأت مدیره‌ی شیر و خورشید سرخ ایران تا کنون قریب شش سال است که چاکران در پیشرفت امور این مؤسسه‌ی ملی که جنبه‌ی بین‌المللی آن حائز کمال اهمیت می‌باشد و تا به حال در ایران سابقه نداشته است، با کمال دولت‌خواهی و صداقت کوشش نموده و مجاناً مشغول خدمت‌گزاری بوده تا این که این مؤسسه در داخل مملکت توسعه یافته و از نقطه‌نظر بین‌المللی هم مورد توجه واقع گردیده، به طوری که در نقاط عدیده‌ی مملکت از قبیل آذربایجان و خراسان و آستاران و رضاییه، قم و تهران و مازندران و غیره دارای مریض‌خانه‌ها و مؤسساتی می‌باشد و مراجعات کمیته‌های بین‌المللی و اتحادیه‌ی صلیب احمرها هم با این جمعیت روزافزون است و برای این توسعه و پیشرفت، دیناری هم از بودجه‌ی مملکتی تا به حال به مصرف این مؤسسه نرسیده است. در سایر ممالک که خزانه‌ی صلیب احمرها و هلال احمرها دارای ذخیره‌ی هنگفتی می‌باشد و روزبه‌روز به توسعه‌ی آن افزوده می‌شود، از طرف دولت‌ها نسبت به این

مؤسسات حمایت مخصوص و کمک‌های مادی (از قبیل واگذاری بعضی از انحصارها و برقراری و ترویج تمبر مخصوص صلیب احمر و هلال احمر) ابراز عنایت می‌شود. شیر و خورشید سرخ ایران با این‌که پیشنهادهای لازم را کراراً به عرض هیأت محترم دولت رسانیده است، متأسفانه از تمام این‌گونه مزایا محروم است و چون به این جهت خزانه‌ی این مؤسسه تهی می‌باشد، بعضی از مؤسسات از قبیل مریض‌خانه‌ی قم و حضرت عبدالعظیم و شهر شاهپور و مؤسسه‌ی نوزادگان در طهران ناتمام مانده و توانایی اداره‌ی آن هم نیست و اگر احوال بدین منوال بماند این مؤسسه که رسماً در جامعه‌ی ملل دنیا معرفی و مورد توجه شده و سمت معاونت صحیح‌هی قشون دولت شاهنشاهی را دارد و باید دارای ذخایر کافی باشد تا در مواقع ضرورت مانند مؤسسات صلیب احمرهای دنیا خدمات مهمی را انجام دهد، بیم آن می‌رود که قادر بر بقا و ادامه‌ی وظایف خود نباشد و منحل گردد و زحماتی هم که تا به حال کشیده به هدر رود. از این رو چاکران دولت‌خواه وظیفه‌ی خدمت‌گزاری صادقانه‌ی خود می‌دانیم که وضعیت حقیقی فعلی این مؤسسه بدین وسیله به عرض آستان مبارک برسد تا هرگاه اراده‌ی سنییه‌ی ملوکانه ارواحنا فدا تعلق گیرد، به هیأت محترم دولت امر جهان مطاع شرف صدور یابد که نسبت به پیشنهادهای مربوط با این جمعیت و اتخاذ وسایل مؤثره در تقویت این مؤسسه‌ی ملی بذل توجه مخصوص شود تا از عهده‌ی وظایف خود بتواند برآید.

دکتر امیر اعلم، حسن لقمان ادهم، ممتاز اسماعیلی، مجید آهی ۱۳۱۲/۴/۱۱
در جواب این نامه در هامش آن در این باره‌ی چنین آمده است: «پیشنهادهای خودشان را بکنند، مورد مطالعه قرار دهند و تصمیمی اتخاذ گردد ۱۳۱۲/۴/۲۰» و رئیس دفتر رضاشاه اعلام می‌دارد: «پیشنهادهایی را که از طرف شیر و خورشید سرخ می‌شود مورد ملاحظه و توجه قرار داده و مساعدت‌های مقتضی در اجرای آن به عمل آورند.» (سازمان اسناد ملی: سند شماره ۱۳۸۲-۱۰۹۰۰۵).

این سند می‌رساند در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۱۲ این جمعیت به خود اتکا داشته است. نکته‌ی دیگری که در این سند آمده، توجه و لزوم عضویت در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی است.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۴۷

از نشانه‌های ضعف سازمان‌های غیر دولتی در ایران و کشورهایی نظیر ایران، عدم تمهیدات لازم در خصوص منابع مالی می‌باشد، به‌طوری‌که به جای تلاش برای حفظ استقلال، تلاش برای جلب حمایت دولت دارند و این روندی است که به دولتی‌شدن این سازمان‌ها و مآلاً از دست‌رفتن استقلال آن‌ها می‌شود؛ و این اتفاق برای جمعیت در ایران افتاده، به‌گونه‌ای که امروزه عده‌ای آن را بخشی از وزارت بهداشت و درمان تلقی می‌کنند.

در اساس‌نامه‌ی ۱۳۱۲ منابع مالی جمعیت در مواد ۶۵ و ۶۶ به شرح زیر آمده است:

۱- حقوق عضویت؛

۲- موقوفات به نام جمعیت اعم از منقول و غیرمنقول؛

۴- وجوه حاصله از نمایش‌ها و کنفرانس‌ها و گاردن‌پارتیها و غیره متعلق به جمعیت؛

۵- اراضی و ابنیه و عمارات و آلات و ادوات و اثاثیه و غیره متعلق به جمعیت؛

۶- عایدات مونوپول‌ها و تخصص‌هایی که ممکن است از طرف دولت به جمعیت واگذار شود؛

۷- سهامی که جمعیت ممکن است در مؤسسات تجارتي و غیره داشته باشد؛

۸- منافع املاک و مستغلات.

در این اساس‌نامه، ضمن این‌که دارایی و محل عایدات جمعیت مشخص شده است، در بند ۶ ماده‌ی ۶۵، اعتباری هم برای کمک‌های دولتی قابل شده‌اند، هرچند عملاً جمعیت تا سال ۱۳۲۶ موفق نمی‌شود محل درآمد ثابتی از سوی دولت را برای خود دست‌وپا کند، ولی از کوشش در این زمینه باز نمی‌ایستد و تمایل به استفاده از روند وابستگی به بودجه‌ی عمومی ادامه پیدا می‌کند تا این‌که این خواسته در اساس‌نامه‌ی سال ۶۷ طبق ماده‌ی ۱۷ به شکلی در اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴ ماده‌ی ۱۷ محقق می‌شود.

ادامه‌ی چنین روندی نگران‌کننده است و لازم است جمعیت هلال احمر با تدوین و اجرای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت از وابستگی به بودجه‌ی مصوب دولتی بکاهد؛ چرا که حاصل این وابستگی، متابعت از برنامه‌ها و الزامات سازمان

مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان‌های مشابه، و ایجاد بروکراسی عظیم و طولی خواهد بود که هم‌اکنون در جمعیت و دیگر سازمان‌های دولتی حکم‌فرماست؛ و ناگفته پیداست سرگردانی در چنبره و کلاف سردرگم دیوان‌سالاری اداری، امکان عمل به‌موقع و سریع از جمعیت را خواهد گرفت و منجر به کاهش اثرگذاری آن خواهد شد.

۱۷- فرصت‌ها و تهدیدها

فرصت‌ها منابع مالی ثابت

همان‌طور که گذشت، بر اساس ماده‌ی ۱۷ اساس‌نامه‌ی جمعیت که به تصویب دولت رسیده است، این جمعیت منابع مالی ثابتی دارد. هرچند در روش و چگونگی هزینه‌کردن آن، تهدید دخالت ارگان‌های دولتی در امورات و برنامه‌های جمعیت می‌رود، ولی سازمان (جمعیت) می‌تواند از این فرصت مناسب استفاده کند و با برنامه‌ریزی‌های صحیح، دقیق میان‌مدت و بلندمدت خود را از این وابستگی مالی خلاص سازد. سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت در جهت تأسیس مراکز تولیدی، خدماتی و... از جمله روش‌هایی است که می‌توان از آن‌ها برای استقلال مالی جمعیت استفاده کرد.

ارتباط و مجوز ارتباط با مجامع نوع‌دوستانه‌ی خارج از کشور به دلیل ماهیت

کاری و وظایف جمعیت

این موضوع، فرصت‌های عدیده‌ای در اختیار جمعیت و طبعاً در اختیار کشور قرار می‌دهد؛ به صورتی که با استفاده از روابط نوع‌دوستانه و طراحی و اجرای پروژه‌های عمرانی، علمی و یا تأسیساتی، ضمن این‌که در راستای تحقق اهداف نوع‌دوستانه‌ی نهضت و فدراسیون، با در نظر گرفتن عدم مغایرت چنین فعالیت‌هایی با مقررات و قوانین داخلی، می‌کوشد، بالتبع علم و تخصص و فناوری لازم و مورد نیاز کشور را نیز به داخل انتقال می‌دهد و تا حد زیادی باعث رونق اقتصادی می‌شود. ناگفته پیداست برای دستیابی به این اهداف، رایزنی‌ها و ارتباطات لازم با نهادها و مجامع بین‌المللی، و لزوم هم‌کاری و همراهی دولت و حاکمیت ضروری است.

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۴۹

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی، زمینه‌ی لازم برای نیل به استقلال مالی جمعیت از طریق روش‌های پیش‌گفته مهیا است و امید است که مسئولان و برنامه‌ریزان جمعیت و دولت بتوانند با تعامل و همکاری به این مهم نایل آیند.

سابقه‌ی ۸۰ ساله‌ی فعالیت جمعیت

این موضوع، دو فرصت طلایی برای جمعیت ایران به دنبال دارد؛ از یک طرف باعث تحکیم پایه‌های جمعیت در مجامع بین‌المللی و یا بعضاً سازمان‌های همسو و موازی داخلی می‌شود، و از طرفی باعث انتقال تجربه‌ی کاری نیروهای مجرب و کارآمد به حلقه‌های جوان‌تر جمعیت می‌گردد. مدیران باید سعی کنند این تجارت را کسب، مدون و پالایش کنند و در به‌کارگیری و به‌سازی امور دخالت دهند. فرصت دیگری که این موضوع در اختیار جمعیت ایران قرار می‌دهد، فرصت حضور و مشارکت در مجامع نوع‌دوستانه‌ی داخلی و خارجی به پشتوانه‌ی تجربیاتی است که در طول ۸ سال جنگ دفاعی، و برپایی اردوگاه‌های متعدد برای پناهندگان عراقی، آذری و افغانی در طول ۲۰ سال اخیر به دست آورده است.

عام‌المنفعه و سابقه‌ی مثبت بین مردم و افکار عمومی

این موضوع، سرمایه‌ی اصلی کسب‌شده‌ی جمعیت در طول ۶۰ سال قبل از انقلاب و ۲۰ ساله‌ی اخیر در میادین مختلف است؛ لذا اولاً، نباید جمعیت با اقدامات ناسنجیده، این سرمایه‌ی عظیم و مهم را از دست بدهد؛ ثانیاً، باید با ابزارها و راه‌کارهای مناسب در جهت تقویت خود و انجام مأموریت‌هایش، از این سرمایه استفاده‌ی لازم را در حوزه‌های علمی، تحقیقاتی، ملی و عملی ببرد، ضمن آن‌که آن‌ها را در بعضی تصمیم‌سازی‌ها از طریق گوناگون مشارکت دهد تا مردم سازمان (جمعیت) را جدا از خود ندانند.

غیر دولتی بودن جمعیت

حکومت جمهوری اسلامی ایران و حکومت‌های پیشین، این جمعیت را به عنوان مؤسسه‌ای غیر دولتی و عام‌المنفعه مورد شناسایی قرار داده و به تصویب رسانده‌اند؛ هرچند در عمل از بدو تأسیس به خاطر جایگاه خاص جمعیت، دخالت‌هایی صورت

می‌پذیرفته و همیشه رئیس افتخاری جمعیت با یکی از افراد دربار بوده، و امروز نیز ریاست آن انتصابی از طرف رئیس جمهور است، ولی اصل بر این می‌باشد که جمعیت، خود بتواند بر اساس نیاز کشور و با هماهنگی با دولت بر اساس اصول خود، اقدامات نوع‌دوستانه انجام دهد؛ و این، فرصت بسیار مناسبی است که بدون توجه به نظام بروکراسی سازمان‌های دولتی، ساختار تشکیلاتی، اداری و گردش کار و منابع مالی خود را اصلاح و به‌روز کند تا میزان بهره‌وری را بالا ببرد.

تهدیدها

تهدیدات اساس‌نامه

از آن‌جا که این جمعیت، نهادی مردمی است، می‌باید مردم در تصمیم‌گیری و چگونگی اداره، دخل و خرج آن مشارکت کنند، ولی بر اساس ماده‌ی ۷ اساس‌نامه‌ی ۱۳۰۴، درخصوص چگونگی انتصاب رئیس جمعیت، و ماده‌ی ۹ در خصوص وظایف و اختیارات ریاست جمعیت، همه‌ی امور در دست یک نفر قرار گرفته، و آن یک نفر نیز با پیشنهاد وزیر بهداشت و درمان، و حکم ریاست جمهوری شروع به فعالیت می‌کند؛ از طرف دیگر، بازرسی جمعیت نیز به انتخاب وزیر بهداشت و درمان صورت می‌پذیرد؛ حال آن‌که گزارش بازرسی نیز در درجه‌ی اول به ریاست جمعیت و هیأت اجرایی که اعضای آن نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم منتخب رئیس جمعیت می‌باشند، ارائه می‌گردد؛ بنابراین تهدیدهایی که در این خصوص متوجه جمعیت می‌باشد، عبارت‌اند از:

- ۱- تصمیم‌سازی اداره‌ی جمعیت توسط یک نفر صورت می‌پذیرد که به نحوی اعضای دیگر، نقش مشروعیت و مقبولیت‌سازی تصمیمات رئیس را بر عهده دارند؛ چرا که همگی (جز نماینده‌ی رهبری)، منصوب ریاست جمعیت هستند.
- ۲- این تهدید، تهدیدات دیگر را باعث می‌شود؛ از جمله مغایرت با اصل اساسی نهضت و فدراسیون مبنی بر دموکراتیک و انتخاباتی بودن مدیریت جمعیت‌های هلال‌احمر و صلیب سرخ.
- ۳- تهدید دیگر این است که چون خود رئیس، منصوب رئیس جمهوری است، احتمال نفوذ و تحکیم دستورهای مقامات دولتی در آن بیش‌تر می‌شود و این امر

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۵۱

خلاف اصول و اهداف و مصالح کلی جمعیت است و باعث خارج شدن جمعیت از خط‌مشی‌های اساسی، و نهایتاً مخدوش شدن شأن و اعتبار آن در نزد فدراسیون می‌گردد.

۴- در این صورت دیگر نمی‌توان جمعیت را «مردمی» دانست. یک سازمان، زمانی مردمی و مستقل تلقی می‌شود که تشکیل‌دهندگان و اداره‌کنندگان آن به نحوی به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم، از طرف مردم (اعضا) انتخاب شده، و تا حد امکان از چگونگی اداره، دخل و خرج آن اطلاع داشته باشند.

زمانی که بالاترین مرجع تصمیم‌سازی جمعیت، از طرف رئیس جمعیت انتخاب شود و تعداد آن‌ها هم از تعداد انگشتان دست هم فراتر نرود، نمی‌توان آن را مردمی تلقی کرد، و لذا نباید انتظار داشت مردمی که هر روز به آگاهی و انتظارات آن‌ها اضافه می‌شود، این جمعیت را به صورت جدی مورد حمایت خود قرار دهند. از نتایج این امر، شاید کاهش چشم‌گیر میزان موقوفات و کمک‌های مردمی بعد از انقلاب باشد، گرچه وجود سازمان‌های موازی نیز در این امر بی‌تاثیر نبوده‌اند.

۵- از دیگر تهدیدها روشن‌نبودن مجموعه وظایف دبیر کل جمعیت (منتخب رئیس) و رئیس می‌باشد؛ چرا که ماده‌ی ۱۳ اساس‌نامه، سمت معاون کل را به وی اعطا کرده و انجام امور اداری و اجرایی را به عهده‌ی دبیر کل گذاشته است، حال آن‌که در عمل چون سمت معاون را داراست، می‌تواند کارها را به معاون ارجاع ندهد و به هر قسمت یا شخص دیگری از مسئولان ارجاع نماید. این روند اجرای امور، گزارش‌دهی را با مشکل مواجه می‌سازد؛ و در نتیجه، تداخل امور و کاهش بهره‌وری و عدم انجام به موقع امور و عدم پاسخ‌گویی و یا احیاناً موازی‌کاری را باعث می‌شود. با توجه به مورد ذکر شده تهیه‌ی دستورالعمل در خصوص شفاف‌کردن وظایف معاون و رئیس، ضروری به نظر می‌رسد.

۶- شاید آخرین مورد، تهدید حاصل از چگونگی مدیریت جمعیت باشد که منصوب و تابع وزارت بهداشت است. به تجربه دیده شده است که بعد از هر تغییر در مدیریت ارشد جمعیت، نیروهای مأمور به خدمت بعضاً کم‌تجربه و حتی بی‌تجربه به جمعیت وارد شده‌اند که از چند جهت، این نیروها می‌توانند عامل تهدید در کل سیستم محسوب شوند:

- عدم شناخت کافی این افراد از سازمان، اصول، اهداف، لایه‌بندی‌ها باورها و کارکنان جمعیت و سازمان‌های تابعه.

- چون این افراد تازه‌وارد، نیروی رسمی و کادر اصلی جمعیت محسوب نمی‌شوند، برنامه‌های آن‌ها کمتر به اهداف بلندمدت توجه دارد، و توجه عمده‌شان معطوف به برنامه‌های سطحی و کوتاه‌مدت است، به صورتی که در زمان حضور آن‌ها در رأس مدیریت جواب دهد؛ حال اگر جمعیت، فاقد برنامه‌ها و اهداف بلندمدت باشد، این امر تشدید می‌گردد.

- این نیروها چون از بدنه‌ی جمعیت محسوب نمی‌شوند و بعد از مدتی کوتاه خواهند، دل‌سوزی لازم را نسبت به جمعیت مبذول نمی‌دارند، و بیشتر کارهای اساسی را از طریق کادر باتجربه و کارکشته و تحصیل‌کرده‌ی موجود در جمعیت انجمن می‌دهند و خود عمدتاً به رتق وفتق امور روزانه مشغول‌اند.

گسترش شعب

گسترش شعب، چون حوزه‌ی جغرافیایی فعالیت‌های جمعیت را گسترش می‌دهد، فرصت محسوب می‌شود، ولی وقتی باعث فربه‌شدن نیروی انسانی جمعیت گردد، تهدید تلقی خواهد شد؛ چرا که جمعیت باید سازمانی داوطلبانه و چابک و کم‌هزینه باشد، حال آن‌که امروزه وجود نزدیک به شش‌هزار کادر پرسنلی حقوق‌بگیر، مانع از تحرک و پویایی لازم آن شده، و در درجه‌ی اول می‌باید به پاسخ‌گوی نیازهای این خیل گسترده‌ی کارمندان باشد!

به نظر می‌رسد اگر جمعیت بتواند تغییرات لازم را در جهت دموکراتیک‌کردن اساس‌نامه‌ی خود به وجود آورد، و مردم را در امورات جمعیت دخالت دهد، به میزان قابل توجهی از بار مالی آن کاسته خواهد شد و به جای این‌که با گسترش شعب و تأسیسات فربه شود، می‌تواند در نقش مدیر و انباردار در تأمین تجهیزات و منابع مالی در حوادث و اقدامات نوع‌دوستانه اقدام نماید و بقیه‌ی امور را به دست داوطلبان بسپارد.

تهدیدات بودجه‌ای

در ماده‌ی ۱۸ اساس‌نامه‌ی ۱۳۷۴ جمعیت آمده است: «دولت موظف است کلیه‌ی وجوهی را که به موجب قانون، تحت عنوان جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۵۳

ایران وصول می‌نماید، به خزانه واریز، و معادل آن را در بودجه‌ی سال آینده به حساب جمعیت منظور دارد.»

ایرداتی به این سازوکار وارد است از جمله این‌که، احکام و قوانین حکومتی افضل به قوانین دیگر است؛ ولذا بنابر شرایط زمانی و یا بعضاً بحرانی، ممکن است دولت از واریزکردن آن به حساب جمعیت خودداری کند؛ ثانیاً، برای واریز کردن آن به حساب جمعیت، شرایطی را تعیین کند، کما این‌که در حالت کنونی، با امضای موافقت‌نامه با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بودجه‌ی لازم را تأمین می‌کند و این موضوع، تهدیدات دیگری را به شرح زیر در پی دارد:

- فضای سیاسی و دست‌اندرکاران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی اگر همراه و هماهنگ با بعضی اقدامات جمعیت نباشد، جمعیت در تأمین بودجه با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

- وابستگی بودجه‌ی جمعیت به دولت، باعث متأثر شدن آن از تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی خواهد شد که با سیاست‌ها و اهداف سازمان همخوان نیستند؛ مثلاً در بودجه‌ای که برای جمعیت در نظر گرفته شده، به امور مطالعاتی و تحقیقاتی و آموزش که در راستای اهداف و وظایف جمعیت است، کمتر بودجه اختصاص یافته، و عمده‌ی بودجه متوجه تأمین هزینه‌هایی برای پرداخت حقوق کارمندان، حفظ و نگهداری اماکن و هزینه‌های جاری و مصرفی است. این نوع جهت‌گیری در تأمین بودجه، باعث فربه و سنگین‌شدن بخش اداری و توابع آن می‌شود و حاصلی جز بازماندن انجمن از اهداف و وظایف اصلی خود نخواهد داشت.

- تهدید دیگری که از وابستگی بودجه به دولت حاصل می‌شود، ناتوانی جمعیت در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و هزینه‌بر است؛ زیرا میزان منافع مالی جمعیت، تابع چگونگی و شرایط واریزی آن به حساب جمعیت، با توجه به تغییرات احتمالی و بودجه‌ی سال دولت است و این امر در برنامه‌ها و تصمیمات سازمان اثرگذار است.

تهدیدات حاصل از تشکیلات اداری

عدم تناسب و هماهنگی تشکیلات اداری با یکدیگر نیز مزید بر علت است. مثلاً در تشکیلات کنونی، معاونت حقوقی و برنامه‌ریزی، دفتر تشکیلات امور اداری،

خزانه‌داری کل کشور، و معاونت امور مجلس به نحوی جدای از هم و به صورت ناهماهنگ نسبت به آن عمل می‌نمایند که این امر باعث سردرگمی و آشفتگی این سازمان شده است..

برای رفع این مشکل لازم است، سه اداره‌ی کل، تحت عنوان یک معاونت یا اداره‌ی کل در یک جا متمرکز گردد و اطلاعات لازم نیز در یک جا تمرکز یابد تا جمعیت بتواند برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی بر حسب نیاز تهیه نماید؛ در غیر این صورت، نه تنها این سه اداره‌ی کل توان لازم را برای تهیه‌ی برنامه‌های بلندمدت جمعیت ندارند، بلکه نیروی انسانی و مالی زیادی را نیز هزینه خواهند کرد.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

عنوان «سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی»، از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم وارد ادبیات سیاسی نظام بین‌الملل شد که ریشه در اندیشه‌های لیبرالیستی دارد و هدف و منتهی‌الیه آمال و عملکرد این سازمان‌ها همانا پیشبرد صلح جهانی و خدمت به بشریت و نوعی اخلاق‌مداری است که در قالب‌ها فعالیت گروه‌های مدنی بین‌المللی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی و ... عینیت می‌یابد. این سازمان‌ها دارای تشکیلات منظم بین‌المللی، غیرسیاسی و جدا از دولت‌ها هستند و مبنای اصلی و حمایتی این تشکیلات همانا افکار عمومی است که به‌دور از هرگونه فعالیت نژادی، سیاسی و مانند آن، در خدمت به بشریت گام برمی‌دارند. این سازمان‌ها از دید مکاتب نظری از جمله کارگرایی و نوکارگرایی و نهادگرایی لیبرال بیشتر قابل تجزیه و تحلیل هستند. کارکردگرایان، ضرورت وجود این سازمان‌ها را برای رفع نیازهای انسانی و پاسخ‌گویی به آن، در قالب انجمن‌ها و تشکیلات حرفه‌ای و غیرسیاسی توجیه‌پذیر می‌کنند؛ اما نوکارکردگرایان، ضرورت وجود این نوع سازمان‌ها را تحت عنوان «گشتاورهای فزاینده» تجزیه و تحلیل می‌کنند؛ و دیدگاه نهادگرایان لیبرال که به نوعی منبعث از نظریه‌ی رژیم‌های بین‌المللی است، وجود سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی را برای ادامه‌ی حیات روابط کشورها ضروری می‌دانند. آنان می‌گویند، این سازمان‌ها عاملان تغییر نگرش‌ها در سطح نظام بین‌المللی، و بازیگران جدیدی در روابط بین‌الملل هستند که غیر از تأثیرگذاری مستقیم بر سیاست‌ها، می‌توانند در مسائل ایدئولوژیک بین‌المللی، نقش رهبری را نیز ایفا نمایند.

این نوع سازمان‌ها دارای جایگاه خاصی در سطح نظام بین‌المللی هستند. در مورد روش مطالعه‌ی این نوع سازمان‌ها در سطح نظام بین‌المللی، دو دیدگاه کلی وجود

دارد که اولین روش، روش حقوقی است که در آن، روش و هدف‌های هر یک از سازمان‌ها و قوانین و مقررات حاکم بر این نهادها بررسی می‌شود و آن‌ها را در قالب شخصیت‌های حقوقی، دارای حقوق و تکالیف می‌داند. روش دیگر، مطالعه‌ی سیاسی است که در آن، فعالیت‌ها، اهداف و استراتژی، منافع، سطح تأثیرگذاری و... مورد مطالعه قرار می‌گیرد که ما در کتاب حاضر از همین روش بهره گرفته‌ایم.

برای ایجاد این سازمان‌ها در سطح سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی سه پیش شرط، لازم و ضروری به نظر می‌رسد:

۱- احترام به استقلال این سازمان‌ها در مقابل قدرت عمومی منبعث از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی؛

۲- پذیرش حق مردم در اتخاذ موضعی غیر از مواضع دولت؛

۳- احترام به حقوق بنیادین افراد از جمله آزادی و حق برگزاری تجمعات.

در نظام بین‌المللی، هدف از رشد این نوع سازمان‌ها «رشد عقلانیت برای تحقق صلح» بیان شده است و اندیشمندان بسیاری بر حل مسالمت‌آمیز تضادها در قالب مخالفت‌های مدنی مسالمت‌آمیز تأکید می‌کنند. نتیجه‌ی گسترش سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی به مثابه‌ی موتور محرک جامعه‌ی مدنی جهانی، گسترش اخلاق جهانی و نجات بشریت از نابه‌نجاری است.

جوامع دموکراتیک و باز، بستر مناسب‌تری برای رشد این نوع سازمان‌ها در نظام بین‌المللی هستند.

این نوع سازمان‌ها معمولاً دارای مقاصد بشردوستانه هستند که هدف از این اقدامات بشردوستانه، خدمت داوطلبانه به‌دور از هرگونه چشم‌داشت، و برقراری صلح و احترام به صلح جهانی غایت هدف است.

مفهوم اقدامات بشردوستانه، مفهومی جدید در روابط بین‌الملل است که اولین بار در روح قواعد حاکم بر قراردادهای چهارگانه‌ی ژنو و پروتکل الحاقی آن در سال ۱۹۷۷ مطرح شده که در دو مفهوم آمده است؛ یکی انسانیت، به مفهوم حمایت از حیات و سلامت و تضمین احترام برای نوع بشر، و دیگر عدم تبعیض و حمایت تضمین برای احترام به نوع بشر.

بحث از سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی با «جهانی‌شدن» همراه است که جهانی‌شدن، خود مقوله‌ی گسترده و درازدامنی است، چنان‌که گروهی آن را پروژه‌ای هدایت‌شده از سوی کشورهای بزرگ می‌دانند، و گروهی آن را پروسه‌ای اجتناب‌ناپذیر در راستای وحدت مردم جهان با توجه به گسترش ارتباطات و فناوری و دهکده‌ی جهانی می‌دانند، که نظرگاه گروه اخیر، به صواب، نزدیک‌تر می‌نماید.

جهانی‌شدن از دو طریق بر سازمان‌های بین‌المللی تأثیر می‌گذارد؛ ابتدا به واسطه‌ی افزایش سرعت و کیفیت ارتباط و اطلاعات، باعث رشد و آگاهی نوع انسان نسبت به گذشته می‌شود؛ و دیگر، کاهش حوزه‌ی نفوذ و قدرت دولت‌هاست که مجبورند به صورتی بازتر عمل کنند.

سازمان‌های غیر دولتی نیز بر روند جهانی‌شدن به دو صورت تأثیر می‌گذارند؛ یکی این‌که هر چه ابعاد جهانی‌شدن و سرعت آن بیشتر شود، به تعداد و حوزه‌ی نفوذ سازمان‌های غیر دولتی بین‌المللی نیز افزوده می‌شود؛ و دیگر، بدین‌صورت که هرچه تعداد و حوزه‌ی نفوذ این سازمان‌ها بیشتر شود، به سرعت و غلظت جهانی‌شدن و تحکیم پایه‌های آن افزوده خواهد شد.

جهانی‌شدن به واسطه‌ی ابزار و فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، باعث تحدید حاکمیت‌های سیاسی و کم‌رنگ و بی‌تأثیرشدن مرزهای جغرافیایی می‌شود، و دولت‌ها در مقابل ناگزیرند، دموکراتیک‌تر و بازتر عمل کنند که در این صورت فضا برای عملکرد سازمان‌ها مهیا خواهد شد.

سازمان‌های غیر دولتی در سطح بین‌المللی بر مقوله‌ی جهانی‌شدن در ابعاد گوناگون از جمله بُعد اجتماعی فرهنگی، اطلاع‌رسانی و ... تأثیر مستقیم دارند. این نهادهای بین‌المللی در شکل‌دهی و تحقق دموکراسی مشارکتی نیز عهده‌دار نقشی حیاتی هستند. آن‌ها اعتبار خود را با اتکا به افکار عمومی و اخلاق‌مداری و خدمت به بشریت به دست می‌آورند و در جامعه دارای نقشی سازنده‌اند و البته با توجه به نقشی که در توسعه‌ی پایدار در راستای جهانی‌شدن دارند، از جایگاه بالاهمیتی در نظام بین‌المللی نیز برخوردار می‌باشند.

این نوع سازمان‌ها با توجه به نقش فعالی که در امور اجرایی و مشورتی و ... دارند، در تمامی ابعاد، برای سازمان ملل به مثابه‌ی نماد جهانی شدن تلقی می‌شوند و دارای رابطه‌ای مستقیم و تأثیرگذار هستند؛ چنان‌که بدون این سازمان‌ها، سازمان ملل متحد در تحقق صلح جهانی دچار مشکل جدی خواهد شد.

از دیدِ اندیشمندان، اگر جهانی‌شدن را در قالب جایگاه و دید سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و شرکت‌های فراملی در نظر بگیریم، این خود یک جریان مردم‌گرا است و مؤلفه‌هایی اساسی همچون صلح، حقوق بشر، آزادی‌های اساسی، حفظ محیط‌زیست و... را برای جهان به ارمغان خواهد آورد.

سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در جهانی‌شدن نقش فعال مردمی بازی می‌کنند. حرکت‌های مردمی در قالب این نهادهای بین‌المللی، ضمن تسریع روند جهانی‌شدن، عوارض منفی آن را خنثی یا به حداقل خواهد رساند و جامعه‌ی بین‌المللی را به سوی جامعه‌ی مردمی بین‌المللی فراتر از مرزهای مصنوع سیاسی و جغرافیایی دست‌پرورده‌ی دولت‌ها سوق می‌دهد.

در این کتاب از سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی صلیب سرخ و هلال احمر به عنوان نماد اقدامات بشردوستانه در روند جهانی‌شدن یاد شده است که به‌خصوص پس از دوران جنگ سرد بر شدت فعالیت‌های آن‌ها افزوده شده است.

چنان‌که در اساس‌نامه‌ی صلیب سرخ نیز آمده، سنگ بنای این نهادها بر اصولی انسانی هم‌چون، نوع‌دوستی و کاهش آلام بشری استوار گردیده، و تمام خدمات و کوشش آن‌ها داوطلبانه، غیر انتفاعی، امدادی، بی‌طرفانه و بدون توجه به نژاد و دین و ملیت و طبقه و مواردی از این دست است. یکی از عرصه‌های مهم حضور این نهادها میدان‌های جنگ است که آنان در تمام مناقشات بی‌طرف هستند. آنان به هیچ‌یک از دولت‌ها وابستگی ندارند و گستره‌ی خدمتشان تمام جهان است و به تعبیری درست و زیبا نقش «ارتش خیریه‌ی بین‌المللی» را بازی می‌کنند.

سازمان‌های غیر دولتی به دو شکل در جهانی‌شدن مفاهیم بشردوستانه و تعدیل عوارض ناخوشایند آن مؤثر هستند؛ شکل نخست آن است که خود مستقیماً بدون ارتباط با سازمان‌های دولتی، در هر سطحی با برگزاری تظاهرات، راهپیمایی به نشر

نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه | ۱۵۹

و دفاع از اقدامات نوع‌دوستانه برمی‌خیزند، و دیگر این‌که این سازمان‌ها از طریق واسطه قرارگرفتن بین عامه‌ی مردم (مخاطبان خود) و سازمان‌های دولتی و بین‌المللی عمومی مثل ملل متحد و ارگان‌های تابعه‌ی آن‌ها اقدام به اشاعه و ترویج اقدامات نوع‌دوستانه، و همچنین تعدیل عوارض ناخوشایند جهانی‌شدن می‌کنند.

نگارنده در نگارش این کتاب، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی را عامل شتاب‌دهنده و کاهنده‌ی اثرات مخرب جهانی‌شدن دانسته، و مفصلاً به بررسی اثبات این نظر پرداخته است. همچنین ضرورت وجود این سازمان‌ها را از دیدگاه مکاتب نظری روابط ملل از جمله کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، و نئولیبرال بررسی و تحلیل کرده و بدین نتیجه رسیده است که: جامعه‌ی مدنی بین‌المللی حاصل رشد سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی است.

در فصل سوم کتاب، جایگاه سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در نظام بین‌المللی بررسی شده، و در فصل چهارم تأثیرات متقابل جهانی‌شدن و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و اشاعه‌ی اقدامات بشردوستانه مورد توجه و تحلیل بوده است.

در فصل پنجم، سازمان بین‌المللی غیر دولتی صلیب سرخ، به عنوان نماد اعلای سازمانی با اهداف و اقدامات بشردوستانه، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در فصل ششم، سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی و سازمان ملل متحد به اجمال معرفی شده است، و در فصل هفتم نیز به گستردگی در باب تأسیس، اهداف، اساس‌نامه، اقدامات، ساختار و باید و نبایدهای سازمان هلال‌احمر ایران سخن به میان آمده است.

پیشنهادهای راه‌کارها

- مبنای تشکیل سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی، اخلاق‌مداری و خدمت به بشریت است که در نهایت منجر به صلح پایدار خواهد شد. برای تحقق این امر در سطح بین‌المللی، باید زمینه در سطح واحدهای کوچک‌تر، یعنی کشورها به عنوان اجزای تشکیل‌دهنده‌ی نظام بین‌الملل فراهم شود؛ و لذا لازم است در عموم کشورها محیطی بازتر برای عملکرد این نهادها فراهم شود.

- حمایت‌های مالی و معنوی از این سازمان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی بیشتر شود تا روند مثبت فعالیت‌های این نهادها منجر به صلح مبتنی به احترام به نوع بشر گردد.

۱۶۰ | نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه

- باید عضوگیری در این نوع سازمان‌ها در سطح بین‌المللی با رعایت حقوق و تساوی کامل به‌دور از هرگونه تبعیض نژادی دینی و غیره صورت پذیرد و منحصر به چند کشور خاص نباشد؛ و به عبارتی دیگر، این نهادها می‌باید فراگیر باشند.
- در صورت فراگیرشدن فعالیت این سازمان‌ها همانند صلیب سرخ و هلال‌احمر، باید برای سازمان‌دهی بهتر، امور دبیرخانه‌های منطقه‌ای دایر شود تا دقت و تسریع لازم جهت عملی شدن اهداف این نهادها اعمال گردد.
- باید رسانه‌های عمومی بیش از پیش، با این نهادها در سطح بین‌المللی تعامل داشته باشند تا بتوانند با توجه به اهداف خیرخواهانه‌ای که این نهادها در روند جهانی‌شدن دارند، نمود و بروز جنبه‌های مخرب جهانی‌شدن در افکار عمومی کمتر گردد.
- باید در سطح ملی و بین‌المللی، به سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی از نظر شکلی و معنوی در حوزه‌ی اجرایی توجه جدی شود تا بتوانند به معنای واقعی کلمه در راستای تحقق اهدافشان نقش‌آفرین باشند.

منابع و مأخذ

- ابوصعب، ژرژ، مفهوم سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه‌ی ایرج پاد، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- اتزیونی، آمیتا، سازمان‌های جدید، ترجمه‌ی مسعود رضوی، چاپ اول، تهران: انتشارات مدیریت دولتی، ۱۳۸۲.
- ازغندی، علی‌رضا، تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۵۷-۱۳۲۰، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
- تکابی، سیاوش، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، چاپ اول، تهران: انتشارات نشر میترا، ۱۳۸۰.
- دوئرتی، جمیز، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، چاپ اول، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۶.
- ساعی، احمد، مسایل سیاسی اقتصادی جهان سوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- سریع‌القلم، محمود، توسعه‌ی جهان سوم و نظام بین‌الملل، تهران: انتشارات سفیر، ۱۳۶۹.
- سریع‌القلم، محمود، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران: نشر فروزان، ۱۳۸۷.
- سیف‌زاده، حسین، نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- صابری، هنگامه، ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۷.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۰.
- طاهری، ابولقاسم، روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، چاپ ششم، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۴.
- فرو دست، حسین، ظهور و سقوط پهلوی، چاپ پنجم، ج اول، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.

- قوام، عبدالعلی، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- کاظمی، علی‌اصغر، جهانی‌شدن فرهنگ و سیاست، چاپ اول، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۰.
- کیسنجر، هنری، دیپلماسی، ترجمه‌ی رضا امینی و ...، ج دوم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸.
- گلشنی فومنی، محمد رسول، جامعه‌شناسی سازمان‌ها و توان سازمان‌ها، چاپ اول، تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۰.
- متین دفتری، احمد، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی آن، چاپ اول، تهران: ۱۳۸۴.
- مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- منصفی، ابولقاسم، سازمان بین‌المللی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- موسی‌زاده، رضا، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، چاپ دوم، تهران: نشر پازنگ، ۱۳۷۶.
- موسی‌زاده، رضا، سازمان‌های بین‌المللی، چاپ هفتم، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵.
- نصیری، حسین، توسعه‌ی پایدار و چشم‌انداز جهان سوم، تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۹.
- نقیب‌زاده، احمد، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل از وستفالی تا امروز، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۶.
- واتر، مالکوم، جهانی‌شدن، ترجمه‌ی اسماعیل مردانی گیوی، تهران: نشر سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۹.
- یرژی، پی، سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه‌ی محمدمین کاردان، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۱.
- آبرشت، وبر، سازمان‌های بین‌المللی، ترجمه‌ی طهماسب محتشم دولت شاهی، تهران: انتشارات چاپار فرزندگان، ۱۳۷۹.

اخوان زنجان، داریوش، جهانی شدن سیاست خارجی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ج ۱، ۱۳۸۱.

ارمفی، عالییه و دیگران، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۲.

ج وایس، توماس، مداخله‌ی بشر دوستانه: اندیشه در عمل، ترجمه‌ی زهرا نوع پرست، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۷.

ذوالعین، پرویز، مبانی حقوق بین الملل عمومی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۳.

سر تیپی، حسین، مداخله‌ی بشر دوستانه، تهران، پژوهشکده‌ی تحقیقات استراتژیکی، سال ۱۳۸۶.

طراز کوهی، حسین شریفی، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

فلک، دیتر، حقوق بشر دوستانه در مخاصحات مسلحانه، ترجمه‌ی قاسم زمانی و نادر ساعد، تهران، نشر دانش، ۱۳۸۷.

کرمی، جهانگیر، شورای امنیت و سازمان ملل متحد و مداخلات بشر دوستانه، تهران، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۵.

مهر پور، حسین، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۷.

وابر تسون، رونالد، جهانی شدن، تئوری اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه‌ی کمال پولادی، تهران، ج ۱، انتشارات نشر ثالث، ۱۳۸۱.

یان آرت، شولت، نگاهی موشکافانه بر پدید جهانی شدن، ترجمه‌ی مسعود کرباسیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

فهرست مقالات

- «جهانی‌شدن رؤیایی یا هم‌زیستی»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره‌ی ۱۵۶.
- «جهانی‌شدن و حقوق بشر»، ترجمه‌ی صفر علی محمودی، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، تهران، شماره‌ی ۱۷۵.
- «چند ملیتی و سازمان‌های غیر دولتی»، ترجمه‌ی کاظم‌پور، **مترجمان اقتصادی**، سال سوم، تهران، شماره‌ی ۳۹.
- «در چپستی جهانی‌شدن»، **فصل‌نامه‌ی اطلاعات راهبردی**، شماره‌ی ۱۳.
- ابراهیمی، نبی‌الله، «تحول مفهوم مداخله‌ی بشردوستانه‌ی در روابط بین‌المللی»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی**، شماره‌ی ۳۸، ۱۳۸۶.
- باوند، هیرمیراس، «در چپستی جهانی‌شدن»، **فصل‌نامه‌ی مطالعات راهبردی**، تهران: شماره‌ی ۱۳.
- تاجیک، محمدرضا، «جهانی‌شدن و هویت»، **فصل‌نامه‌ی رهیافت**، دانشکده‌ی علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ۱۳۸۱.
- ثورایی، محمدرضا، «جهانی‌شدن کشورهای در حال توسعه و ایران»، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، ۱۵۶.
- دنبو، آلن، «قدرت فرهنگی»، ترجمه‌ی رستگار نامدار، **اطلاعات سیاسی اقتصادی**، شماره‌ی ۹۹-۹۴.
- دویونسکو، کوپه، «روابط سازمان‌های غیر دولتی شمال و جنوب»، ترجمه‌ی علی اکبرپور، **مترجمان اقتصادی**، شهریور ماه، ۱۳۸۰.
- مدلسیون، جی‌بی، «جهانی‌شدن یا چالش‌ها و فرصت‌ها»، ترجمه‌ی محمود سلیمی، **فصل‌نامه‌ی راهبرد**، شماره‌ی ۲۲، زمستان ۱۳۸۰.
- نای و کوهن، جوز و فرابرت، «جهانی‌شدن تازه‌ها و دیرینه‌ها»، ترجمه‌ی شهرام فرسایی، **فصل‌نامه‌ی آسیایی مرکزی**، تهران: شماره‌ی ۵۸.

نیرومند راد، خسرو، «سازمان‌های غیر دولتی و روز جهانی‌شدن»، فصل‌نامه‌ی گفتگو، شماره‌ی ۲۵.

ذاکریان، مهدی، «حقوق بشر در پرتو رهیافت‌های نظام تازه‌ی جهانی»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌ی ۱۴۸-۱۴۷.

ممتاز، جمشید، «در مداخله‌ی بشر دوستانه‌ی ناتو در کوزوو، و اصل عدم توسل به زور» ترجمه‌ی مرتضی مختاری، فصل‌نامه‌ی سیاست خارجی، سال چهاردهم، شماره‌ی ۴، زمستان ۱۳۷۹.

یحیی‌پور، مناف، «هانری دونان و نهضت»، مجله‌ی پیام هلال، شماره‌ی ۸۱ جمعیت هلال‌احمر ایران، ۱۳۸۱.

«آمار فعالیت‌های جمعیت هلال‌احمر طی سال‌های ۷۹ تا ۱۳۷۶»، جمعیت هلال‌احمر ایران، اداره‌ی کل طرح و برنامه‌ریزی «گزارش فعالیت». رجبی، محمد، «فرهنگ روابط بین‌الملل و استراتژی ملی»، نامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۱۴.

سجادپور، «نقد جهانی‌شدن در مقیاس کلان»، تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه سخنرانی ۱۳۸۰/۰۱/۱۷.

سلیمی، حسین، «جهانی‌شدن و فرهنگ»، روزنامه‌ی اطلاعات، آبان ماه ۱۳۸۰. عنایت، حمید، «تفاوت‌های فرهنگی و اختلافات بین‌المللی»، نامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۱۵.

فرهانی، حسین «مجموعه مقالات»، روزنامه‌ی جام‌جم، سه‌شنبه یکم مرداد ماه، ۱۳۸۱.

م برنارد، فردریک، «نظریه‌های فرهنگ و تمدن در عصر جدید»، ترجمه‌ی محمدسعید پای کاشانی، نامه‌ی فرهنگ، شماره‌ی ۱۵.

«آشنایی با فدراسیون بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر»، ترجمه‌ی نیلوفر جیران‌پور خامنه، بولتن، ۱۳۸۰.

«سازمان‌های غیر دولتی»، مرکز مطالعات عالی حقوق بشر، شماره‌ی ۴، سال ۱۳۸۰.

اساس‌نامه‌ی نهضت جهانی صلیب سرخ و هلال‌احمر، ترجمه‌ی امور بین‌الملل
هلال‌احمر، تهران، ۱۳۸۰.

انجمن تنظیم خانواده «بولتن بانک اطلاعات سازمان‌های غیر دولتی و تشکیلات
مردمی»، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.

بیگزاده، ابراهیم، «سازمان‌های غیر دولتی و حقوق بین‌الملل»، مرکز مطالعات عالی
حقوق بشر بولتن شماره‌ی ۴ تیرماه، ۱۳۸۰.

تامپسون، دیلو، «دیپلماسی فرهنگی»، ترجمه‌ی محمدی شعاعی، نامه‌ی فرهنگ،
شماره‌ی ۱۵.

خجسته، عارف، «امنیت بین‌المللی و فرهنگ صلح»، مرکز مطالعات عالی حقوق بشر،
۱۹ اسفند، ۱۳۷۸.

معنوی، علی، «شناخت و تبیین نظری پدیده‌ی جهانی‌شدن»، روزنامه‌ی اطلاعات،
۱۳۸۰.

فهرست منابع انگلیسی

- 1- Anderson, Mary, How Aid Can Support Peace Orwar, Colorado Lynne Rienner Publishere 1999.
- 2- Brigid Laffan, Integration And Coopertion In Europe, London, Roulledgec 1992.
- 3- Cantori, Louis, S, And Steven L Spieyel, The Inter National Politicds Of Regions, A.Comprative Approch, 1970.
- 4- Ellery Stowell , intervention in international Law (Washington , D,C, 1921).
- 5- Ernst B, Hass, The Absolence Of Rgional Integration Theory Berkeley. Institute Of International Studies, 1975.
- 6- Frank, A, Capitalism And Wnderdere Latin America, New York Monthy Review, 1967.
- 7- Friedrich Kratochwil And Edward D.Mansfield, International Organization: Areader, New York, Harper Collge Publisher, 1994.
- 8- Gramsci. A.Selection From The Prison Notebook. Qhoare And G.Nowell Smith London Lawrence And Wishart, 1972.
- 9- Hass, Ernest, B.And Philip. C.Schmitter Economicsand Differential Patterns Of Political Integration. Projection About Unity In Latin Amrica International Organiza. 1975.

- 10- Jacobson, Harold. K, Networks Of Interdependence Einternational Organization And Golbal Political System, Second Edition, New York: Alfred A, Knopf, 1984.
- 11- James pattisos , Humanitarian Intervention and the Responsibility to Protect : who Should Interene? Newyork , oxford 2010.
- 12- Lewis, Paul, "Fixing World Crises", Just A Job For Diplomats, New York Time, 5 April, 1992.
- 13- Mitrany, Daivd, The Functional Approuch World Organization International Affairs, 1968.
- 14- Peter Cocks, Towards Amyxist Theory Of European Integration International Organization. Vol, 34, No, 1, Winter 1980.
- 15- Report Of Secretary General: Arrange Ments And Practices For The Interecton Of Non Governmental Organization All Activities Of The United Nations System, Lojuly 1998.
- 16- Robert O Keohane And Joseph S.Nye, Jr, Power And Interde Penence World Politics Ransition, Boston Little Brown, 1977.
- 17- Robert O.Keohane And Craige N.Murphy, International Institution In May And Maurice Kogan (Eds), Encyclopedia Of Government And Politics, London Routledg 1992.
- 18- Tandon, Rajesh, (1992), Civil, "Society In The First Sector" In Development Journal Of Society For Intornatconul Development, New York, 1993.
- 19- Thomas G. weiss , Humanitarian Intervention : I deas in Action. (Combridge , polity , Perss 2007.

20- Wayn Sandholtz, Choosing Union. Monetary Politics And Maastricht International Orgnization, Vol 43, No, Winter 1993.

21-Fried Man, J, Cultural I dentity and global process, sage. London. 1994.

22-Good Speed , Stephen .S.Nature and Function of International organization, 2nd, ed, newyork. Oxford university press, 1967

23-Jack Donnely, universal Human Rights in theory , and practice , New york : Knopf , 1989,

24-Report of the commission of Expert Established pursuant to the united Nation Security Council resolution 78. , 27 May , 1994.

منابع اینترنتی

Www. Eui. Eu / Documents. Com.

Www. Qn. Org / Moreinfo / Ngolink / Brochure. Gt.

Www. Qlindiary. Org/Paye/Unitednationgrole.

Www. Un. Org. Mor. Info / Ngo Lik / Brochure.

Www. Aftab. Ir / View / Article. 1014 / Link.

Www. Hamshri On Line / Ir / News.

Www. Un. Org / En / Documents / Charter. Index. Shtml.

Www. Wikipedeia. Org / Link. View // Article. 140 Pdf.